

بسم الله الرحمن الرحیم صغری منطق

بدانکه هرچه در ذهن درآید اگر خالی از حکم باشد آن را تصور
خوانند چون انسان مثلاً و اگر با حکم باشد آن را تصدیق
خوانند و حکم نسبت امری است بامری بر وجه ایقاع و آن را
ایجاب گویند چون انسان کاتب است و یا بر وجه انتزاع
و آن را سلب گویند چون انسان کاتب نیست و هر یک از این
تصور و تصدیق اگر بی فکر باشد آن را ضروری و بدیهی
خوانند چون تصور حرارت و تصدیق بانکه آتش گرم است
و اگر با فکر حاصل شود آن را نظری و کسبی گویند چون تصور
روح و تصدیق بانکه عالم حادث است و فکر آنست که در
معلومات تصرف کند به ترتیب بعض ببعض بر وجهی که اداکننده
به الی مجهول و هرچه در وی فکر کنند تصور ادا کنند آن را

معرّف وقد شارح خوانند چنانکه معنی حیوان که جوهر جسم نامی
حساس متحرک بالاراده است و معنی ناطق دریابنده معقولات است
اگر متعرف ترا معلوم باشد پس اگر اورا جمع کنی و گوئی
گرچه هر چه معلوم حیوان ناطق تا تصور انسان حاصل شود و هرچه دروی فکر کنند
ان را دلیل وحجت خوانند چنانکه گوئی عالم متغیرست و هرچه
متغیر باشد حادث است پس عالم حادث است فصل
در مباحث معرّف هرچه در ذهن متصور شود اگر مفهوم کند ان
منع از وقوع شرکت کثیرین ان را جزوی حقیقی خوانند
چون ذات زید و اگر منع نکند ان را کلی خوانند چون تصور
مفهوم انسان و ان کثیرین را افراد جزئیات اضافی وی
خوانند چون زید و عمر و بکر و غیر ان و چون کلی را نسبت کنی
با فراد وی اگر عین حقیقت افراد خود باشد ان را نوع
خوانند چون انسان نسبت بزید و یا جزء حقیقت افراد خود باشد

بی

پس اگر تمام مشترک میان ان حقیقت افراد و ماهیت دیگر است
چون حیوان که تمام مشترک است میان انسان و دیگر حیوانات
ان را جنس قریب خوانند و اگر چنین باشد ان را فصل
خوانند خواه مشترک نباشد اصلا چون ناطق و خواه
مشترک باشد لیکن تمام مشترک نباشد چون حساس و یا خارج
از حقیقت افراد خود باشد پس اگر خاص باشد بیک ماهیت ان را
خاصه خوانند چون ضاحک و اگر خاص نباشد ان را
عرض عام خوانند چون ماشی و جنس اگر تمام مشترک باشد
نسبت با همه مشارکات ان را جنس قریب خوانند چون
حیوان و اگر نسبت ببعض مشارکات لفظا مشارک باشد
ان را جنس بعید خوانند چون جوهر که تمام مشترک است میان
انسان و مجردات و حیوانات و نباتات و جمادات و تمام
~~مشترک نیست اگر نسبت با مجردات و مراتب [illegible] مختلف شود~~

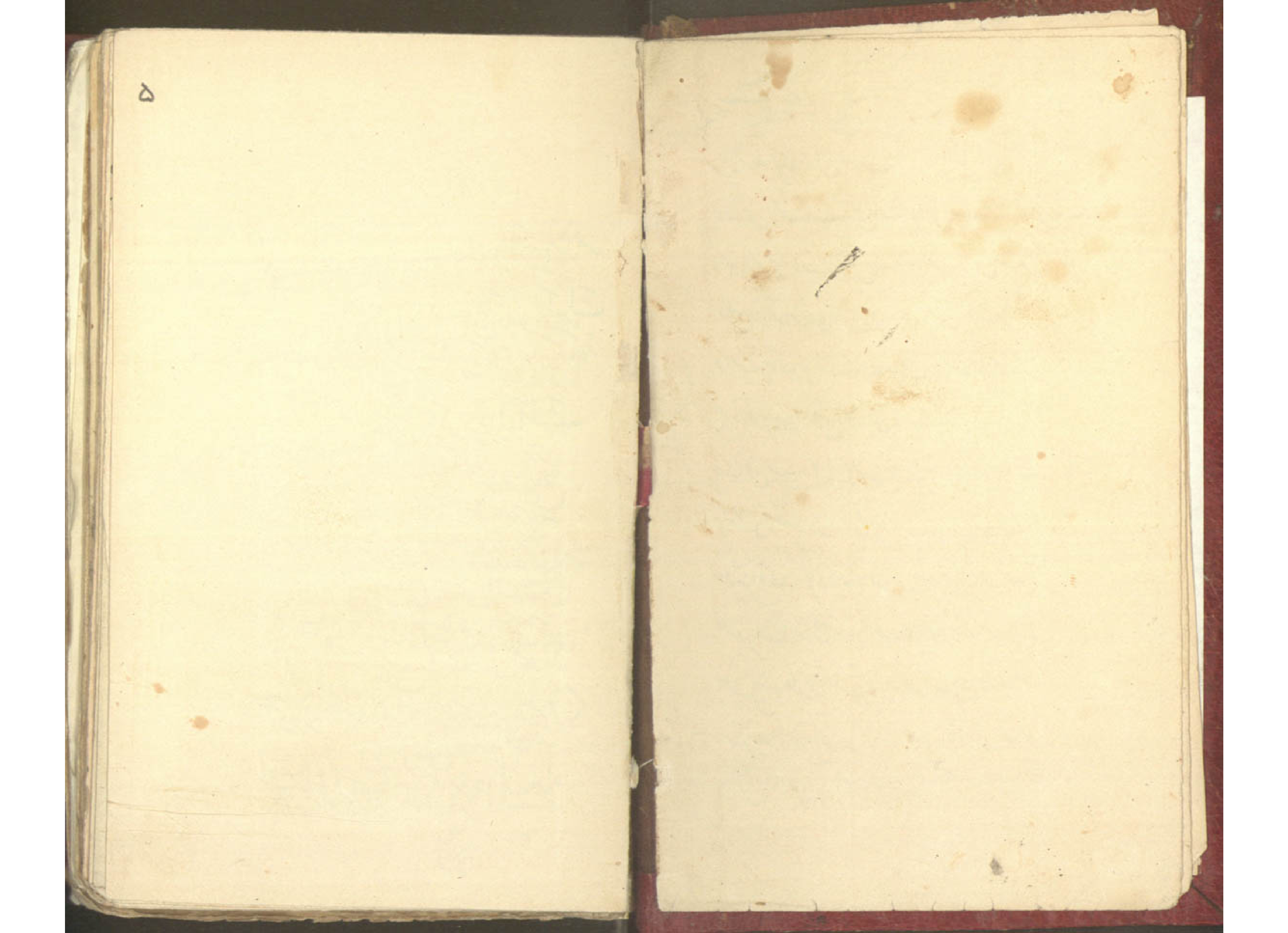
و هرگاه جنس قریب را با فصل جمع کنی آن را حدّ تام گویند
چون حیوان ناطق مر انسان را و اگر جنس بعید را با فصل
جمع کنی آن را حدّ ناقص خوانند چون جسم ناطق مر انسان را
و هرگاه که جنس قریب را با خاصه جمع کنی آن را رسم تام خوانند
چون حیوان ضاحک مر انسان را و اگر جنس بعید را با خاصه
جمع کنی آن را رسم ناقص خوانند چون جسم ضاحک مر
انسان را و هم چنین عرض عام رسم ناقص باشد چون ماشی
ضاحک مر انسان را فصل دوم بدانکه جنس و فصل و حد را
بیشتر در حقایق موجوده در خارج استعمال کنند و در مفهومات
اعتباریه نیز چون اصطلاحات نحویه مثل کلمه و اسم و فعل و حرف
و معرب و مبنی و استعمال کنند و در مثل اینها عرضیه تنها معرّف
باشد و اقسام اربعه در وی داخل باشد فصل سوم در مباحث
حجت و دلیل تصدیق را قضیه خوانند و قضیه بر سه قسم

حم

اوّل حملیه و این مرکب از دو مفرد باشد چون انسان
کاتب است و این را موجبه خوانند و چون انسان کاتب نیست
و این را سالبه خوانند و محکوم علیه را در قضیه حملیه موضوع
خوانند و محکوم به را محمول دوم شرطیه متصله و آن مرکب باشد
از دو قضیه که میان ایشان حکم کرده باشد باتفاق چون
کلما کان الشمس طالعة کان النهار موجودا و این را موجبه خوانند
و یا حکم کرده باشد بسلب اتفاق چون لیس البتة اذا کانت الشمس طالعة
کان اللیل موجودا این را سالبه خوانند سیم شرطیه منفصله
و آن مرکب باشد از دو قضیه که میان ایشان حکم باشد بانفصال
و یا بسلب انفصال و منفصله بر سه قسم است اوّل حقیقیه که
در وی حکم کرده باشند بانفصال در صدق و کذب
چون العدد اما زوج و اما فرد و این را موجبه حقیقیه خوانند
و یا حکم کرده باشند بسلب انفصال چون لیس العدد اما زوج
و اما منقسم بمتساویین و این را سالبه حقیقیه گویند

و دوم مانعة الجمع که در وی حکم کرده باشند بانفصال در صدق فقط
یا سلب انفصال چون هذا الشیء لا شجر و لا حجر و لیس هذا الشیء
حجرا و شجرا سیم مانعة الخلو که در وی حکم کرده باشند بانفصال
در کذب فقط یا سلب این انفصال چون ~~هذا الشیء لا شجر و لا~~
~~حجر و لیس هذا الشیء شجرا و حجرا~~ و دلیل چون مرکب شود از
حملیات صرف آن را قیاس اقترانی خوانند و در وی چهار
شکل منعقد گردد و بیان این مقام آنست که چون در قضیه
حملیه نسبت محمول بموضوع مجهول باشد احتیاج افتد بمتوسطی
که او را با هر یک از موضوع و محمول نسبتی باشد تا بواسطه آن نسبت
محمول با موضوع ~~مطلوب~~ معلوم شود مثلا نسبت جسم بمحمول
با انکه موضوع است چون مجهول باشد احتیاج بمتوسط افتد
پس در اینجا سه چیز باشد اول موضوع قضیه مطلوب دوم
محمول قضیه سیم متوسط پس اگر متوسط محمول شود بر موضوع مطلوب

را با موضوع شود محمول مطلوب را آن را شکل اول خوانند
چون کل الف ب و کل ب جیم فکل الف جیم و اگر
عکس این باشد آن را شکل چهارم خوانند و این بعید
از طبع و اگر متوسط محمول باشد هر دو را آن را شکل ثانی
خوانند چون کل ب ا و لا شیء من ج ا فلا شیء من ب
ج و اگر هر دو را موضوع شود آن را شکل ثالث خوانند
چون کل ا ب و کل ا ج فبعض ب ج و اگر دلیل مرکب شود
از متصله یا منفصله آن را قیاس استثنائی خوانند مثال متصله کلما کان
الشیء انسانا کان حیوانا لکنه انسان فهو حیوان لکنه لیس بحیوان
فلیس بانسان مثال منفصله العدد اما زوج و اما فرد لکنه زوج
فلیس بفرد و لکنه فرد فلیس بزوج لکنه لیس بزوج فهو فرد لکنه
لیس بفرد فهو زوج تمت الصغری فی یوم الثلث خامس
شهر ربیع الثانی فی ۱۲۸۴



مناجات الذاكرين

بسم الله الرحمن الرحيم

الهی لولا الواجب من قبول امرك

خدایا اگر واجب نبود از جهت قبول کردن فرمان تو

لنزهتك عن ذكري اياك

هر آینه پاک میکردم ترا از ذکر خودم ترا

الا ان ذكري لك بقدري

با اینکه ذکر من ترا باندازه من است

لا بقدرك وما عسى ان يبلغ

نه باندازه تو و چه نزدیک است اینکه برسد

مقداري حتى اجعل محلا

اندازه من تا گردم محل

لتقديسك ومن اعظم النعم علينا

از برای مقدس داشتن تو و از بزرگتر نعمتها بر ما

جريان

جريان ذكرك على السنتنا واذنك

جاری شدن ذکر تو بر زبانهای ما و اذن تو

لنا بدعائك وتسبيحك وتنزيهك

برای ما بدعای تو و تسبیح تو و پاک دانستن تو

الهی فالهمنا ذكرك في الخلاء

خدایا پس الهام کن ما را ذکر تو را در خلوت

والملاء في الليل والنهار والاعلان

و آشکار در شب و روز و اظهار

والاسرار في السراء والضراء وآنسنا

و پنهان در خوشیها و ناخوشیها و انس بده

بذكرك الخفي واستعملنا في

ما را بذکر خود پنهان و استعمال کن ما را

العمل الزكي والسعي المرضي

عمل پاک و سعی پسندیده

وجازنا بالميزان الوفى الهى بك
هامت القلوب الوالهة وعلى معرفتك
جمعت العقول المتباينة فلا
تطمئن القلوب الا بذكراك
ولا تسكن النفوس الا عند رؤياك
انت المسبح فى كل مكان والمعبود
فى كل زمان والموجود فى كل اوان
والمدعو بكل لسان والمعظم فى كل جنان

فاستغفرك من كل لذة بغير ذكرك
ومن كل راحة بغير انسك ومن كل
سرور بغير قربك ومن كل شغل بغير
طاعتك الهى انت قلت وقولك
الحق يا ايها الذين امنوا اذكروا الله
ذكرا كثيرا وسبحوه بكرة واصيلا
وقلت اذكرونى اذكركم وامرتنا
بذكرك ووعدتنا عليه ان تذكرنا

تشريفاً واكراماً وتفخيماً واعظاماً وها

نحن ذاكروك كما امرتنا فاذكر لنا

ما وعدتنا يا ذاكر الذاكرين

يا ارحم الراحمين

مناجات المحبين

بسم الله الرحمن الرحيم

الهي من ذا الذي ذاق حلاوة محبتك

فرام منك بدلاً ومن ذا الذي انس

بقربك فابتغى عنك حولاً الهي

فاجعلنا ممن اصطفيته لقربك

وولايتك واخلصته لودك ومحبتك

وشوقته الى لقائك ورضيته

بقضائك ومنحته بالنظر الى وجهك

وحبوته برضاك واعذته

من هجرك وقلاك وبوأته

مقعد الصدق في جوارك وخصصته

بمعرفتك واهلته لعبادتك

وَهَيَّمْتَهُ لِإِرادَتِكَ وَاجْتَبَيْتَهُ

مشتاق کرده ای او را که اراده تو و برگزیده ای او را

لِمُشاهَدَتِكَ وَفَرَّغْتَ فُؤادَهُ لِحُبِّكَ

که ببیند ترا و فارغ کرده ای دل او را که محبت خود

وَرَغَّبْتَهُ فِيما عِنْدَكَ وَأَلْهَمْتَهُ

و رغبت داده ای او را در آنچه نزد تو است و الهام کرده ای او را

ذِكْرَكَ وَأَوْزَعْتَهُ شُكْرَكَ وَ

ذکر خود و توفیق داده ای او را شکر خود

شَغَلْتَهُ بِطاعَتِكَ وَصَيَّرْتَهُ

مشغول کرده ای او را بطاعت خود و گردانیده ای او را

مِنْ صالِحِي بَرِيَّتِكَ وَاخْتَرْتَهُ

از نیکان خلق خود و اختیار کرده ای او را

لِمُناجاتِكَ وَقَطَعْتَ عَنْهُ كُلَّ شَيْءٍ

که مناجات خود و قطع کرده ای از او هر چیزی را

يَقْطَعُهُ عَنْكَ اللّٰهُمَّ اجْعَلْنا مِمَّنْ

که قطع کند او را از تو خدایا بگردان ما را از آن کسانی که

دأبهم

دَأْبُهُمُ الْاِرْتِياحُ إِلَيْكَ وَالْحَنِينُ وَدَهْرُهُمُ

عادت ایشان راحت یافتن است بسوی تو و ناله است و روزگار ایشان

الزَّفْرَةُ إِلَيْكَ وَالْأَنِينُ جِباهُهُمْ

آه است بسوی تو و زاری است پیشانیهای ایشان

ساجِدَةٌ لِعَظَمَتِكَ عُيُونُهُمْ ساهِرَةٌ

سجده کننده است بعظمت تو چشمهای ایشان بیدار است

فِي خِدْمَتِكَ قُلُوبُهُمْ مُتَعَلِّقَةٌ

در خدمت تو دلهای ایشان بسته است

بِمَحَبَّتِكَ أَفْئِدَتُهُمْ مُنْخَلِعَةٌ

بمحبت تو و جگرهای ایشان جدا شده است

مِنْ مَهابَتِكَ يا مَنْ أَنْوارُ

از هیبت تو ای آنکه نورهای

قُدْسِهِ لِأَبْصارِ مُحِبِّيهِ شائِقَةٌ

پاکی او که چشمهای دوستان او را آرزومند است

وَسُبُحاتُ وَجْهِهِ لِقُلُوبِ عارِفِيهِ شائِقَةٌ

و نورهای روی او دلهای عارفان او را

زائغة يا منى قلوب المشتاقين

ریزش کننده ای آرزوی دلهای مشتاقان

يا غاية آمال العارفين أسئلك

ای نهایت آرزوی عارفان سوال میکنم تورا

حبك وحب من يحبك

محبت تورا و محبت کسیکه محبت میدارد تورا

وحب كل عمل يوصلني الى

و محبت هر عمل که میرساند مرا بسوی

قربك وان تجعلك احب

نزدیکی تو و اینکه بگردانی تورا دوست تر

الي مما سواك وان تجعل

بسوی من از آنچه غیر تست و اینکه بگردانی

حبي اليك قائدا الى رضوانك

محبت مرا بسوی خودت کشنده بسوی خوشنودی تو

وشوقي اليك ذائدا عن

و شوق مرا بسوی تو راننده از

عصيانك وامنن بالنظر

معصیت تو منت بگذار به نظر کردن

اليك الي وانظر بعين

بسوی تو بر من و نظر کن بچشم

العطف والود علي ولا تصرف

مهربانی و دوستی بر من و برمگردان

عني وجهك واجعلني

از من روی خود را و بگردان مرا

من اهل السعادة والحظوة عندك

از اهل سعادت و حظ در نزد خودت

يا اكرم الاكرمين يا ارحم الراحمين

١١

[illegible]

بدانکه مصدر ان ت ودر آخر لفظ ارماق باشد چون کلماق آمدن وکیتماق
رفتن واز ماضی ان شش وجه باز میگردد دو مغایب ومغایبه را الدی چون کلدی کلدیلر
ودو مخاطب ومخاطبه را چون کلدین کلدینیز ودو متکلم را چون کلدیم کلدیک
واز مضارع شش وجه باز میگردد دو مغایب ومغایبه ودو مخاطب ومخاطبه ودو متکلم را
چون کلیر کلیرلار کلیه سن کلیه سیز کلیرم کلیرک واز اسم فاعل دو وجه باز میگردد
کلکن کلکنلر واز مفعول دو وجه باز میگردد کلکنده کلکنده لر واز امر نیز شش وجه باز
میگردد دو مغایب ومغایبه را ودو مخاطب ومخاطبه ودو متکلم را کرک کلکین کرک کلکین لر
کل کلین کرک کلیم کرک کلالیغ واز نهی نیز شش وجه باز میگردد دو مغایب ومغایبه ودو مخاطب ومخاطبه
دیگر کلمسن کرک کلمسن لر کلمه کلمین کرک کلمیم کرک کلمیاغ
واز نفی نیز شش وجه باز میگردد دو مغایب ومغایبه را ودو مخاطب ومخاطبه را ودو متکلم را
چون کلمز کلمزلر کلمیرسن کلمیه سیز کلمیرم کلمیراغ واز جحد نیز دو وجه باز میگردد دو مغایب ومغایبه را ودو مخاطب
چون کلمیب کلمیب لر کلمیب سن کلمیب سیز کلمیبدرم کلمیبدیک
استفهام چون مضارع هر علامت نهی است اما جحد علامت جحد است علامت نفی

تم اول ات كيشر آرا اوزن اقلان پسر غرض جا اكيه قمچه مردبر قاير زن بر
باش سر ديرى برت تولت وات كرت دكار رك سيوموت انگوال
ساج گيو بيچك زلف سقل ريش اتن بينه قاش ابرو
كوز چشم بورون بيني اقذ دهان درپش دندان ديل زبان
بقاذ گلو دوش سينه قل رو دال پشت قارن شكم باقرساق
اكمك بستان كوبك ناف [illegible]
دلتان نيك ات بادماق انگشت قل زرنج يا قابوق مابين
تابر قمه دبان پاشنه دپز زانو ديرسك آرنج بالتار رفت
انك دمن كونك بر اهن تومان باق بند بزيه كلش كفش كوزكو آيينه
طارداخ شانه سواب چرك اوين ياق روغن دركو برنج قرقط كند
يقور ت مات كرت اوزوم انگور دوشاب شيره جلمك
ات اتش اقاج هيزم آق سفيد قره سياه غرمزي سرخ كوك كبود ياشل
سادزر كوك آسمان الدوز ستاره كون آفتاب اي ماه كيك
كجه شب سحر صبح اقشام شب كون اورته ميان روز ياد كجه نيمه شب
يوزيى تادرف ياقين از ان يل باد يرن زمين داش سنگ
تراباق خاك بالجوق مر افغانه يوكل تاب دام بام ايجرى

ايشيك فرج چقور بود داغ كوه داش سنگ چول صحرا اريغ جو قوى چاه يل راه
بلاغ كاريز كوبرچى بد اوجه بنه اكين زراعت دودكن دمزاتن سجاق
اتاب سقر كاو قوزو بره كيجى بز اشك خر دوستر اينك ماده كاو بزو
بچه كاو اوكوز كرساله ندق كره فرابت سگ قوردك توركى روباى فرس اصلاتي
بيشيك گربه سيجان موش دوشان خركوش كركدان اسيا دلي ديوانه داد
طم اوناخ دور يووخ نزديك يخاد باد اشاقة پائين دوز راست اكرى كج
لى قدر آزش زنج باغمان مز اوجت بركا ايكه او چرسه دورد چهار
بش ح الت شش يدى هفت سكز هشت طوقز نه اون ده ايگرمه بيست اتز سر
قرخ صد الله الميش شصت يتمش هفتاد سكسن طقسن نود
يوز صد مين هزار اي و اوچ نه ترشه بن شو دو سرد
اربه جو سلمان كاه اياج چوب المه سيب كرپچ نرد آو حيوانه اوزوم انگور يرگوكى
زردك سقان پياز سارمساق سير قشقول ايرس دشلان قابچ تره تره
تادين رانه قوون خربزه دوكرچ برنج رجب عدس داپ ارزن سيحسه
الت زير اوسته زبر يقان كاف اويرتوك رخت خاب كچه بنو ياش
سكه توتر لكه چله رسان كرپش آجر كيرك باره سغودچه كبوتر
سغرتمه حف ستر بد قاباق بش قوزق دنبه تمان خان
تليغ نشر بزكس تادرضا درپى دنده اولر مرده قرزد بته اپسيمه تبديغ
چيچك ابه اشاق عطه اسلما قحنه كزشمه كاكشه تخ خواب
اوديات بيدارى قوش پرنده قره قوش كلمنخ طوق مرغ ايش كار رشتك

ایشیک ایریشم یاچ نبه یوتی بش قزل سو ایلان ار قیح یاق

قوش مولان کلکیک کیک سیرچه نجک قادمه سغ قرکت قوش برکی

یاهوکرته بیس بیس جی بالق ار قزل الا ار کین الادیکین ایت له

تیزکن کوب باقلیب کنه ده یادس باب زنک ده ادجونز ال تبالان

فج بو تابس ده باچ ده پوزکب بزرک خورد جه لرجف باخ نفر

بیرام عید آی ماه س یف بل اسل ایش ایل پر آل کچی مور دره

آج ازسه تح سیر ادا خله مرد یشان مرد لوه کن اد قابن ایا

بیر بور تایین ننه ماد ادر بابا جه پدر بچه عمه بالا بین بچه

برانی بالدز مرد ال کچ ادت سوسزلق تشنه یک بار

رتق زهو بلج دیر تش آواز آد اسم داستان عو

صحت ایسلی لرته یا نه دقر آتر رگینگ داش راست یکنلک

کلن آنیه کیدکن رفته یالقز تنها

اغماق خاست ن یاتماق خوش الماق گرفتن وبرماق دادن اونیماق بار کرد ن

ایاسماق بردن ~~کیرتماق آوردن کیوتماق بردن~~ الاتماق بازداد ن

اوزعماق یک کرد ن اوتماق ... ایلکماق ... اینجماق ...

اقلماق کینه کردن ~~کرتماق ... کوتماق ...~~

اولماق ... اولدورماق کشتن اندماق ... اغماق بیختن

اتماق انداختن اونونماق ... اوتماق ... ایرلماق ...

الشیدماق ... ایتماق ... اوتماق ...

~~کوتیک ... یادس ...~~ آکلماق ... اوزاتماق ...

اوتماق ... ایستماق ... اچلماق ... اسماق ...

ایستر ... ایستم ... اوچماق ... الماق ... ایلشماق ...

بیلماق دانستن بقماق نگه کردن بیورماق فرمودن باغرشماق
صحرا کردن بکلماق بسندیدن یاتماق خفتن اچماق گشادن یاخماق زدن
بوشاتماق خالی کردن باصماق افشردن ومالیدن

بیکماق ... توکنماق خالی کردن تپینماق ... توتماق گرفتن

کسماق بریدن
کورماق دیدن کولماق خندیدن کلماق آمدن کیتماق رفتن کیورماق ...
کوشماق تدبیر کردن کچیرتماق گذرانیدن ... کسیماق ... کیماق پوشیدن
کیزلماق پنهان کردن کزماق گردیدن

دوڭرماق زورڭ ويرماق دارڭ

برکون بزکون قدر دوشنبه کوندر تهراندن نه خبر وار بر امین حکایت ده

آقا بارده شریف آپارر حاجی سید باقردن قافله‌لر اوری یا لوزکیره شریف آپارر

این بیلم معلوم الرم کمه گیدیرسن ابراهیم بلیرم بس نزیله اللدن کیت

آقا قلقمه کوز شریف گیدرلر یا چزاور کراخ آقا شریف گیدرز قلقمه کم وار

جمعیت چخ دور نه‌ار ایستیلر زیارته ضرور نه‌ار قیلرسن نه ییشیرسن لر

کبابن چلوا کر یا چخ اتات تا بلبه وار نه بیشیرسن یا چخ آت بورد

قیرنی یا چخ چرک کردن ده آلین گترین یتورد دقیقین بستر ده

گترینی تزالق اپارین آقا شام الدی نه‌ار ایدلر بلکه قهوه ایستر

قهوه آپارین بلکه آقا منی قناق وار کمه بوزدلر آن نفر بیوردلر

نه قراخ نه چلوپلو کوشنیس مستر افسر یه آرکه نزاله سکنجبین نش

انگیمو ایرانین قنه شربت بیلیرسن یه کمه سعت که دن کچیب سکز باتد

بقعو یا تمز کر نه رخته خواب ایستیلر آورکر آماده ایرین سالین

یاتین کر شمعی تیقیش ملیان گترین استر سنز کتاب اخیم تلقینه

نه کتابی وار کتاب بوردن یخ دور خمسه نظامی وار بلکه خمسه نظامی دور

جرماق ... چینه‌ماق ... چالماق ... چرتماق ...
چالماق ترکیدن چرورماق ... بخارتماق ...

دلّنماق ... دوکماق ... دونماق ... دلانماق ... درتماق
... دیشلماق ... درونیدن ... دونتماق ...
دورماق ... داججماق ...

سالماق ... ساتماق ... سروشماق ... سولاشماق
... سوقیماق ... سوکماق ... ساییماق
سیکماق ... ساججماق ... سپماق ...
سرماق ...

ابشیت ایاغنه بستم کیوم آغاتلیغنه اعتدال بیلن ... کیرادور اکو آدمی المحسن
... ائینه جمعیت ... نعمتنه ... متفرق ایرور
عقلدین ... تجربه ... بیلن جمیع صناعات وکمالات
... اگر ... کاتب ... شاعر ... یا ...
... اختیار ... چنانکه اختیار ... هر طرفه ... ایسه
... اوطرف ... کول ...
کول ... همچنین ... عقل ...
... عمر ... دنیا ... ضایع ...
... قیمت ... علم آلتی ...
عزیز ... [illegible] ... مشکل ... تصور ...
که ... [illegible] ... مشکل ... اوزنه

یتیشماق رسیدن بیچاق دیماق کُل یاتماق خوابیدن یایلماق دویدن
یاندیرماق سوزانیدن یازماق نوشتن یاپماق زن بیختن یالماق لیسیدن
یرتماق دریدن یقماق جمع اکل

تاپماق کندن تاتیشماق چراکن قوغورماق برشتن قوماق کذاشتن
تاچماق ریختن قوماق کذاشتن تیلماق کردن تاملماق چیدن
قوذماق راست کردن قوپکنک قوپار یتقل[ق] برخاستن کرده
تانخماق برخاستن قیترماق برکردانیدن قمرتلماق ناله ن قورماق کشیده

باب حروف

سوز حرف

وارات ... اردہ ایا بوندن دراینا توہمت دکلدرت

کیشی علامت مفعول دہ در دن از کیشی کہ من سن تو

سیزنا بیزنا ء آن بانی ء لاد انا بالار اینی

اوذکہ سبعہ اوذکہ حوشان اوذتیمز دیب ...

باشنک پشار بجاق کبخ سر بہ الک سر بہ اوان منکدن من بہ اوارن نیہ چہ

الکہ جنن بلکہ ہمجنن اولہ دہ کی ات لہ نسبت لکین شد

یانج حرب یامان بہ باقسیلہ نجش الکہ بکن الکہ بکن قوریجش

باشتر منکہ دیر سنین کہ دیر لاپ اک هاقیسہ ... اش

انجش قرر یودنجب کرک ایت ... کنی ابتہ

سہ کابش ست کانمدن دالسہ تنش دادو دیر اسٹن ...

... کدام ... بشقہ غیر نہ حرف استفہام نزفت کلک ...

... قدرنی چندر براغ اکی بخیمہ این جیتمہ اذیت کنی

دمیدم آہ ... شد او ... کیم الکہ غیر سیر ... ہمکس

یان بن ایتدم یاخلماق خفالتن الکہ اذکینہ

الکہ اذکہ ... چہ ...

در اختلاف زبانها ... اختلاف ... نسبت

درواز ... ور ... جان دور ... وای ... الور قیدرا

در تسکیم مع الفہ ... جون ورد دیک لکاف ... کجا معجمہ ... جائزات

... تحقیق ... حولاجیب ... مستقبل ... بالاشہ ...

حولحف اخرک ... کنہ باکرب ... حول بیدہ ... بیت ...

سولیجرش یاسولیجرشن یاسولیجرسن بیک سیوزی ...

اکیر کادہ یماق اکیر ... انشاق واچماق کو نہ

چرک بد سوائید در متصل ... جائزست ... وورماق ...

علامت استفہام ... الفست در مضارع ... در جمع اسم مفعول ... جائزست

جون دورلمش ... ولمشتر ... للذکر وآبائر ... کبتر ... کسند

علامت ... مستعد جون اسیل ... ریشماق ...

... ریشماق ... جون اضاق ... واختماق ...

... علامت مستعد جون اوکشماق ازمن و اوکنماق ...

بیرکن وازل زادین صدیر کوکرب عقلیدر اول ایکنج جوهر نسن که اندن
بعالم انتقاله یکیه مالنه تابع اوتمیز خلقیدر الیب اطوار دانیان
کره کوکنه باقه برودن اوندیز کوزکون ایچنده صورت ظاهر اولور
جسم ازل عقلین جمال ایکه برآمد اولون وحیس نقشه سیر
کل صفات کمالیه الهیه اوده نقش اولور واندن سایر اشیاء
جمیشیتر واو واسطه در جمیع موجودات و اشرف کائنات در
واوفر اهل ابجادون نره سبهر بر صرشب اثر وین عبد
سبح وده کمال خجلتدن تر لو خطاب مستطاب
اکرمتینه وار ملیق لطیف عکم سیقن ادوجین حق الکرم
باش کوزه سنبه دن باش کرده هر ایاق کوز وزنه حرکت
ورده به دولت اونینه بزنه نکره واحجبه وادان

کلمدن ابلایدر ده

اجسام میپوید و سیار صا و جابلقا و جابلسا مدینه های عالم مثال است و هو رقلیا سموات
ان دیگر ادیان و حکمای اشراقیه همه قائلند بان عالم و همچنین عرفای اسلام و
شرع مطهر ناطقند بان و انان که میگویند که انسان بصورت مثالیه محشور
میشود نه باین صورت عنصریه نه همین از دیانت عاری اند بلکه از قواعد
عقلیه هم بیخبرند و الا بقواعد چند بایست بدانند که روح ادمی همین قالب
عنصری محشور می شود یکی انکه صورت اخروی کامل و مستند همین است
پس هر گاه نقش لوح محو از ان لوح شود همان صورت محتاج بلوح است
بنحو اتم چنانکه رجل همان صبی است دوم انکه شیئیت شیء بصورت است
نه بماده و این در موضع خود مبرهن است سیم انکه میانه صورت
دنیویه و صورت اخرویه اتصال است مثل حدود متصله در حرکت واحده
و اتصال وحدت با شخصیت مساوق است چهارم شخص و هویت در اجساد
مستند بنفس است که از عالم وحدت و بساطت است و در نفس بوجود
است که بسیط است و در وجود بوجوب است پس اینها مثل و باطنی
هستند که مراتب متفاضله دارند بیوست دارند بحیثیة لا انفصام
لها پنجم انکه ادمی فرق کند میان تمیز و تشخص و تمیز هر مرتبه متمیز
از تشخص واحد را از مرتبه دیگر او و التشخص و متشخص از مرتبه بدانند
و الا تشخص واحد از تن اشخاص خواهد بود باعتبار مراتب نفس نباتیه
و حیوانیه و نطقیه و کلیه الهیه و بالضرورة نه چنین است
پس مراتب متفاضله جسد از مادیت و برزخیت و اخرویت
و مراتب روح از نفسیت و عقلیت بالفعل و فعالیت الی

اگر حفظ ... ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز ... ک ف
ش ح خ د ش ص ض ط ظ ع غ ف ل م ن و
ا ب ت ج د ر س ق ک ه ی

الی ما شاء الله تمیزات دارند نه تشخصات تا اشخاص شود تشخص واحد
نظیر وجود حقیقی که مراتب متفاضله پیش فهلویین و محققین متاخرین
دارد که مقول بالتشکیک است وجود و اینها تمیزات دارند نه تشخصات
لهذا موحدند بتوحید خاصی وجود را حقیقت واحده صاحب درجات
متفاضله میدانند نه صاحب انواع متباینه و افراد متخالفه
تا وجود جنس و نوع باشد پس هر کاه باین قواعد و مثل اینها ما
نوس باشد بدانکه حشر جسد اخروی حشر جسد عنصری طبیعی است
محشور نشود و قالب مثالی محشور کردد و پس هر چند انهم بصدد
قول معا دین است جسمانی و روحانی نه مثل قائل بمعاد روحانی
فقط که اصلا بلذات و الام جسمانیه و روحانی قائل نیستند و
بلذات عقلیه مثل لذت لقاء الله و وصال العقول المفارقه قائلند
و بالام روحانیه مثل الم فراق و حسرت تفریط فی جنب الله قائلند
و مشاعر جزئیه غیر این مشاعر مادیه قائل نیستند تا بانها ادراک
جزئیات توان کرد بجز عاقله را که مجرد و باقی دانند پس اینها نسبت
بقائلین بمعاد روحانی فقط بسیار کاملند و جامع شریعت
و طریقت و حقیقت اند و متصدی ایمان بجسمانی هم هستند
اکرچه بان تحقق بالغ مذکور نرسیده اند و اما اعتراض اینکه
اکر در قالب مکافات شود معدلت نیست منحی است عامیانه
چه تشخص مراتب متمایزه ابدان بنفس است و لذات
والالم

[illegible] بدن عنصری [illegible]

والالم بواو واقع در کسوف هر مرتبه از بدن که باشد ایا نمی بینی که باتفاق
مراتب بدن بحسب اسنان اربعه شخص واحد است و اکر جنایت کند
بر کسی در شباب او را قصاص کیرند در پیری بیرون از معدلت
نخواهد بود سؤال افلاطون که هیولای اول قائل نیست پس
در صورت انقلاب عناصر بیکدیکر ماده بعض چیست جواب افلاطون
صورت جسمیه را هیولای باقی در احوال میداند و جسم هم همان است
و مرکب نیستند و باعتبار تفاوت دارند و باید دانست که هیولای
که محل خلاف است جوهر ابسط از صورت جسمیه است که محل او
باشد و قوه محض باشد و لا تعین صرف و تحقیق ثبوت انست
و اما هیولای بمعنی حامل قوه شئ و امر باقی در مراتب خلع و لبس
اتفاقی است پیش بسیاری از متکلمین جواهر فرده است و
پیش بعضی از حکمای طبیعی اجرام صغار صلبه است حتی عوام بماده
باقیه در احوال قائلند که باتفاق متکثر میانه بذر و نبات
و بیضه و فرخ و غیر اینها هذا ذاک میکویند و نبات و فرخ
و اما الله مادیین از خود میدانند نفس وجودش اتفاقی است و
و در مهیتش خلاف است و در تعین داشتن و لا تعین

ولا تعين بودن وو جسم بودن وغير جسم بودن ودو وحدت وكثرت ان سؤال
ودر ان انقلاب ماء بهوا يا هيولى ترك صورت مائى وقبول صورت هوائى دفعة
واحدة ميكند يا اول ترك صورت مائى ميكند و بعد قبول صورت هوائى
واميكند يا بعكس اكر اول ترك صورت ماء نمايد لازم ايد وان هيولى
بى صورت اكر اول قبول صورت هوائى نمايد لازم ايد وان آن
يك هيولى دو صورت واكر ذهاب وقبول دفعة واحدة باشد تصوير
انرا بر سبيل مثل توضيح فرمايند جواب ان حقيقى تحقق ندارد در
خارج بلكه از امور اعتباريه نفس الامريه است چه زمان متصل وا
حد است و در خارج ميان انواع وجزئيات واجزاء زمان مثل
ساعات وايام واسابيع واشهر وسنين وامثال اينها مفاصلى نيست
چنانكه در خطوط نقاط و در سطوح نيست بلى مر ذهن بحسب اعتبارى
كه انتزاع دارد ذهن ميان ساعت وساعت يا دقيقه ودقيقه
وغوانيها مفصلى فرض ميكند كه منتهاى طرفى و مبتداى طرفى است
بحسب قسمت وهميه زمان و طرف براو جايز نيست چنانكه در خط
متصل واحد ذهن نقطه فرض ميكند و در خارج متصل واحد است
وچون اين دانسته شد بدانكه در انقلاب ماء بهوا ان تصرم صورت مائى
بعينه ان تكون صورت هوائى است چه مفصل ميانه ان

متوليه بل هي هي في نظر شهودها بل سيد العقول النوريه تجاوز
عنها چون آن بخلوت چشن شارد باخليل بر بسوزد در نكنجد جبرئيل
چون سيمرغ حالش انكار موسى از وحشت شود موسيچه وار
سئل مولانا العلي العالي الأعلى سلام الله المتعال عن العالم العلوي
فقال صور عارية عن المواد خالية من القوة والاستعداد تجلى لها
فاشرقت وطالعها فتلألأت القى في هويتها مثاله واظهر عنها افعاله
المدبية مذكور في الغرر والدرر وبعضى از محققين ومتكلمين انصاف
دادند وكفتند اين اصل شامخ انكار بر نميدارد وليكن شرطيه است
بى وضع مقدم يعنى ان تحقق واحد حقيقى لم يصدر عنه الا الواحد
لكن لم يتحقق واحد حقيقي عند بعضهم حتى واجب الوجود اذ عند بعضهم
للواجب ماهية ووجود وعند اكثرهم له صفات زائدة هي جهات
صدور الكثير واعمال اين اصل شامخ در ان فرع مذكور بنهجي است
كه در اكثر كتب حكمت حتى هدايه اثيريه مسطور است در دليل
مشهور اثبات عقل كل كويند چون الواحد لا يصدر عنه الا
الواحد پس بايد عقل مفارقى باشد كه اول صادر از عقل باشد
والا النسد باب افاضه لازم ايد چه اقسام اربعه ديكر از
جوهر وهم چنين عرض صالح نيستند كه صادر اول باشند
باعتبار لزوم محاذير مذكوره در موضع خودش سؤال

سؤال اهل صنعت را عقیده اینست که از اشیاء چند اکثر میتوان
ساخت که قطرهٔ آن بقنطار از فلزات طرح نمایند ذهب یا فضه
میشود و این چگونه جایز است زیرا که مقدار معین از زیبق
و کبریت لطیف یا کثیف در نزد امتزاج مستعد و قابل شد
برای افاضهٔ صورت مس مثلا آن صورت برو افاضه شد و هم
چنین فلزات دیگر و واضحست که طلا و مس باهم نوعا مغایر اند
بحسب امتزاج در یکی زیبق بیشتر و در دیگری کبریت همچنین
متفاوت شدند در لطافت و کثافت اگر مس را بتوان باکسیر طلا نمود
ناگزیر است از فساد و کون لا محاله باید مزاج مس فاسد و
مزاج طلا کائن شود و این هم مثلا نسبت که گویند بد و یا غذا
گاو را میتوان شتر کرد یا هر دو را انسان نمود پس اگر مس
طلا نشود جایز است که طلا مس شود و انسان نیز حیوان
شود بتدبیر التماس آنکه دلیل جواز و عدم آن را بیان فرمایند
جواب طلا اعدل از همه فلزات است و نسبت او با فلزات نسبت
نوع اخیر است که انسان باشد با انواع دیگر و باید دانست
که تغییرات در عالم دو قسم است یکی خلع و لبس که در انقلابات
و استحالات مشاهد است و این چنان که صورتی و فعلیتی

از مادة

از ماده میرود و صورت و فعلیت دیگر میگیرد زیانی است و سودی مثلا صورت
آب از ماده میرود و صورت هوا میپوشد و بیاض از موضوع میرود و سواد
میگیرد و دوم تغیر استکمالی است که خلعی نیست و زیانی بلکه لبسی تم و سودی
پس از سودی چون صبی که بالغ و مترعرع شود و حل شود و جماد در زمین جرم
نبات و حیوان شود و حیوان انسان شود و اینها استکمال است نه استحاله
و انقلاب و ماده فعلیتی میگیرد تم و هکذا الی ما شاء الله تعالی چنانکه نتیجه
کمال نبات است غاذیه و نامیه و مولده و مصوره و خوادم اینها همه
را حیوان دارد مع شی زاید از عقول اربعه هیولانی و بالملکه و بالفعل
و مستفاد و نتیجه این انسان دارد انسان جبروتی و الهی دارد مع
شی زاید مما فی علم الله تم و از اینجا است که انسان کامل کل فی الکل را
دارا است بقوة العزیز العلیم و هو کل الانواع و مظهر بسیط الحقیقة
الذی هو کل الوجود و کله الوجود روز و شب این هفت پرگاری
پسر او برای تو است پرگار ای پسر طاعت روحانیان از بهر تست
خلد و دوزخ عکس لطف و قهر تست قدسیان یکسر سجودت کرده اند
جزو و کل غرق وجودت کرده اند ظاهرت جزو است و باطن کل کل خویش
را قاصر مبین در عین ذل چون این دانسته شد پس بدان که
فساد لازم نیست در طلا شدن مس مثلا و اینکه سائل گفت
باید بتوان گاو و شتر را انسان نمود دایم خداوند جل شانه

کاو و شتر را انسان میکند همه در زمین در هم گیاه بودند جانور شدند
و پس از آن ادم شدند چون فیض بنظام می آید و بتدریج در نزول
الاشرف فالاشرف و در صعود الاخس فالاخس و مودمانی که تاویل و
و تاویل اند بقوه خدا و مردان خدا انسان فرشته سیرت شود او
من کان میتا فاحییناه سؤال وجود نوع و شخص انسان را در عالم
دهر و سرمد بر سبیل مثل توضیح فرمایند جواب انسان در
دهر انسان جبروتی است در عالم ابداع که رب النوع تعبیر از آن است
و انسان در سرمد بر سبیل مثل انسان در نشاه علم خدا است که بما هو علیه
هو موجود در علم است و بعبارة اخری عین ثابت انسان لازم اسم الجلالة
مثال انسان ملکوتی صورت خیالی انسان مثال انسان جبروتی کلی عقلی
انسان بعنوان مطابق بحقیقت او مثال انسان الهی مطوی در علم یعنی
ملکه اجمالیه علم بحقایق سؤال عالم مثال و قالب مثال را بنابر مذهب
منصور تحقیقا بیان فرمایند جواب عالم مثال عالم صور صرفه است
غیر مخلوطه بمواد و بوجهی مثل صور این عالم اگر در هیولی نباشند
چه صور این عالم بعد از حرکات و ترقیات بصور مثالیه بپیوندد
جدا از ماده غنی شود چون معانی یعنی نفوس بعد از استکمالات
و حرکات جوهریه بمعانی تامه متحول شود یعنی عقول و همچنین
پیش

پیش از اختلاط هر صورت صورت مثالیه داشت و بوجهی متفق
علیه اشراقی و مشائی بود وجود صورتی قبل و بعد از برای هر صورت
مختلطه بماده ها یعنی آن صورت پیش مشائی در نفس منطبعه فلک
است و در آن لوح دائم است و پیش اشراقی قائم بنفسها میباشد
بی حاجت بلوح معنوی یا صوری و اینها اند صور قد یعنی شکل
و قد و لون در آن بنحو جزئیت است اما قالب مثالی بس انجنان
است که چنانکه اشراقیین بازای هر نوع صورتی کلی یعنی وجودی
وسیع قائلند که دارای کمالات اولی و ثوانی افراد طبیعیه آن نوع
است بوجود واحد بسیط که رب النوع و مثال افلاطونی عبارت
از آن است و انسان انسان دهری و دیک عقلانی و ادم الاول
و هم چنین نور عقلانی دهری و دیک عقلانی دهری و قس علیه
همچنین بازای هر شخصی از نوعی صورت جزئیه مثالیه قائلند
مطابق با آن شخص در مقدار و شکل و لون و غیرها پس برای
هر شخص مثال علیحده است که اینها را مثل معلقه نامند و اما
مثال نوری افلاطونی بازای هر شخص هر شخص نیست بلکه بازای

کل افراد طبیعیه و کل افراد مثالیه یکفرد شامل محیط است و این
قالب مثالی متعلق اول نفس ناطقه است و بواسطهٔ آن بروح
بخاری و قالب عنصری که وعاء روح بخاری متعلق است و ما همه
است
دامرات نازله نفس میدانیم و بوجهی تمثیل این هواء صاف
کما لا یری بذاته و گاه از شدت برودت غیم غلیظ متکاثف شود
پس نفس چون هوا است و غیم رقیق چون قالب مثالی و غیم کثیف
چون قالب عنصری دنیوی و لکن مثال اگر بوجهی مقرب است از
وجوهی مبعد است چه هوا چون غیم شود تجافی از مقام
هوائی نماید و نفس چون تنزل کند از معنویت بمرتبه نازله
صوریت تجافی از مقام شامخ نه نماید چه تحقیق در افاضه اگرچه انست
کذا افاضه تنشأن است لیکن فیض از فیاض می‌آید بنهجی که از آن نکاهد
و در عوض چیزی بر وی نیفزاید پس صورتین هر چند مرتبه صفات
تشبیهیه نفس ناطقه‌اند لیکن مقام صفات تنزیهیه او
بجای خود است و توضیح صورت مثالیه انسان صورت
انست در آئینه لیکن بشرط آنکه روح در این قالب
عنصری

عنصری است در آن باشد و قائم بآئینه هم نباشد چنانکه بسیاری از
محققین صور مرائیه را قائم بمرآت ندانند بلکه قائم بانفسها دانند
و جمعی از متشرعه مثل علامه محقق شیخنا البهائی و اخوند مجلسی ره
و بعضی فقهای معاصرین ثواب و عقاب قبر و برزخ را وارد بروح
در قالب مثالی بحشر و نشر فی صعید واحد قل ان الاولین والآخرین
لمجموعون الی میقات یوم معلوم بل کل التحولات الی الغایات طولیة
وهکذا الی غایة الغایات و نسبة یوم القیمة الی اوعیة الوجود
من الدهر والزمان والآن نسبة الیوم الزمانی الی ساعة و دقیقة
و توانیه یرونه بعیدا و نریه قریبا و هذا کاستکمالات
الانسان فما تری فی کل فرد من الاناسی الکامل اعرف فی الکل ما
خلقکم و لا بعثکم الا کنفس واحدة و بالجملة ثمرات القول بعالم
المثال لا تعد و لا تحصی و شیخ اشراقی شهاب الدین سهروردی
در کتاب حکمة الاشراق فرموده که وعد و مواعید و انذارات
نبوت و بسیاری از خوارق عادات بعالم مثال انجام می‌پذیرد
و جابرصا و جابلقا مدینه‌های عالم مثال است و هور

وهو رقلیا سموات ان وغیر او نیز از حکمای اشراقی همه قائلند
بان عالم وهم چنین عرفای اسلام وشرع مطهر ناطقند بان وانان
که میگویند که انسان بصورت مثالیه محشور میشود نه
میدانند و در اخرت بروح در همین قالب دنیوی وهمین تحقیق است
که بدن اخروی همین بدن عنصری باشد لیکن بی وصف دنیویت
وبلسان حکمای وصف هیولی بیتجه دنیا باید خراب شود و هیولی
استعداد محض است وان عالم را واستعداد میشود ومنزعه
خواهد بود نه دار حصاد وظرف نیست ضیق وصور لاتعد و
لاتحصی را حاصل نتواند شد و دنیا و دنیوی و هیولی و
هیولوی اباء از دوام وخلود دارند وتجدد ذاتی ودثور
وزوال کون وفنا دارند ونشاه اخرت دار بقا است لیکن اینکه میگوئیم
هیولویت نیست در صورت اخرویه بخاطر نرسید که امر
فعلی ندارد چه هیولی قوه بلشی نیست ولتشخص وهذیت
شخص او نیست بلکه بنفس است وبوجود است وشیئیت
شئ

شئ بصورت است نه بماده لیس چیزی از صورت ومعنی این تشخص
مکلف را ناداو نیست فعلیة وممیز او مشخص او روح او جسد را
مثلا این تن دنیوی هرگاه هیولی نداشته باشد ولیکن صورت
جسمیه ونوعیه وشخصیه وروحیه وصفات وبالجمله
هویت وهذیت محفوظ در ان باشد معلوم است که عین
همین خواهد بود و تفاوت میانه صورت دنیوی واخروی
نیست مگر بنقصان وتمامیت وشیئیت شئ بتمامیت است نه
بنقصان وگذشت که صور ومعانی این عالم تمام در حرکت و
بصدد ترقی هستند تا غنی از مواد والات گردند وصور
دنیویه بصور برزخیه وصور برزخیه بصور اخرویه
پیوندند ومعانی نفسیه بمعانی عقلیه کلیه متحول
شوند و بنفخه فزع و بنفخه صعق فانی شوند و در نفسیت
نمانند بلکه در سلسله صعودیه بعقول کلیه رسند چون
اظلال لازمه باشند ومعلوم است که التفات انعقول
بفوق است وباظلال نیست الا بالعرض بلکه جمیع صور

الا الی الله تصیر الامور ودرهوالیه مثالیه در آنکسانیکه که عقول را انفعال شود مثل

اظلال اظلال خواهد بود کما ورد فی ائمة الذین انفسکم فی النفوس وارواحکم
فی الارواح واجسادکم فی الاجساد و ایشان طرح کونین وخلع نعلین نموده اند
یعنی کون صوری ناقص مختلط بمواد وکون صوری صرف مثلا و هما احرامان
علی اهل الله و عالم مثال را وضعی با عالم هیولانی نیست بحسب مکان که فوق
این عالم یا تحت یا قدام یا خلف یا یمنه یا میسره این باشد و همچنین
بحسب زمان در عرض این عالم نیست که در ماضی یا مستقبل باشد بلکه
در طول و باطن این عالم نیست و بعد معی ابدی بعدیة دهریه
که روح زمان است و مکان و زمان از سنخ خود دارد و بلسان اهل
حقیقت جو ملکوت اسفل و دهر اسفل است الناس نحشر و نفخ صعید
واحد قل ان الاولین والاخرین لمجموعون فی میقات یوم معلوم بل
کل التحولات الی الغایات طولیة و هکذا الی غایة الغایات والنسبة
یوم القیمة الحاوعیة الوجود من الدهر والزمان والان نسبة
الیوم الزمانی الی ساعة و دقایقة و توانیه بوونه بعید او نرویه
قریبا و هذا لاستکمالات الانسان کما تری فی کل فرد من الاناسی
الکامل اعرفه فی الکل ما خلقکم ولا بعثکم الا کنفس واحدة وبالجملة
ثمرات القول بعالم المثال لا تعد ولا تحصی و شیخ اشراقی شهاب الدین
سهروردی در کتاب حکمة الاشراق فرموده که وعد و مواعید
و انذارات نبوت و لبسیا از خوارق عادات بعالم مثال انجام

مى

یس کنند شر
آنکه در زمان انوری آمد آنجه
نقش اوّل از آن آنچه نقش بر سر شرح
نقص تکیه نقش اشیا
نقش حرف نقش

اجرام نماید ابدای اشکال است که مجرد و جرم چون تباین
دارند دو حالی نمیخواهند و حال آنکه مجرد و جرم من حیث
الوجود و من الجهة النورانیة التی فیهما تباین ندارند
چنانکه تن که از عالم خلق و روح که از عالم امر است تباین
ندارند من جمیع الوجوه بلکه یک شخص است که اوصاف تن
را و نعوت روح را بخود نسبت میدهد چه اکلت
و شربت و تحرکت میگوید و نعمة تعقلت و عرفت الله و
می سراید عارف گوید تن زجان نبود جدا عضوی از او
جان زکل نبود جدا جزوی از او است و مرادش از جزو
در مصراع دوم تجلی او است و حقارت را منظور داشته
و شنویه ابدای اشکال از این نموده و حجاب شده اند
چه گفتند که خیری و شری در عالم می بینیم و خیر
محض جز نکوئی نماید پس باید دو مبدء باشد و جواب
تفصیل دارد که مجملش دو طریق است یکی طریق
افلاطون عظیم که شر عدم ذات شی یا عدم کمال ذات
شی است و عدم چیزی نیست که مبدء موجود بخواهد
و وجود که خیر است یک مبدء او را کفایت کند اما آنکه

و دیگر طریقی از بسط است که بر تقدیر وجودی بودن
بعض شر و دیگر مبدئ کافی است چه هر موجودی
یا خیر محض است یا خیر غالب و شر او مغلوب و موجودی
که شر محض یا شر غالب یا خیر و شر او متساوی باشد
نیست که برهان نفی موضعه بیان از مبدئ واحد خیر
چنانکه موجودی که خیر محض است صادر میشود
موجودی هم که خیر غالب است باید صادر شود
و شر مغلوب را مانع صدور نمیشود و الا ترک خیر
کثیر بتقریب شر قلیل لازم آید و ترک خیر کثیر شر کثیر است و
کفتیم که شر کثیر وقوع ندارد سؤال چه ضرور دارد اینکه عالم
دیگر و خالق دیگر غیر از این موجودات و واجب الوجود بوده
باشد با بینونت کلی که بهیچ وجه مشارکت و مشابهت
به یکدیگر نداشته باشند جواب مراد از عالم دیگر اگر
عالم روحانی و تجرد است باطن همین عالم است و روح
همین عالم مثل تن انسان صغیر خواهد بود که در آن
نفس نباتیه و نفس حیوانیه و نفس ناطقه قدسیه

و نفس

و نفس کلیه الهیه هست اشملة العنایة و بیج شخص
نیست پس هم چنین است انسان کبیر که در آن
نفوس منطبعه و نفوس کلیه الهیه هست و
عقول کلیه موجود است ما خلقکم و لا بعثکم الا
کنفس واحدة حق جان جهان است و جهان جمله
بدن اصناف ملائکه قوای این تن افلاک و عناصر
و موالید اعضا توحید همین است و دیگرها
همه فن و اگر مراد عالم بوده جسم و جسمانی
است یا این عالم یا متصل است یا این عالم
یکعالم خواهد بود واحد بالاجتماع مثل
افلاک متصله بعضی ببعض و یا منفصل است
پس در ما بین خلا لازم آید و دیگر آنکه شکل
جسم بسیط در هر عالمی که فرض شود کروی است پس
افلاک آن عالم محتمل بنقطه بیش نیست
پس در ما بین عالمین غیر از موضع تماس

خلأ لازم آید باطل است و بینونت کلی من جمیع الوجوه
که سائل احتمال داده است محال است چه جسم
مطلق در هردو یکسان است چه جسم حقیقتش
نیست مگر مصحح فرض خطوط ثلثه متقاطعه بر
زوایای قوائم یا درازو پهن و ستبر پس جسم
آن عالم اگر چنین است مساوی خواهند بود و اگر نه چنین
و قابل وضع است نقطه است و اگر قابل وضع هم نیست
مجرد است و علی کلی التقدیرین لفظ جسم باقی ماند بی
مسمی و چون صورت جسمیه را یافت از صورت
نوعیه ناگزیر است از این جا است که جسمی فارغ
از صورت نوعیه فلکیه یا عنصریه نمی یابی مگو
مرتبه نه متعاقبه و چنانکه تلازم است میانه
هیولی اولی و صورت جسمیه همچنین تلازم است
میانه هیولی مجسمه و صورت نوعیه و چون

صورت

هوا از صورت جسمیه صورت جسمیه با کوید است

صورت نوعیه را یافت اگر مبدأ میل مستقیم هابط
است ثقال را یابد و اگر صاعد است خفاف و اگر ابا
دارد از میل مستقیم فلک را یابد که نه خفیف و نه
ثقیل است و مبدأ میل مستدیر است دائما و فلک
العالم محدد جهات عنصریات آن خواهد بود و موجب
عناصرش و ترکیبات آن نیز خواهد بود و محرکاتش
رابط حوادث بقدیم و لا محاله نفوس کلیه
و عقول کلیه خواهد داشت خفف و ملکس
حمار قبان محمد باجان ند مجهوره فی جان و اما وجود
و وجوب در آن عالم بینونت کلی داشته باشند
با وجود و وجوب در این عالم پس این چیزی نیست
که لسان سائل باین ناطق و لا یرضی به قلبه چه
مقابل حقیقت وجود عدم است و عدم نفی محض است
و بطلان صرف پس عالم نخواهد بود بلکه نیست
بنحو سالبه بسیطه نه آنکه بگوییم لاشئی است بنحو
معدوله و وجوب ذاتی که مبدأ است برای آن
عالم اگر بینونت من جمیع الوجوه داشته باشند وجوب

ذاتی پس در این عالم باید عدم صرف وجهل محض وعجز بحت باشد وقس علیه
باشیئیت مهیه باشد که امر متساوی النسبة است الی الوجود و
العدم ولا یابی عنهما چه شئ محقق با شیئیت وجود است یعنی امری که
طرد العدم با شیئیت مهیه مذکوره وجایز نیست که واجب الوجود
والعدم باشد چه واجب الوجود ممتنع العدم است پس باید شیئیت
وجود حقیقی یعنی طرد العدم وحقیقت وجود بحت بسیط محیط
باشد پس واجب الوجود ان عالم یا واجب الوجود دیگر بالفرض تعالی
الواجب عن الشریک علوا کبیرا اگر حقیقت وجود کذائی است
دوم نخواهد بود زیرا که لا میز فی صرف شئ بل صرف الوجود
الذی لا اتم منه کلما افترضت ثانیا له فهو هو لا غیره مثلا
صرف بیاض که آنچه سنخ بیاض است دارا باشد وانچه قبل (?)
راچنانکه تفاعل امکانی نسبت است بالمکان تفاعل وجهی
نسبت است بالوجوب واشعری هم ترجیح بلا مرجح را جایز ندانند چه ان
وقوع احد المتساویین میشود بلا امر غیر او است از او ساقط
خواه مقوابل او وخواه زواید متصل وخواه زواید منفصل یکی
خواهد بود چرا که دو تا نشدن او مثلا بملاحظه عاج وثلج است
با او یا فوق وتحت یا این زمان وان زمان وفرض اینست که
جمیع را حذف کردیم پس چگونه کثرت عدد بروی (?) واگر حقیقت
وجود کذائی نیست وشیئیت مهیه هم نیست پس عدم است
وهمچنین است حضرت واجب الوجود تعالی شانه علم کله
قدرة کله حیوة کله فاق الاقاد (?) وکما قال الفارابی لا بد ان یکون فی
الارادة ارادة بالذات وفی القدرة قدرة بالذات وفی الحیوة

حیوة

حیوة بالذات حتی تکون هذه فی شئ لا بالذات پس واجب الوجود دیگر اگر
چنین است جا ان الوحدة وطوقت الکثرة ولا اقول تطرقت المشابهة
وارتفعت البینونة واگر نه چنین است مقابلات صفات مذکوره
دارد باید سوال تناهی وتعداد افلاک وعناصر دال است بر تناهی معلومات
در سلسلهٔ طولیه وتناهی معلوم دلیل است بر تناهی علم در این سلسله
وعلم عین ذات است پس تناهی سلسله طولیه دال است بر تناهی ذات
نعوذ بالله جواب این سوال انست که اشتباه شده است تناهی
عددی در کرات ثلث عشر بتناهی مدی وحال انکه انها بالکلی هستند
ومسبوق بمدت نیستند چه راسم مدت فلک است بحرکات
خود که الزمان مقدار الحرکة الفلکیة پس چگونه مقدم میشود بر
راسم وعلت خود هر چند که زمان وزمانی از مجردات مؤخر
باشند بالعلیه چه جای واجب تعالی و در نفوس ناطقه
که گذشت اند مشتبه شده تناهی عددی الافراد بنفس ناطقه
علی مذهب الحکماء پس غیر متناهی اند عدة ومدة لا شدة لان
واجب الوجود نیست بل هو ورا ما لا یتناهی بما لا یتناهی شدة
وعدة ومدة ای غیر متناهی شدة نوریه وعددا تار
قدرته وعدم نفاد کلماته التکوینیه وفی بقائه ازلا و
ابدا وهمچنین مرکبات را غیر متناهی عددی دانند

بلکه شیخ شهاب سهروردی س عدد عقول در طبقهٔ متکافئه
را غیر متناهی داند چه میگوید که انوار اسفهبدیه بعد از بلوغ
بکمال و طرح جلابیب ابدان و رفض صیاصی ملحق شوند بانوار
قاهره و عقول قدسیه و بر عدد آن طبقه افزوده شود ما لا
یحصی و خیال نکنید که اینها که تسلسل است چه تسلسل
محال مشروط است بترتب آحاد و اجتماع آنها در وجود و
در نفوس ناطقه و عقول ترتب نیست هر چند ترتب علی
و معلولی باشد و در ادوار فلکیه و کاینات عنصریه اجتماع
در وجود نیست بلکه متعاقبند لعدم سعة الظرفیه فی الهیولی
سؤال چرا عدد افلاک و عناصر باین قدر شد نه زیاده و کم و همچنین
چرا مقدار اجرام و اجسام باین حجم شد نه کم و زیاد جواب این دو سؤال
اینست که عدد افلاک نه است بتقریب عدد عقول عشره
که نه عقل بازای افلاک است و یکی بازای عالم عنصری و هر یک
از این عقول علت فلکی است در بدایت و غایت همان فلک است
در نهایت چه هر فلک را نفس منطبعه است بجای خیال ما که
بآن تصور جزئیات کند مانند حرکات و اوضاع جزئیه خود
و نفس کلیه است بجای عاقلهٔ ما که بآن تصور کلیات و

وجز

متعددات کنند در حرکتند تا متخلق باخلاق عقول شوند و اما عقل
عاشر چهار حیثیت دارد که چهار عنصر از و صادر شد و بعضی مجموع افلاک
را چهار جمله اعتبار کردند و عقلی را با انضمام هر جمله علت عنصری گرفتند
و اما تخصیص هر یک از افلاک بمقداری مقرر آنست که علت در خصوصیتی
با معلول خود بکار است و بالخصوصیت تقاضای معلول خاص کند و جواب
دیگر آنست که از جانب قابل است چه حکما هیولای افلاک را با یکدیگر و
با هیولای عناصر مخالف بالنوع دانند پس هر هیولائی مقبول خاص مقدر
خاص استدعا نمود سؤال بیان فرمائید معنی ترجیح بلا مرجح و تفرقه
بین آن و اختیار را در مثال قدحین متساویین برای عطشان
و طریقین مساویین بجهة هارب فی الحقیقه در اینجا همین اختیار
ترجیح بلا مرجح است جواب ترجیح بلا مرجح هم اختیار است ولیکن
اختیار جزافی زیرا که قائلین ببطلانش میگویند که فاعل مختار
بعد از آنکه تصور فعل خود کرد تا تصدیق بفائده نکند آن فعل
را نمیکند و اگر تعارض مرجحات غائیه بشود توقف میشود
و اگر فرضا کسی از جای خود برخیزد و هیچ مرجح برای قیام از قعود
نباشد آنرا ارادهٔ جزافیه و اختیار جزافی گویند و لیکن نمیشود مگر
آنکه آن مرجح نداشته مثل آنی باشد و در ذکر فاعل نماند یا علم
بعلم مرجح نداشته باشد حتی آنکه حیوان حرکت را بر سکون
بی مرجح وهمی یا خیالی نه دهد و کلی را بنا بر تابع جزئی کرد که مثل قدمی

العطشان با طریقی الهارب باشد بلکه مرجح این جزئی را باید رسید
مثل آنکه قوت در طرف یمین است یا عادت بحرکت اوست یا جانبی که
ابقای عادت لذید و ترک عادت ممل است با آنکه مجوز که اشعری
است فاعل را خدا میداند پس مرجح در علم خدای تعالی است و عباد را
محل وضع خدا پیش میدانند و قدرت مؤثره پیش ایشان خدا راست
و عبد را قدرت کاسبه است کالعدم و بطریقه ایشان امر بین الامرین
فعل را چنانکه بفاعل امکانی نسبت است بالامکان بفاعل وجوبی نسبت
است بالوجوب و اشعری هم ترجیح بلا مرجح را جایز نداند چه از وقوع احد
المتساویین میشود بلا مرجح فاعل و این سد باب اثبات صانع است
و ترجیح بلا مرجح ایقاع است بلا مرجح غائی و اشعری را الزام نمودند
باستلزام ترجیح بلا مرجح ترجیح بلا مرجح را چه احد ترجیحین و اراده بین
خواهشین اگر بترجیح دیگر و اراده دیگر باشد تسلسل است و الا
لازم ثابت است سؤال دلیل اینکه الواحد لا یصدر عنه الا الواحد
چیست خواجه علیه الرحمة میفرمایند و ادله وجوده مدخوله دلیل
عمده بر اثبات این مطلب کدام و متین ترین دخل برین مدعا چه
محکم تر در دفع دخل چیست استدعا آنکه به بیان خوش
و عبارت دلکش مطالب باجوبه ترقیم فرمایند جواب دلیل
بر اینکه الواحد لا یصدر عنه الا الواحد آنست که هر علتی را
خصوصیت

خصوصیت خاصی ضرور است با معلول خاص که با او دارد از ترتب غیر او
بر آن علت مثل آنکه در نار خصوصیتی است با حرارت که صورت نوعیه
ناریه باشد و حقیقه همان علت است و در آب خصوصیتی است
با برودت که اثر او است و آن صورت نوعیه مبرده مائیه است
و همچنین در اینها خصوصیات امور زائده است و ضمایم است در اجسام
اینها و در واجب الوجود که همه صفات و کمالاتش عین ذات است خصوصیت
عین ذاتش است پس اگر از آن دو چیز صادر شود در یک مرتبه دو خصوصیت
در کار است و این مستلزم ترکیب است در ذاتی که شیء و شیء در آن
راه ندارد و اشکالی که میکنند که این با عموم قدرت حق منافی است
و منکر این اصل شایع باین شبهه میشوند از عدم انس بلسان
قوم است و از چند وجه مختل است اول آنکه صدور کثیر در
مرتبه اولی را جایز ندانسته‌اند و اما بترتیب پس لا مؤثر فی الوجود
الا الله میگویند و وسایط را مصححات استفاضه از او میدانند
بلکه درجات فاعلیت و ایدی عماله او میدانند دوم آنکه صدور
عقل کل را از او صدور کل میدانند لان العقل البسیط الحقیقه
فهو کل الوجودات التی تحته سیم آنکه گاه تعبیر از صادر اول بوجود
منبسط و فیض وحدتش عددیه نیست بلکه وحدت حقه
ظلیه است الم تر الی ربک کیف مد الظل و مشمول این

وحدت است کل وحدات و مطوی است در این وجود ظهوری و مقام
معروفیت و محبت فعلیه کل وجودات چه در علت و معلول سنخیت
معتبر است و واجب تعالی ذات وحدة حقه حقیقیه قل کل یعمل
علی شاکلته لیس عموم قدرت بجای خود است و اینست مفاد قوله تعالی
و ما امرنا الا واحدة و انچه در سؤال واقع است که خواجه قدس
سره العزیز فرموده است که ادله وجود مدخوله خلط است چه
کلام خواجه در عقل کل است که یکی از فروع این اصل شامخ است
نه در خود این اصل و ان هم مناقشه در دلیل وجود عقل است نه در
وجود عقل اگرچه در کتب دیگر مثل شرح اشارات و غیره مدعی و دلیل
همه مقبول او است چگونه چنین نباشد و حال انکه معظم مباحث
حکمت الهیه مباحث عقول است و حکیمی که قائل بعالم عقول نباشد
حکمت ندارد بلکه چنانکه در اصول کافی مذکور است که اعرفوا الله بالله
و الرسول بالرسالة و اولی الامر بالامر بالمعروف و النهی عن المنکر
باید عقل کل را بعقل کل شناخت و این مقتضای وصول نفس است
بغایات بحرکات جوهریه چه باید عقل بالقوه عقل بالفعل و
مستفاد و متصل با متحول بعقل فعال شود نفس را چون بنهایت
بلسنخیت باید نام عقل و چنانکه نفس در ذات غنی و مواد است در فعل نیز
غنی از استعمال قوی و الات گردد بلکه بی بصر و بی سمع شود و عقول
کلیه در سلسله صعودیه بازای عقول کلیه اند در سلسله
نزولیه

سؤال دلیل بر اینکه ممتنع است دو خدا بوده باشند برای این
عالم یکی جعل مجردات و دیگری خلق اجرام و اجسام نموده باشد
چیست جواب دلیل بر امتناع دو خدا بسیار است و این مطلب
را حکمای الهیین و متکلمین شکر الله مساعیهم اسان کرده
اند با بسط بر سائل شبهه بمانند مثل دلیل تمانع مشهور در
متکلمین و مثل لزوم ترکیب در برهان حکیم چه اگر دو واجب الوجود
باشد وجوب حقیقت واحده است و الشیء بنفسه لا یتثنی
و لا یتکرر با خصوصیتی ضم بوجوب شود تا فردی شود و خصوصیتی
دیگر بوجوب ضم شود تا فردی دیگر بهم رسد پس ترکیب در ذات هر
یک باحدیت هویت هر یک لازم اید از مابه الاشتراک و مابه الا
متیاز و ترکیب مساوق با امکان است چنانکه کل ممکن زوج
ترکیبی کذلک کل مرکب ممکن نه از باب انعکاس موجبه کلیه
لنفسها چه ان باطل است بلکه از باب انعکاس موجبه ... حیث
هر یک از قواعد نیز چه مرکب حاجت با جزاء دارد چون
سکنجبین بکم تا سرکه و انگبین نباشد بانجام نرسند

دو صورت واحد است و اجتماع صورتین لازم نیاید بر هیولا چه
بر سبیل تقضی و تجدد است و در خارج آنی نیست که خلو هیولی
از صورت در آن آن لازم آید و اگر آن آخر صورتی متصل باشد با آن
صورتی تتالی آنین لازم آید و آن باطل است و بطریق تحقیق که وقوع
حرکت جوهریه باشد تبدلات بنحو اتصال وحدانی باشد و همه
مراتب یک حقیقت متصله است و تعدد مراتب در ذهن است
و مراتب شدیده و ضعیفه اگر چه غیر متناهیه است لیکن
بحسب قسمت لا یقفیه ذهنیه است و در خارج متصل واحد است

و در معرفت خدای تعالی

سه مقام است و در هر سه مقام توحید محقق است
یکی مقام توحید خالق که آفرینندهٔ عوالم یکی است چه وجود طبیعی
واحد است و تکثر نیست مگر در مهیات و قوابل تحلیلیه
تعملیه و آن وجود مجعول است علی التحقیق و اگر دو جاعل
باشند توارد علتین مستقلتین بر معلول واحد لازم آید و بعبارت
روشن تر هر یک تقاضا میکند که این وجود لشعر اثر او یا
ظهور یا نور حقیقی یا عنوان از تعبیرات حقیقت وجود سایه
ظل او و عکس و مثال وصلل او باشد پس مصادم هم بکدیگر باشند
و در تبعیض تنقیص است اذا لذهب کل اله بما خلق
پس آفریدگار در خلاقیت عالم شریک ندارد و دوم
مقام توحید واجب الوجود است و به برهان رسیده
که در حقیقت وجوب هم شریک ندارد و سوم که مقام سیم
مقام توحید موجود حقیقی است که در وجود حقیقی
شریک ندارد چه جای وجوب که موجود فی نفسه لنفسه
بنفسه اوست و بس و آنچه غیر از آن است ند که
با هستی اش نام هستی برند و در این مقام کلام بسیار است
و مجال تنگ اما قول سائل که یکی جعل مجردات و دیگری خلق

اجرام

بسم الله الرحمن الرحیم چون تا زمان شروع [illegible] رحمت [illegible]

جهد و اجتهاد در احکام دین بر هر نفس لازم است به مقاله مصداق

ان الله [illegible] انا وجدنا آباءنا علی امة و انا علی آثارهم

مقتدون قناعت بهمین تقلید بوده و چون [illegible] الله

خواهد بود باید شود و کوشش از تکلیف رها دیگرم بحکم فقهای دین

صانهم الله اجتهاد [illegible] ضلالت است و آنچه امروز میان ارباب

این قوم بغایت متعارف است که از صغیر و کبیر و برنا و پیر و عالم و عامی و

مالی و جاهل این است به عقیده مسلم عالم است بر آنکه هر ذره از ذرات

هر مصنوع را صانعی و هر مخلوق را خالقی در کار است حضرت

رسالت صلی الله علیه و آله و [illegible] علیکم من [illegible] هرچه [illegible]

عجز از هر کار [illegible] بی دست قدرت حکیم خواه

از این بیشتر [illegible] و [illegible] دین بخواه ارزوی

برای دین [illegible] جواب معقول مقرر شده [illegible]

واجب الاتباع [illegible] و دیگر [illegible] که این [illegible] دین

[illegible] و [illegible] و [illegible] [illegible]

ذلله

نیز دلیله و اینکه گفته‌ام ما این طرز و روش را نپسندیم زیرا که بسیار
عقیده‌ای است خوش و صحیح است همین طور که ما امتیاز میدهیم اینها هم
مردمانی هستند بهتر از ما پس برای ما لازم است که بیان و
براهین فقها و عرفا دلیله برای اثبات واجب الوجود ذاتی
قرآن است و فصاحت آن از قدرت بشر خارج است لکن
و بیان کرده‌ام که آنها همه گفته‌اند که اصل فصاحت عرب
هم قصیده کعبیه و برده که گفته‌اند شاعر این معجزه را که نزد
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله معجزات که بر خوانده‌اند و
آن هم برای فهمیدن شاعری و اکتفات خاصه این شق قمر و احضار
شجر و تسبیح حجر و غیره بسیار از آنها پیدا شد و هر کدام از طریقه
وارد شده که مکشوف ... الوم الطلاق در امعدارت
منحرف شده و حکایات شیخ عطار آن قناعت کرد
این قصه در ۱۲۸۵ ال مت محمدی گفته و شیخ الملوک لطف
زیاده محمد آله و ائمه خاصه در این دولت رو برافراز دل
افروده‌ام و سلام از بزرگان هر سلسله جاری ... کن
نکات نوشته‌ام از جمله علامه ... رحمه الله علیه از این

سلسله فقهات و فرقه رساله زردای شده را امر حوادث نوری
مشهور است که شب حضرت صاحب الامر علیه الصلوة
والسلام بقدم مبارک آن شیخ او را مشرف داشته
این رساله از تصنیف آن بزرگوار است که تمام است و همین
از بزرگان این طبقه حکایات بسیار مشهور است و که یک از طبقه
عرفا ... می‌گویند ... اینها همه ... اینها همه آن رازها را کرده
شیخ عطار رحمة الله علیه سر بریده خود را گرفت و در آن حال
به فن ادب افتاد و دیگر از آن ... قرآن ... و ... است
با عرفای این زمره خارق عادات از آن ... ها تم ... ام
تا اینکه امروز نوشته اول است حکایات ... از وقوع آن
و از انکار هر ... سلسله ... مسئله بزرگی ... ختم ...
مرده ... می‌گویند ... اگر ... است ... بر
باز ... از صاحب ... تعرض می‌شود حکم قضا و قدر می‌گویند
حکم ... آن را قطع کرده ... فیض را از او قطع کرد ... همین
حاکم از ... کهنه لطف ... عزل می‌شود مرهای ... عادل ...
می‌گویند ... خیم ... بود ... شیخ ... نشده ... می‌گویند مرده

زنده شد و نفیر عشق گشت و مریض صحت یافت و دیگر از عبور
تغلیب ... تنها بر تیغ سر دل رفت و این کثرت خوارق عادت است
در بزرگان ملت ما هیچ در شریعت و تصرفات او در عالم نفس
قوی و نفس نور می‌شود ... و هیچ ... ام و در خرابات و
تصرفات مشو اما در شریعت و طریقت اظهار تعین و نفس
کنند و خوارق عادت ... ما برای طالب دین علی الیقین
حاصل شود و از شکوک و شبهات برآید طریقه مستقیم را
برآید و شریعت مستقیم را بگیرد و از اول عوام ... است
بیان ما آنست اگر از روی ... مفوضه یا دیگری گفتیم یار این
بیابد و ما آنکه این ملت بیضا و شریعت غرا و طریقت
کبری ... کنند و نبوت ... ما نشنیده‌ایم که
خارق عادت ... هر مرده زنده کنند یا جمادی سخن ارزد
ما نشنیده‌ایم که در ملت الله ... تعظیم رفت ما را هم
یا در ... از ... حرارت ... مزاج
سازد این بزرگان دین ما نشنیده‌ایم خوارق عادت

در برابر

۳۹

در برابر انبیا نبوت ملت بروز داده خبر اگر می‌توانسته
بسم الله و الله ... ملت را هم الخطا ثبت می‌دانسته و از صد ... رد
همه را کافر میخوانسته و خاطر و خود را مسلم و مصطفی ... دشنام ... داده
این ملت همیشه ... مسکونه ... عالم را از صد ... و جا را
ارواح ... بیان ضد ... شده ... ملت ... احکام و
اوامر ... بدیع ... دلیل و شنیده‌ام سایر ملل ... که ام
دلیل از اقوال ... الله از آنجمله مردم ... دنیا مسکونه از ... د
این عالم تا امروز ما هیچ نشنیده‌ام پیغمبری ... و احکام آورده
باشد و ما خود را ... ام و از طریقه ... شنیده‌ام ... را التفات ... تکلیف
دانسته‌ام ... گشته‌ام و آنچه را ... ام احتراز کرده‌ام
اگر ... ارواح ... میان خالق و مخلوق ... واسطه
بیان این صنف مخلوق ... که ... دانسته که ... گشت و
معیار شریعت انبیا ... طریق ... دانسته ... و ... تنها را نه
ملت بیضا گشت ... برادیان ... قوال
نیز گشت ... و معروض ... ارم ... سلاطین و
صاحبان ... الفاظ در قواعد دنیاداری و

نظم لشکر و کشور و دولت مملکت داده اند و حفظ حدود و ثغور و
اختراع صنوف صنایع و تعدد تصرف اسباب بدایع
در وکمال اثبات کرده اند کمتر آنکه در تواریخ ما چون
ثبت و ضبط دیده شده در ممالک خود و چه در ممالک
ملوک دیگر ازین اطلاع از احوال ایشان و لو به نقل الملل
برآمده شده هرگاه نسخه نگار را نشنوده
بکلی غریب و منسوخ است اگر که در وضع کرده اند و نقشه
ان را بنویسند و آثار خاص صنعت منسوبست و همین شغف و جواز ایشان
در کار عالم بیارست و جواز برانداخت می‌کنند و تبادل
می‌نمایند و بلکه تنها صرف می‌سازند و صورت و
کتب و طرح را اند پس چرا در امر دین که مهم
ردیات جهد و کوشش نمی‌نمایند و همین طور
مهمل گذاشته اند در نقص بر می‌آیند و مصدر را شکست
خود در آن آید و در اینکه این دین او بر دل ایشان و

نابود

نابود می‌شود شهرت همانکه پیش از آن بوده ایم و رفته اند
ما نیز می‌رویم و دیگران می‌آیند تا ایشان را چه رسم و ما چه باشیم
در این سعادت دین طریق اصلی است تبعیت لازم است
ارد نیا و ذرع است هرگاه دیگران کار را نیز عقل است
عقل سلیم حکم نکند که این عالم بنفسه بوجود نشده است و
توجه نمی‌خواهد پس از تصدیق بر این امر ماها ای عالمیم و
بوجود از ایجاد آن توجه اول او را باید بشناسیم و حکم و
امر او و طریقه مأموره معقوله او را
و چه از سر و چشم ما بهتر و دل و
دین از بهر چه ساخت و در برای چه
ساخته ایم و تمامی ما در این عرصه نهاده ایم از
صنایع که از زر و لشکر را برای انتظام امور
دنیا می‌سازند شان شاغت و در این وسایلات دیگر
که هر روز و هر ماه در تهیه و تمیز و فکر تازه می‌کنند

که صنعت نمونه‌ای خاص نکرده‌ام چگونه میشود آن صانع
که این صنایع همه را از قدرت محکم خارج است
حکمت و غیبت تجربه ظهور را آورده‌ام بار هم نوع بشر هم
که از صنایع همه خاصیت وجود باعث همین جور دل و
آشنایی و نشان دخول است
... کار دیگر خارج از این امورات
نه اولیت دارم اگر غرض همین است کور هم و
که هم فقط غیبت نمود است و هرگاه غرض دیگر نیست
... که ... است و شرح آن ... تفحص کرده‌ام
... نمونه‌ها ... و اگر نکرده‌ام ...
... کرده‌ام حقیقت
... در دنیا را ... باشد و در دین
باقی ... هرگاه ... حکایت

فرمود

قرینه و روایات مخصوصه قناعت کرده‌ام اگر ...
... حقیقت محمدی ... و ... متروک ...
ممنوع ... و ...
... و هرگاه ...
کرده‌ام و سعی و کوشش نموده‌ام طایفه ...
صحیح دانسته‌ام پس ... در جواب ایشان سکوت دارید و
بر اعتراض ایشان اعتراض می‌کنند و همین طور ... کرده‌ام
عیسی علیه السلام با معجزه ... مرده زنده نمود اقرار ... حقیقت آن
نمود ... از این علوم میشود بعضی ... ساکت
... سکوت ...
ذکاوت و فهم و فطانت مردم ...
... و محال انکار ... و لیکن ... دنیا را ...
... چیزی ... که اگر همین طور ...

که در امر معاش و دین مساعی جمیله از قبل دولتش
بظهور رسیده است در هر دین که تمادی میکنند نیز ظاهر
گشته است اظهار رش اولی و آن است که اگر در حقیقه
آن طریق آنچه است ممتاز کیش ایشان [illegible]
و اگر منقوش و مخلوط است شاه [illegible] دکاندارست
معروف و موصوف شده و اختیار کرده باشند
بهتر آن است که بنیاد ملت شاه هر کدام اطفال
بر حقیقه ملت و مذهب خود دلیل [illegible] بار روای جمیع
ملل نهاد اما ابرار از خارق عادت که خارج از شعبه و
برگ [illegible] آنکه لله و محض قوت ملت [illegible]
مقابله کننده آنچه از اهل ممتاز است و ناسخ
از منسوخ تمیز کرده زیرا که این مجاهده و مقابله
خارج از [illegible] بار راجح مراد [illegible]
ملل یا مرجوح منسوخ [illegible] و هم [illegible]

هر کدام راجح مراد از این بهتر حجت که اهل ملت
تابع ملت شاه را نه وارقه ضلالت ترسنده و
بر خشمه هات رسند و هر کدام مرجوح مراد است
شاه را نه طاعت و ادراک طریقه مرجوحه را
که شغلی است داشته باشد و سعادت ابدی رسیده و
اهل طریقه امر دنیا را نظم داده اند و قواعد مستحکمه
نهاده اند امر دین را نیز منتظم از رهگذار ظاهر
مطلق نشده و هر کدام [illegible] است که آثار حاضر
کرده اند و از این [illegible] برطریقه خود
ثابت و از خواهش [illegible] محض مقال [illegible]
که طبع سلیم و عقل مستقیم بر این حکم میکند که امر دین
اهم از امر دنیاست وقت در امر دنیا اهتمام
به دانش و خواهش برای استحکام [illegible]

حمایتش و احوال و اوضاع مردم را نگاهش و
در کار دین اخیراً تفکرهای وزیرها و طمع و بلد نیست
از مکرمین بنشیند و رنج و تعب کشیدن و همت و
کوششی لوزیرها منافع عقاید صحیح که مجرد شنیده اند
و در تمام این چهار سال که [illegible] ارباب حمایت ترقیات
بلکه خطر فتح میکنند [illegible] ارتقای پایه دول [illegible]
بر جنبه و تشخیص بر دلائل و [illegible] ظاهرا هیچ
ثمری بر آن مترتب نیست ولی از تفتیش ارباب
دین [illegible] و الا وزیر و کیش کار [illegible]
نشاید امروز [illegible] ملت علوی از عموم ملل که
کثرت و ازدحام [illegible] و خلطه [illegible]
او [illegible] در رسوم [illegible]
سلوک منقلب و مطبوع کافه دول و ملل آن
همین قدر این خلق از میان برخیزد الفت منتشر
میشود

میشود و کلفت زیادی بسر [illegible] عشری از ارباب همت دارا
مصروف نظم دین و ملت البته کافی که [illegible] و [illegible]
[illegible] در هر غیر لازم [illegible] اخیراً اصرار و در کار دین
اینهمه افکار را از [illegible] مردم [illegible] و از طریقه عقل خارج که
[illegible] اگر بنیان ملت علوی را خواهند
این [illegible] ممکن [illegible] درک فرصت
این [illegible] که هر نفس را [illegible] اغنا [illegible] که
[illegible] اغنا [illegible] مردم [illegible] و دیگر خادم و ال سلطان
این [illegible] این نظام منظم [illegible] و ارکان این
[illegible] خلاف این [illegible] اختلاف که بحکم
[illegible] محتاج [illegible] بدل نیست
همین طور [illegible] محتاج [illegible] بدل
نیست [illegible] مغلق خارج
[illegible] و خوی [illegible] هر گاه [illegible]

خود هویدا است. پس ابتدا چرا شخص خود [illegible]
خود مبتدا است اگر مبتدا است تو او را هیچ مثل خود تو را
[illegible] پس تکلم [illegible] موصوف و [illegible] این آن
نگردد او دارای جنس و نوع خارجی دائم و ممتنع
از اوصاف ما [illegible] اگر [illegible] ما است [illegible] را
ما دارم دارد پس از [illegible] ضرورت ندارم
و خود [illegible] [illegible] اصناف [illegible]
[illegible] همی [illegible] [illegible] و [illegible]
روز [illegible] و طلوع [illegible] و [illegible]
[illegible] [illegible] است چرا او [illegible]
[illegible] همی [illegible] و [illegible]
[illegible] و [illegible] را [illegible] صفات [illegible]
در این صفت [illegible] [illegible] و صفات [illegible]
حال

44

[illegible] است [illegible] رحمت و [illegible]
می خورند ما این رحمت را هم [illegible] دارم و
الطاف این است [illegible] دل [illegible] و [illegible]
حکمت [illegible] و [illegible] [illegible]
[illegible] و حکم [illegible] صفات [illegible]
[illegible] این عالم [illegible] همی [illegible] و [illegible]
[illegible] دل و مردل است [illegible]
[illegible] را هم [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] و [illegible] را [illegible]
[illegible] را [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] است [illegible] [illegible]
از [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]

لقد حق القول على أكثرهم فهم

لا يؤمنون إنا جعلنا في أعناقهم

أغلالا فهي إلى الأذقان فهم مقمحون

وجعلنا من بين أيديهم سدا

ومن خلفهم سدا فأغشيناهم

فهم لا يبصرون وسواء عليهم

ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لا يؤمنون

...نذر من اتبع الذكر وخشي

...الغيب فبشره بمغفرة و

...إنا نحن نحيي المو...

[illegible]

ونكتب ما قدموا وآثارهم
وكل شيء أحصيناه في إمام مبين ۝
واضرب لهم مثلا أصحاب القرية
إذ جاءها المرسلون ۝ إذ أرسلنا
إليهم اثنين فكذبوهما فعززنا
بثالث فقالوا إنا إليكم مرسلون ۝
قالوا ما أنتم إلا بشر مثلنا وما أنزل
الرحمن من شيء إن أنتم إلا تكذبون
قالوا ربنا يعلم إنا إليكم لمرسلون ۝
وما علينا إلا البلاغ المبين

إنا تطيرنا بكم لئن لم تنتهوا
لنرجمنكم وليمسنكم منا
عذاب أليم ۝ قالوا طائركم
معكم أئن ذكرتم بل أنتم
قوم مسرفون ۝ وجاء من أقصا المدينة
رجل يسعى قال يا قوم اتبعوا المرسلين
اتبعوا من لا يسألكم أجرا وهم
مهتدون ۝ وما لي لا أعبد الذي
فطرني وإليه ترجعون ۝ أأتخذ من
دونه آلهة إن يردن الرحمن بضر

لا تغن عني شفاعتهم شيئا ولا
ينقذون ۝ اني اذا لفي ضلال مبين ۝
اني امنت بربكم فاسمعون ۝ قيل
ادخل الجنة قال يا ليت قومي
يعلمون ۝ بما غفر لي ربي وجعلني
من المكرمين ۝ وما انزلنا على قومه
من بعده من جند من السماء وما
كنا منزلين ۝ ان كانت الا صيحة
واحدة فاذا هم خامدون ۝ يا حسرة
على العباد ما ياتيهم من رسول

الا كانوا به يستهزءون ۝ الم يروا كم
اهلكنا قبلهم من القرون انهم
اليهم لا يرجعون ۝ وان كل لما
جميع لدينا محضرون ۝ واية لهم الارض
الميتة احييناها واخرجنا منها
حبا فمنه ياكلون ۝ وجعلنا فيها
جنات من نخيل واعناب وفجرنا
فيها من العيون ۝ لياكلوا من ثمره
وما عملته ايديهم افلا يشكرون ۝
سبحان الذي خلق الازواج كلها مما

تنبت الارض ومن انفسهم ومما لا
يعلمون ۝ واية لهم الليل نسلخ
منه النهار فاذا هم مظلمون ۝ والشمس
تجري لمستقر لها ذلك تقدير العزيز
العليم ۝ والقمر قدرناه منازل
حتى عاد كالعرجون القديم ۝ لا الشمس
ينبغي لها ان تدرك القمر ولا الليل
سابق النهار وكل في فلك
يسبحون ۝ واية لهم [انا] حملنا ذريتهم
في الفلك المشحون ۝ وخلقنا لهم

من مثله ما يركبون ۝ وان نشا نغرقهم
فلا صريخ لهم ولا هم ينقذون ۝
الا رحمة منا ومتاعا الى حين ۝ و
اذا قيل لهم اتقوا ما بين ايديكم
وما خلفكم لعلكم ترحمون ۝
وما تاتيهم من اية من ايات
ربهم الا كانوا عنها معرضين ۝
واذا قيل لهم انفقوا مما رزقكم
الله قال الذين كفروا للذين امنوا
انطعم من لو يشاء الله اطعمه ان انتم

الا في ضلال مبين ويقولون متى

هذا الوعد ان كنتم صادقين

ما ينظرون الا صيحة واحدة تاخذهم

وهم يخصمون فلا يستطيعون

توصية ولا الى اهلهم يرجعون

ونفخ في الصور فاذا هم من الاجداث

الى ربهم ينسلون قالوا يا ويلنا

من بعثنا من مرقدنا هذا ما وعد

الرحمن وصدق المرسلون ان

كانت الا صيحة واحدة فاذا هم جميع

لدينا محضرون فاليوم لا تظلم نفس

شيئا ولا تجزون الا ما كنتم تعملون

ان اصحاب الجنة اليوم في شغل

فاكهون هم وازواجهم في ظلال

على الارائك متكئون لهم فيها

فاكهة ولهم ما يدعون سلام

قولا من رب رحيم وامتازوا اليوم

ايها المجرمون الم اعهد اليكم

يا بني ادم ان لا تعبدوا الشيطان انه

لكم عدو مبين وان اعبدوني

بعد از لفظ سلام قولا [illegible]

[illegible]

[illegible]

و بعد از لفظ من رب [illegible]

[illegible]

هذا صراط مستقيم ● ولقد اضل
منكم جبلا كثيرا افلم تكونوا
تعقلون ● هذه جهنم التي كنتم
توعدون اصلوها اليوم بما كنتم
تكفرون ● اليوم نختم على افواههم
وتكلمنا ايديهم وتشهد
ارجلهم بما كانوا يكسبون ● ولو
نشاء لطمسنا على اعينهم فاستبقوا
الصراط فانى يبصرون ● ولو نشاء
لمسخناهم على مكانتهم فما استطاعوا

مضيا

مضيا ولا يرجعون ● ومن نعمره ننكسه
في الخلق افلا يعقلون ● وما علمناه
الشعر وما ينبغي له ان هو الا ذكر
وقرآن مبين ● لينذر من كان حيا
ويحق القول على الكافرين ● اولم يروا
انا خلقنا لهم مما عملت ايدينا
انعاما فهم لها مالكون ● وذللناها
لهم فمنها ركوبهم ومنها ياكلون
ولهم فيها منافع ومشارب افلا
يشكرون ● واتخذوا من دون الله



آلهة لعلهم ينصرون لا يستطيعون
نصرهم وهم لهم جند محضرون
فلا يحزنك قولهم إنا نعلم ما يسرون
وما يعلنون أولم ير الإنسان أنا
خلقناه من نطفة فإذا هو خصيم
مبين وضرب لنا مثلا ونسي
خلقه قال من يحيي العظام وهي
رميم قل يحييها الذي أنشأها
أول مرة وهو بكل خلق عليم
الذي جعل لكم من الشجر الأخضر

نارا فإذا أنتم منه توقدون أوليس
الذي خلق السموات والأرض بقادر
على أن يخلق مثلهم بلى وهو الخلاق
العليم إنما أمره إذا أراد شيئا أن
يقول له كن فيكون فسبحان
الذي بيده ملكوت كل شيء وإليه ترجعون

سورة الفتح تسع وعشرون آية وهي مدنية

بسم الله الرحمن الرحيم

إنا فتحنا لك فتحا مبينا ليغفر
لك الله ما تقدم من ذنبك وما تأخر

ويتم نعمته عليك ويهديك صراطا
مستقيما • وينصرك الله نصرا عزيزا •
هو الذي انزل السكينة في قلوب
المؤمنين ليزدادوا ايمانا مع ايمانهم
ولله جنود السموات والارض و
كان الله عليما حكيما • ليدخل
المؤمنين والمؤمنات جنات
تجري من تحتها الانهار خالدين فيها
ويكفر عنهم سيئاتهم وكان
ذلك عند الله فوزا عظيما •

ويعذب المنافقين والمنافقات
والمشركين والمشركات الظانين
بالله ظن السوء عليهم دائرة السوء
وغضب الله عليهم ولعنهم و
اعد لهم جهنم وساءت مصيرا •
ولله جنود السموات والارض و
كان الله عزيزا حكيما • انا ارسلناك
شاهدا ومبشرا ونذيرا • لتؤمنوا
بالله ورسوله وتعزروه وتوقروه
وتسبحوه بكرة واصيلا •

ان الذين يبايعونك انما يبايعون الله
يد الله فوق ايديهم فمن نكث
فانما ينكث على نفسه ومن اوفى
بما عاهد عليه الله فسيؤتيه اجرا
عظيما ۝ سيقول لك المخلفون
من الاعراب شغلتنا اموالنا واهلونا
فاستغفر لنا يقولون بالسنتهم
ما ليس في قلوبهم قل فمن يملك
لكم من الله شيئا ان اراد بكم
ضرا او اراد بكم نفعا بل كان الله

بما تعملون خبيرا ۝ بل ظننتم ان لن
ينقلب الرسول والمؤمنون الى اهليهم
ابدا وزين ذلك في قلوبكم وظننتم
ظن السوء وكنتم قوما بورا ۝ ومن
لم يؤمن بالله ورسوله فانا اعتدنا للكافرين
سعيرا ۝ ولله ملك السموات والارض
يغفر لمن يشاء ويعذب من يشاء
وكان الله غفورا رحيما ۝ سيقول
لك المخلفون اذا انطلقتم الى مغانم
لتاخذوها ذرونا نتبعكم يريدون

ان يبدلوا كلام الله قل لن تتبعونا
كذلكم قال الله من قبل فسيقولون
بل تحسدوننا بل كانوا لا يفقهون
الا قليلا ۝ قل للمخلفين من الاعراب
ستدعون الى قوم اولي باس شديد
تقاتلونهم او يسلمون فان تطيعوا
يؤتكم الله اجرا حسنا وان تتولوا
كما توليتم من قبل يعذبكم عذابا
اليما ۝ ليس على الاعمى حرج ولا على
الاعرج حرج ولا على المريض حرج ومن يطع الله

ورسوله

ورسوله يدخله جنات تجري من تحتها
الانهار ومن يتول يعذبه عذابا اليما ۝
لقد رضي الله عن المؤمنين اذ يبايعونك
تحت الشجرة فعلم ما في قلوبهم فانزل
السكينة عليهم واثابهم فتحا قريبا ۝
ومغانم كثيرة تاخذونها فعجل
لكم هذه وكف ايدي الناس
عنكم ولتكون اية للمؤمنين
ويهديكم صراطا مستقيما ۝
واخرى لم تقدروا عليها قد احاط الله

بها وكان الله على كل شيء قديرا
ولو قاتلكم الذين كفروا لولوا الادبار
ثم لا يجدون وليا ولا نصيرا سنة
الله التي قد خلت من قبل ولن تجد
لسنة الله تبديلا وهو الذي كف
ايديهم عنكم وايديكم عنهم
ببطن مكة من بعد ان اظفركم
عليهم وكان الله بما تعملون بصيرا هم
الذين كفروا وصدوكم عن
المسجد الحرام والهدي معكوفا ان يبلغ

محله ولولا رجال مؤمنون ونساء
مؤمنات لم تعلموهم ان تطؤوهم
فتصيبكم منهم معرة بغير علم
ليدخل الله في رحمته من يشاء لو
تزيلوا لعذبنا الذين كفروا منهم عذابا
اليما اذ جعل الذين كفروا في قلوبهم
الحمية حمية الجاهلية فانزل الله
سكينته على رسوله وعلى المؤمنين
والزمهم كلمة التقوى وكانوا احق بها
واهلها وكان الله بكل شيء عليما

لقد صدق الله رسوله الرؤيا بالحق
لتدخلن المسجد الحرام ان شاء الله امنين
محلقين رؤوسكم ومقصرين لا تخافون
فعلم ما لم تعلموا فجعل من دون ذلك
فتحا قريبا ۝ هو الذى ارسل رسوله
بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين
كله وكفى بالله شهيدا ۝ محمد رسول الله
والذين معه اشداء على الكفار
رحماء بينهم تريهم ركعا سجدا
يبتغون فضلا من الله ورضوانا سيماهم

فى وجوههم من اثر السجود ذلك مثلهم
فى التورية ومثلهم فى الانجيل كزرع
اخرج شطاه فازره فاستغلظ فاستوى
على سوقه يعجب الزراع ليغيظ بهم الكفار
وعد الله الذين امنوا وعملوا الصالحات
منهم مغفرة واجرا عظيما ۝

سورة الواقعة ست وتسعون اية وهى مكية

بسم الله الرحمن الرحيم
اذا وقعت الواقعة ۝ ليس لوقعتها
كاذبة ۝ خافضة رافعة ۝ اذا رجت الارض

رجا • وبست الجبال بسا • فكانت هباء
منبثا • وكنتم ازواجا ثلثة • فاصحاب
الميمنة ما اصحاب الميمنة • واصحاب
المشامة ما اصحاب المشامة • والسابقون
السابقون • اولئك المقربون • في
جنات النعيم • ثلة من الاولين • وقليل
من الآخرين • على سرر موضونة • متكئين
عليها متقابلين • يطوف عليهم
ولدان مخلدون • باكواب واباريق
وكاس من معين • لا يصدعون عنها

ولا ينزفون

ولا ينزفون • وفاكهة مما يتخيرون • و
لحم طير مما يشتهون • وحور عين •
كامثال اللؤلؤ المكنون • جزاء
بما كانوا يعملون • لا يسمعون فيها لغوا
ولا تاثيما • الا قيلا سلاما سلاما •
واصحاب اليمين ما اصحاب اليمين • في
سدر مخضود • وطلح منضود • وظل
ممدود • وماء مسكوب • وفاكهة
كثيرة • لا مقطوعة ولا ممنوعة •
وفرش مرفوعة • انا انشاناهن انشاء

فجعلناهن ابكارا ۝ عربا اترابا ۝ لاصحاب
اليمين ۝ ثلة من الاولين ۝ وثلة من الاخرين ۝
واصحاب الشمال ما اصحاب الشمال ۝
في سموم وحميم ۝ وظل من يحموم ۝ لا
بارد ولا كريم ۝ انهم كانوا قبل ذلك
مترفين ۝ وكانوا يصرون على الحنث العظيم ۝
وكانوا يقولون ائذا متنا وكنا ترابا
وعظاما ائنا لمبعوثون ۝ اوآباؤنا
الاولين والاخرين ۝ لمجموعون ۝
الى ميقات يوم معلوم ۝ ثم انكم

الاولون قل ان

ايها الضالون

ايها الضالون المكذبون ۝ لاكلون
من شجر من زقوم ۝ فمالئون منها البطون ۝
فشاربون عليه من الحميم ۝ فشاربون
شرب الهيم ۝ هذا نزلهم يوم الدين ۝
نحن خلقناكم فلولا تصدقون ۝
افرايتم ما تمنون ۝ ءانتم تخلقونه ام
نحن الخالقون ۝ نحن قدرنا بينكم
الموت وما نحن بمسبوقين ۝ على ان نبدل
امثالكم وننشئكم فيما لا تعلمون ۝
ولقد علمتم النشاة الاولى فلولا تذكرون

أفرأيتم ما تحرثون • ءأنتم تزرعونه أم نحن
الزارعون • لو نشاء لجعلناه حطاما
فظلتم تفكهون • إنا لمغرمون • بل نحن
محرومون • أفرأيتم الماء الذي تشربون •
ءأنتم أنزلتموه من المزن أم نحن المنزلون •
لو نشاء جعلناه أجاجا فلولا تشكرون •
أفرأيتم النار التي تورون • ءأنتم أنشأتم
شجرتها أم نحن المنشئون • نحن جعلناها
تذكرة ومتاعا للمقوين • فسبح
باسم ربك العظيم • فلا أقسم بمواقع النجوم

وإنه لقسم لو تعلمون عظيم • إنه لقرآن
كريم • في كتاب مكنون •
لا يمسه إلا المطهرون • تنزيل من
رب العالمين • أفبهذا الحديث أنتم
مدهنون • وتجعلون رزقكم أنكم
تكذبون • فلولا إذا بلغت الحلقوم
وأنتم حينئذ تنظرون • ونحن أقرب إليه
منكم ولكن لا تبصرون • فلولا
إن كنتم غير مدينين • ترجعونها إن
كنتم صادقين • فأما إن كان من المقربين

فروح وريحان وجنة نعيم ۝ واما ان
كان من اصحاب اليمين ۝ فسلام لك
من اصحاب اليمين ۝ واما ان كان من
المكذبين الضالين ۝ فنزل من حميم
وتصلية جحيم ۝ ان هذا لهو حق
اليقين ۝ فسبح باسم ربك العظيم ۝

سورة الجمعة احدى عشرة اية وهي مدنية

بسم الله الرحمن الرحيم ۝
يسبح لله ما في السموات وما في الارض
الملك القدوس العزيز الحكيم ۝

هو الذي بعث في الاميين رسولا منهم
يتلوا عليهم اياته ويزكيهم ويعلمهم
الكتاب والحكمة وان كانوا من قبل
لفي ضلال مبين ۝ واخرين منهم لما
يلحقوا بهم وهو العزيز الحكيم ۝
ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء
والله ذو الفضل العظيم ۝ مثل الذين
حملوا التورية ثم لم يحملوها كمثل الحمار
يحمل اسفارا بئس مثل القوم الذين
كذبوا بايات الله والله لا يهدي القوم الظالمين

قل يا ايها الذين هادوا ان زعمتم انكم
اولياء لله من دون الناس فتمنوا الموت
ان كنتم صادقين ولا يتمنونه ابدا
بما قدمت ايديهم والله عليم بالظالمين
قل ان الموت الذي تفرون منه فانه
ملاقيكم ثم تردون الى عالم الغيب
والشهادة فينبئكم بما كنتم تعملون
يا ايها الذين امنوا اذا نودي للصلوة
من يوم الجمعة فاسعوا الى ذكر الله
وذروا البيع ذلكم خير لكم ان كنتم

تعلمون فاذا قضيت الصلوة فانتشروا
في الارض وابتغوا من فضل الله واذكروا الله
كثيرا لعلكم تفلحون واذا راوا
تجارة او لهوا انفضوا اليها وتركوك
قائما قل ما عند الله خير من اللهو ومن
التجارة والله خير الرازقين

سورة الملك ثلثون اية وهي مكية

بسم الله الرحمن الرحيم
تبارك الذي بيده الملك وهو على كل
شيء قدير الذي خلق الموت والحيوة

ليبلوكم ايكم احسن عملا وهو
العزيز الغفور الذي خلق سبع سموات
طباقا ما ترى في خلق الرحمن من تفاوت
فارجع البصر هل ترى من فطور ثم
ارجع البصر كرتين ينقلب اليك البصر
خاسئا وهو حسير ولقد زينا
السماء الدنيا بمصابيح وجعلناها
رجوما للشياطين واعتدنا لهم عذاب
السعير وللذين كفروا بربهم عذاب
جهنم وبئس المصير اذا القوا فيها

سمعوا لها شهيقا وهي تفور تكاد
تميز من الغيظ كلما القي فيها فوج سالهم
خزنتها الم ياتكم نذير قالوا بلى
قد جاءنا نذير فكذبنا وقلنا ما نزل الله
من شيء ان انتم الا في ضلال كبير
وقالوا لو كنا نسمع او نعقل ما كنا
في اصحاب السعير فاعترفوا بذنبهم
فسحقا لاصحاب السعير ان الذين يخشون
ربهم بالغيب لهم مغفرة واجر كبير
واسروا قولكم او اجهروا به انه عليم

بذات الصدور الا يعلم من خلق وهو
اللطيف الخبير هو الذي جعل لكم
الارض ذلولا فامشوا في مناكبها وكلوا
من رزقه واليه النشور ءامنتم من
في السماء ان يخسف بكم الارض
فاذا هي تمور ام امنتم من في السماء
ان يرسل عليكم حاصبا فستعلمون
كيف نذير ولقد كذب الذين من
قبلهم فكيف كان نكير اولم يروا
الى الطير فوقهم صافات ويقبضن

ما يمسكهن الا الرحمن انه بكل شيء
بصير امن هذا الذي هو جند لكم
ينصركم من دون الرحمن ان الكافرون
الا في غرور امن هذا الذي يرزقكم
ان امسك رزقه بل لجوا في عتو ونفور
افمن يمشي مكبا على وجهه اهدى
امن يمشي سويا على صراط مستقيم
قل هو الذي انشاكم وجعل لكم
السمع والابصار والافئدة قليلا
ما تشكرون قل هو الذي ذراكم

فِي الأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ وَيَقُولُونَ مَتَى
هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ قُلْ
إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ
فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سِيئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ
كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدَّعُونَ
قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكَنِيَ اللَّهُ وَمَنْ مَعِيَ
أَوْ رَحِمَنَا فَمَنْ يُجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ
أَلِيمٍ قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ آمَنَّا بِهِ وَعَلَيْهِ
تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ
مُبِينٍ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ

غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ

سورة الرحمن ثمانية وسبعون اية وهي مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ
عَلَّمَهُ الْبَيَانَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ
وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا
وَوَضَعَ الْمِيزَانَ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ
وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ
وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَ
النَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ

والريحان فبأي آلاء ربكما تكذبان
خلق الانسان من صلصال كالفخار
وخلق الجان من مارج من نار فبأي
آلاء ربكما تكذبان رب المشرقين
ورب المغربين فبأي آلاء ربكما
تكذبان مرج البحرين يلتقيان بينهما
برزخ لا يبغيان فبأي آلاء ربكما
تكذبان يخرج منهما اللؤلؤ والمرجان
فبأي آلاء ربكما تكذبان و
له الجوار المنشآت في البحر كالاعلام

فبأي

فبأي آلاء ربكما تكذبان كل
من عليها فان ويبقى وجه ربك ذو الجلال
والاكرام فبأي آلاء ربكما تكذبان
يسئله من في السموات والارض كل
يوم هو في شأن فبأي آلاء ربكما
تكذبان سنفرغ لكم ايه الثقلان
فبأي آلاء ربكما تكذبان يا معشر الجن
والانس ان استطعتم ان تنفذوا لا تنفذون الا بسلطان
فبأي آلاء ربكما تكذبان يرسل
عليكما شواظ من نار ونحاس فلا

من اقطار السموات والارض فانفذوا

تنتصران فبأي آلاء ربكما تكذبان
فإذا انشقت السماء فكانت وردة كالدهان
فبأي آلاء ربكما تكذبان فيومئذ
لا يسئل عن ذنبه إنس ولا جان فبأي
آلاء ربكما تكذبان يعرف المجرمون بسيماهم
فيؤخذ بالنواصي والأقدام فبأي آلاء
ربكما تكذبان هذه جهنم التي يكذب
بها المجرمون يطوفون بينها وبين حميم
آن فبأي آلاء ربكما تكذبان و
لمن خاف مقام ربه جنتان فبأي آلاء

ربكما تكذبان ذواتا أفنان فبأي
آلاء ربكما تكذبان فيهما عينان
تجريان فبأي آلاء ربكما تكذبان
فيهما من كل فاكهة زوجان فبأي
آلاء ربكما تكذبان متكئين على
فرش بطائنها من إستبرق وجنى الجنتين
دان فبأي آلاء ربكما تكذبان فيهن
قاصرات الطرف لم يطمثهن إنس قبلهم
ولا جان فبأي آلاء ربكما تكذبان
كأنهن الياقوت والمرجان فبأي آلاء

ربكما تكذبان هل جزاء الاحسان الا
الاحسان فبای آلاء ربكما تكذبان
ومن دونهما جنتان فبای آلاء
ربكما تكذبان مدهامتان فبای
آلاء ربكما تكذبان فيهما عينان
نضاختان فبای آلاء ربكما تكذبان
فيهما فاكهة ونخل ورمان فبای آلاء
ربكما تكذبان فيهن خيرات حسان
فبای آلاء ربكما تكذبان حور مقصورات
فی الخيام فبای آلاء ربكما تكذبان

لم يطمثهن انس قبلهم ولا جان فبای آلاء
ربكما تكذبان متكئين على رفرف
خضر وعبقری حسان فبای آلاء ربكما
تكذبان تبارك اسم ربك ذی الجلال والاكرام

سورة النبأ اربعون اية وهی مكية

بسم الله الرحمن الرحيم
عم يتساءلون عن النبإ العظيم
الذی هم فيه مختلفون كلا سيعلمون
ثم كلا سيعلمون الم نجعل الارض
مهادا والجبال اوتادا وخلقناكم

ازواجا وجعلنا نومكم سباتا
وجعلنا الليل لباسا وجعلنا
النهار معاشا وبنينا فوقكم
سبعا شدادا وجعلنا سراجا وهاجا
وانزلنا من المعصرات ماء ثجاجا
لنخرج به حبا ونباتا وجنات الفافا
ان يوم الفصل كان ميقاتا يوم ينفخ
في الصور فتاتون افواجا وفتحت السماء
فكانت ابوابا وسيرت الجبال فكانت
سرابا ان جهنم كانت مرصادا للطاغين

مابا

مابا لابثين فيها احقابا لا يذوقون فيها
بردا ولا شرابا الا حميما وغساقا جزاء
وفاقا انهم كانوا لا يرجون حسابا
وكذبوا بایاتنا كذابا وكل
شيء احصيناه كتابا فذوقوا فلن
نزيدكم الا عذابا ان للمتقين مفازا
حدائق واعنابا وكواعب اترابا و
كاسا دهاقا لا يسمعون فيها لغوا ولا
كذابا جزاء من ربك عطاء حسابا
رب السموات والارض وما بينهما الرحمن

لا يملكون منه خطابا يوم يقوم

الروح والملئكة صفا لا يتكلمون

الا من اذن له الرحمن وقال صوابا

ذلك اليوم الحق فمن شاء اتخذ الى ربه

مابا انا انذرناكم عذابا قريبا

يوم ينظر المرء ما قدمت يداه ويقول

الكافر يا ليتني كنت ترابا



بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم اني اسئلك باسمك يا الله يا رحمن
يا رحيم يا كريم يا مقيم يا عظيم يا قديم
يا عليم يا حكيم يا حليم سبحانك
يا لا اله الا انت الغوث الغوث

خلصنا من النار يا رب

فصل دوم جهة نصرت يا فتن

يا سيد السادات يا مجيب الدعوات
يا رافع الدرجات يا ولي الحسنات يا
غافر الخطيئات يا معطي المسئلات
يا قابل التوبات يا سامع الاصوات يا
عالم الخفيات يا دافع البليات
سبحانك يا لا اله الا انت الغوث
الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل سيم جهة عزت يا فتن

يا خير الغافرين يا خير الفاتحين يا خير
الحاكمين يا خير الناصرين يا خير
الرازقين يا خير الوارثين يا خير الحامدين
يا خير الذاكرين يا خير المنزلين يا خير
المحسنين سبحانك يا لا اله الا انت الغوث
الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل چهارم جهة بزرگی یا فتن

يا من له العزة والجمال يا من له القدرة
والكمال يا من له الملك والجلال
يا من هو الكبير المتعال يا منشئ السحاب

الثقال

الثقال يا من هو شديد المحال يا من هو
سريع الحساب يا من هو شديد العقاب
يا من هو عنده حسن الثواب يا من هو
عنده علم الكتاب سبحانك يا لا اله الا انت
الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل پنجم جهة قوت یا فتن

اللهم اني اسئلك باسمك يا حنان
يا منان يا ديان يا برهان يا سلطان
يا رضوان يا غفران يا سبحان يا مستعان
يا ذا المن والبيان سبحانك يا لا اله الا انت

الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب

فصل ششم جهة دفع بلاها

یا من تواضع کل شیء لعظمته یا من
استسلم کل شیء لقدرته یا من ذل
کل شیء لعزته یا من خضع کل شیء
لهیبته یا من انقاد کل شیء من خشیته
یا من تشققت الجبال من مخافته یا من
قامت السموات بامره یا من استقرت
الارضون باذنه یا من یسبح الرعد بحمده
یا من لا یعتدی علی اهل مملکته سبحانک یا لا اله الا

انت الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب

فصل هفتم جهة دفع اندوه

یا غافر الخطایا یا کاشف البلایا یا منتهی
الرجایا یا مجزل العطایا یا واهب الهدایا یا
رازق البرایا یا قاضی المنایا یا سامع
الشکایا یا باعث البرایا یا مطلق
الاساری سبحانک یا لا اله الا انت
الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب

فصل هشتم جهة دجر یا فتن

یا ذا الحمد والثناء یا ذا الفخر والبهاء

يا ذا المجد والسناء يا ذا العهد والوفاء
يا ذا العفو والرضاء يا ذا المن والعطاء
يا ذا الفضل والقضاء يا ذا العز و
البقاء يا ذا الجود والسخاء يا ذا الالاء
والنعماء سبحانك يا لا اله الا انت
الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل نهم جهة نیکوئی احوال

اللهم انی اسئلك باسمك يا مانع يا دافع
يا رافع يا صانع يا نافع يا سامع يا جامع
يا شافع يا واسع يا موسع سبحانك يا لا اله

الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل دهم جهة نگاه داشتن ایمان

يا صانع كل مصنوع يا خالق كل مخلوق
يا رازق كل مرزوق يا مالك كل مملوك
يا كاشف كل مكروب يا فارج كل
مهموم يا راحم كل مرحوم يا ناصر كل
مخذول يا ساتر كل معيوب يا ملجأ
كل مطرود سبحانك يا لا اله الا انت
الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل یازدهم جهة کشادن بخت

یا عُدَّتی عند شدّتی یا رجائی عند مصیبتی
یا مونسی عند وحشتی یا صاحبی عند
غربتی یا ولیّی عند نعمتی یا غیاثی عند
کربتی یا دلیلی عند حیرتی یا غنائی عند
افتقاری یا ملجائی عند اضطراری یا معینی
عند مفزعی سبحانک یا لا اله الا انت
الغوث الغوث خلّصنا من النار یا ربّ

فصل دوازدهم جهة بقای دولت

یا علّام الغیوب یا غفّار الذنوب یا ستّار
العیوب یا کاشف الکروب یا مقلّب

القلوب

القلوب یا طبیب القلوب یا منوّر القلوب
یا انیس القلوب یا مفرّج الهموم
یا منفّس الغموم سبحانک یا لا اله الا انت
الغوث الغوث خلّصنا من النار یا ربّ

فصل سیزدهم جهة سلطنت یافتن

اللهم انی اسئلک باسمک یا جلیل یا
جمیل یا وکیل یا کفیل یا دلیل
یا قبیل یا مدیل یا منیل یا مقیل یا محیل
سبحانک یا لا اله الا انت الغوث
الغوث خلّصنا من النار یا ربّ



فصل چهاردهم جهت افزونی نعمت

يا دليل المتحيرين يا غياث المستغيثين يا
صريخ المستصرخين يا جار المستجيرين
يا امان الخائفين يا عون المؤمنين
يا راحم المساكين يا ملجأ العاصين
يا غافر المذنبين يا مجيب دعوة
المضطرين سبحانك يا لا اله الا انت
الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل پانزدهم جهت گشایش مهمات

يا ذا الجود والاحسان يا ذا الفضل والامتنان

يا ذا الامن

يا ذا الامن والامان يا ذا القدس والسبحان
يا ذا الحكمة والبيان يا ذا الرحمة
والرضوان يا ذا الحجة والبرهان يا ذا العظمة
والسلطان يا ذا الرأفة والمستعان يا
ذا العفو والغفران سبحانك يا لا اله الا
انت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل شانزدهم جهت برآمدن التماس

يا من هو رب كل شيء يا من هو اله كل شيء
يا من هو خالق كل شيء يا من هو صانع
كل شيء يا من هو بعد كل شيء يا من هو

قبل كل شيء يا من هو فوق كل شيء
يا من هو عالم بكل شيء يا من هو قادر على
كل شيء يا من هو يبقى ويفنى كل
شيء سبحانك يا لا اله الا انت
الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل هیفدهم ترجمه برکت یا فتن

اللهم اني اسألك باسمك يا مؤمن يا
مهيمن يا مكون يا ملقن يا مبين
يا مهون يا ممكن يا مزين يا معلن
يا مقسم سبحانك يا لا اله الا انت

الغوث

الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل هجدهم ترجمه آسانی کارها

يا من هو في ملكه مقيم يا من هو في
سلطانه قديم يا من هو في جلاله عظيم
يا من هو على عباده رحيم يا من هو
بكل شيء عليم يا من هو بمن عصاه
حليم يا من هو بمن رجاه كريم يا من هو
في صنعه حكيم يا من هو في حكمته
لطيف يا من هو في لطفه قديم سبحانك يا لا اله
الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل نوزدهم جهة دفع غمها

یا من لا یرجی الا فضله یا من لا یسئل الا
عفوه یا من لا ینظر الا بره یا من لا یخاف
الا عدله یا من لا یدوم الا ملکه یا من لا
سلطان الا سلطانه یا من وسعت
کل شیء رحمته یا من سبقت رحمته
غضبه یا من احاط بکل شیء علمه
یا من لیس احد مثله سبحانک یا لا اله الا انت
الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب

فصل بیستم جهة دشواری کارها

یا فارج الهم یا کاشف الغم یا غافر الذنب یا
قابل التوب یا خالق الخلق یا صادق الوعد
یا موفی العهد یا عالم السر یا فالق الحب
یا رازق الخلق الانام سبحانک یا لا اله الا
انت الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب

فصل بیست و یکم جهة علو منزلت

اللهم انی اسئلک باسمک یا علی یا وفی
یا غنی یا ملی یا حفی یا رضی یا زکی یا بدی
یا قوی یا ولی سبحانک یا لا اله الا انت
الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب

فصل بیست و دوم امر ترک گناهان

یا من اظهر الجمیل
یا من ستر القبیح یا من لم یؤاخذ بالجریرة
یا من لم یهتک الستر یا عظیم العفو
یا حسن التجاوز یا واسع المغفرة یا باسط
الیدین بالرحمة یا صاحب کل نجوی
یا منتهی کل شکوی سبحانک یا لا اله
الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب

فصل بیست و سیوم جهت فراخی روزی

یا ذا النعمة السابغة یا ذا الرحمة الواسعة
یا ذا المنة السابقة یا ذا الحکمة البالغة

یا ذا الحجة

یا ذا الحجة القاطعة یا ذا القدرة الکاملة
یا ذا الکرامة الظاهرة یا ذا العزة
الدائمة یا ذا القوة المتینة یا ذا العظمة
المنیعة سبحانک یا لا اله الا انت
الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب

فصل بیست و چهارم جهت دفع بلاها

یا بدیع السموات یا جاعل الظلمات
یا راحم العبرات یا مقیل العثرات
یا ساتر العورات یا محیی الاموات
یا منزل الآیات یا مضعف الحسنات

يا ماحي السيئات يا شديد النقمات
سبحانك يا لا اله الا انت الغوث
الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل بیست و پنجم جهت خوشنودی ایزد تعالی

اللهم اني اسئلك باسمك يا مصور
يا مقدر يا مدبر يا مطهر يا منور
يا ميسر يا مبشر يا منذر يا مقدم
يا موخر سبحانك يا لا اله الا انت
الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل بیست و ششم عزیز شدن در نظر خلایق

يا رب البيت الحرام يا رب الشهر الحرام
يا رب البلد الحرام يا رب الركن والمقام
يا رب المشعر الحرام يا رب المسجد الحرام
يا رب الحل والحرام يا رب النور والظلام
يا رب التحية والسلام يا رب القدرة
في الانام سبحانك يا لا اله الا انت
الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل بیست و هفتم جهت نزد ملوک رفتن

يا احكم الحاكمين يا اعدل العادلين
يا اصدق الصادقين يا اطهر الطاهرين

يا احسن الخالقين يا اسرع الحاسبين

يا اسمع السامعين يا ابصر الناظرين

يا اشفع الشافعين يا اكرم الاكرمين

سبحانك يا لا اله الا انت الغوث

الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل بیست و هشتم جهة کمان کشیدن

يا عماد من لا عماد له يا ذخر من لا ذخر له

يا حرز من لا حرز له يا سند من لا سند له

يا غياث من لا غياث له يا فخر من لا

فخر له يا عز من لا عز له يا معين من لا معين له

يا انيس من لا انيس له يا امان من لا امان له

سبحانك يا لا اله الا انت الغوث

الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل بیست و نهم جهة تیر انداختن

اللهم انی اسئلك باسمك يا عاصم

يا قائم يا دائم يا راحم يا سالم يا حاکم

يا عالم يا قاسم يا قابض يا باسط سبحانك

يا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل سی ام جهة جنگ کردن

يا عاصم من استعصمه يا راحم من استرحمه

يا غافر من استغفره يا ناصر من استنصره
يا حافظ من استحفظه يا مكرم
من استكرمه يا مرشد من استرشده
يا صريخ من استصرخه يا معين من استعانه
يا مغيث من استغاثه سبحانك يا لا اله
الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل سی و یکم عزیز شدن در چشم خلایق

يا عزيزا لا يضام يا لطيفا لا يرام يا قيوما
لا ينام يا دائما لا يفوت يا حيا لا يموت
يا ملكا لا يزول يا باقيا لا يفنى يا عالما

لا يجهل

لا يجهل يا صمدا لا يطعم يا قويا لا
يضعف سبحانك يا لا اله الا انت
الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل سی و دوم ایمن شدن از آفات

اللهم انی اسئلك باسمك يا احد
يا واحد يا شاهد يا حامد يا ماجد يا
راشد يا باعث يا وارث يا ضار
يا نافع سبحانك يا لا اله الا انت
الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل سی و سوم ترسیدن از سایه دیو

يا اعظم من كل عظيم يا اكرم
من كل كريم يا ارحم من كل رحيم
يا اعلم من كل عليم يا احكم من
كل حكيم يا اقدم من كل قديم
يا اكبر من كل كبير يا الطف من
كل لطيف يا اجل من كل جليل
يا اعز من كل عزيز سبحانك يا لا اله
الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل سی و چهارم در ترسیدن در خواب

يا كريم الصفح يا عظيم المن يا كثير الخير

يا قديم الفضل يا دائم اللطف يا لطيف
الصنع يا منفس الكرب يا كاشف
الضر يا مالك الملك يا قاضي الحق
سبحانك يا لا اله الا انت الغوث
الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل سی و پنجم جهة دفع ديو و پری

يا من هو في عهده وفي يا من هو في
وفائه قوي يا من هو في قوته علي
يا من هو في علوه قريب يا من هو في قربه
لطيف يا من هو في لطفه شريف يا من هو

في شرفه عزيز يا من هو في عزه عظيم يا من هو
في عظمته مجيد يا من هو في مجده
حميد سبحانك يا لا اله الا انت
الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل سی و ششم جهة ترسیدن از سایه خود

اللهم اني اسئلك باسمك يا كافي يا وافي
يا شافي يا معافي يا هادي يا داعي يا قاضي
يا راضي يا عالي يا باقي سبحانك يا لا اله الا
انت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل سی و هفتم جهة دفع سرخ باد

يا من كل شيء خاضع له يا من كل
شيء خاشع له يا من كل شيء كائن
له يا من كل شيء موجود به يا من كل
شيء منيب اليه يا من كل شيء خائف
منه يا من كل شيء قائم به يا من كل
شيء صائر اليه يا من كل شيء
يسبح بحمده يا من كل شيء هالك الا
وجهه سبحانك يا لا اله الا انت
الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل سی و هشتم جهة دفع طپیدن دل

يا من لا مفر الا اليه يا من لا مفزع الا اليه
يا من لا مقصد الا اليه يا من لا منجى منه
الا اليه يا من لا يرغب الا اليه يا من لا
حول ولا قوة الا به يا من لا يستعان الا به
يا من لا يتوكل الا عليه يا من لا يرجى
الا هو يا من لا يعبد الا اياه سبحانك يا لا اله
الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل سی ونهم جهة دفع امراض

يا خير المرهوبين يا خير المرغوبين يا خير
المطلوبين خير المشكورين يا خير

المحبوبين يا خير المدعوين يا خير المسئولين
يا خير المقصودين يا خير المذكورين
يا خير المستأنسين سبحانك يا لا اله الا
انت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل چهلم جهة دفع درد چشم

اللهم انی اسئلك باسمك يا غافر يا
ساتر يا قادر يا قاهر يا فاطر يا كاسر
يا جابر يا ذاكر يا ناظر يا ناصر سبحانك يا
لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل چهل ویکم دفع امراض صبیان

يا من خلق فسوّى يا من قدّر فهدى يا من
يكشف البلوى يا من يسمع النجوى يا من
ينقذ الغرقى يا من ينجي الهلكى يا من
يشفي المرضى يا من اضحك وابكى
يا من امات واحيى يا من خلق الزوجين
الذكر والانثى سبحانك يا لا اله الا
انت الغوث الغوث خلّصنا من النار يا رب

فصل چهل و دویم جهة دفع دردها

يا من في البرّ والبحر سبيله يا من في
الآفاق آياته يا من في الآيات برهانه

يا من في الممات قدرته يا من في القبور
عبرته يا من في القيمة ملكه يا من
في الحساب هيبته يا من في الميزان
قضاؤه يا من في الجنة ثوابه يا من في
النار عقابه سبحانك يا لا اله الا انت
الغوث الغوث خلّصنا من النار يا رب

فصل چهل و سیوم ایمن شدن در بیابان

يا من اليه يهرب الخائفون يا من اليه
يفزع المذنبون يا من اليه يقصد
المنيبون يا من اليه يرغب الزاهدون

يا من إليه يلجأ المتحيرون يا من به يستأنس
المريدون يا من به يفتخر المحبون يا من في
عفوه يطمع الخاطئون يا من إليه يسكن
الموقنون يا من عليه يتوكل
المتوكلون سبحانك يا لا إله إلا أنت
الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل چهل وچهارم جهة درد کتف

اللهم إني أسألك باسمك يا حبيب
يا طبيب يا قريب يا رقيب يا حسيب يا
منيب يا مثيب يا مجيب يا خبير يا بصير

سبحانك

سبحانك يا لا إله إلا أنت الغوث الغوث

فصل چهل و خلصنا من النار يا رب بخیر گذشتن از دریا

يا أقرب من كل قريب يا أحب من كل
حبيب يا أبصر من كل بصير يا أخبر
من كل خبير يا أشرف من كل شريف
يا أرفع من كل رفيع يا أقوى من كل
قوي يا أغنى من كل غني يا أجود من كل
جواد يا أرأف من كل رؤوف سبحانك يا لا إله
إلا أنت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل چهل وششم جهة دفع درد شانه

یا غالباً غیر مغلوب یا صانعاً غیر مصنوع
یا خالقاً غیر مخلوق یا مالکاً غیر مملوک
یا قاهراً غیر مقهور یا رافعاً غیر مرفوع
یا حافظاً غیر محفوظ یا ناصراً غیر منصور
یا شاهداً غیر غائب یا قریباً غیر
بعید سبحانک یا لا اله الا انت الغوث
الغوث خلصنا من النار یا رب

فصل چهل و هفتم جهت دفع درد ارخ

یا نور النور یا منور النور یا خالق النور
یا مدبر النور یا مقدر النور یا نور کل نور

یا نوراً قبل کل نور یا نوراً بعد کل
نور یا نوراً فوق کل نور یا نوراً لیس کمثله
نور سبحانک یا لا اله الا انت الغوث
الغوث خلصنا من النار یا رب

فصل چهل و هشتم جهت دفع درد دست

یا من عطاؤه شریف یا من فعله لطیف
یا من لطفه مقیم یا من احسانه قدیم
یا من قوله حق یا من وعده صدق یا من
عفوه فضل یا من عذابه عدل یا من
ذکره حلو یا من فضله عمیم سبحانک یا اله



الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب

فصل چهل و نهم جهت دفع درد دست

اللهم انی اسئلک باسمک یا مبدل
یا مذلل یا منزل یا منول یا مفصل
یا مسهل یا مفضل یا مجزل یا ممهل
یا مجمل سبحانک یا لا اله الا انت الغوث
الغوث خلصنا من النار یا رب

فصل پنجاهم جهت دفع درد پشت

یا من یری ولا یری یا من یخلق ولا یخلق یا من
یهدی ولا یهدی یا من یحیی ولا یحیی

یا من یسئل ولا یسئل یا من یطعم ولا
یطعم یا من یجیر ولا یجار علیه یا من
یقضی ولا یقضی علیه یا من یحکم
ولا یحکم علیه یا من لم یلد ولم یولد
ولم یکن له کفوا احد سبحانک یا لا اله
الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب

فصل پنجاه و یکم جهت دفع درد کمر

یا نعم المجیب یا نعم القریب یا نعم الرقیب
یا نعم الحسیب یا نعم الحبیب یا نعم
الکفیل یا نعم الوکیل یا نعم الانیس



يا نعم المولى ويا نعم النصير سبحانك يا لا إله
إلا أنت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل پنجاه و دوم جهت دفع درد پهلو

يا سرور العارفين يا منى المحبين يا أنيس
المريدين يا حبيب التوابين يا رازق المقلين
يا رجاء المذنبين يا قرة عين العابدين
يا منفس عن المكروبين يا مفرج عن
المغمومين يا إله الأولين والآخرين
سبحانك يا لا إله إلا أنت الغوث
الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل پنجاه و سوم جهت دفع درد شکم

اللهم إني أسألك باسمك يا ربنا يا إلهنا
يا سيدنا يا مولينا يا ناصرنا يا حافظنا
يا دليلنا يا معيننا يا حبيبنا يا طبيبنا سبحانك
يا لا إله إلا أنت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل پنجاه و چهارم دفع پیچیدن شکم

يا رب النبيين والأبرار يا رب الصديقين
والأخيار يا رب الجنة والنار يا رب
الصغار والكبار يا رب الحبوب و
الثمار يا رب الأنهار والأشجار يا رب الصحاري

والقفار یا ربّ البراري والبحار یا ربّ
اللیل والنهار یا ربّ الاعلان والاسرار
سبحانك یا لا اله الا انت الغوث
الغوث خلّصنا من النار یا ربّ

فصل پنجاه و پنجم آمرزش گناهان

یا من نفذ في كل شيء امره یا من لحق
بكل شيء علمه یا من بلغت الی كل
شيء قدرته یا من لا یحصي العباد نعمه یا من لا
یبلغ الخلائق شكره یا من لا تدرك الافهام
جلاله یا من لا تنال الاوهام كنهه

یا من العظمة

یا من العظمة والكبریاء رداؤه یا من لا
یردّ العباد قضاؤه یا من لا عطاء الا
عطاؤه سبحانك یا لا اله الا انت الغوث
الغوث خلّصنا من النار یا ربّ

فصل پنجاه و ششم جهت نزد ملوك رفتن

یا من له المثل الاعلی یا من له الصفات العلیا
یا من له الآخرة والاولی یا من له الجنة المأوی
یا من له الآیات الكبری یا من له الاسماء
الحسنی یا من له الحكم والقضاء
یا من له الهواء والفضاء یا من له العرش

والثرى يا من له السموات العلى سبحانك يا لا اله

الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل پنجاه و هفتم جهت آمرزش گناه

اللهم اني اسئلك باسمك يا عفو يا غفور

يا صبور يا سبوح يا قدوس يا شكور

يا رؤوف يا عطوف يا مسئول يا ودود

سبحانك يا لا اله الا انت الغوث

الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل پنجاه و هشتم جهت دفع زبان بند

يا من في السماء عظمته يا من في الارض

آياته

آياته يا من في كل شيء دلائله يا من في

البحار عجائبه يا من في الجبال خزائنه

يا من يبدء الخلق ثم يعيده يا من يرجع

اليه الامر كله يا من اظهر في كل

شيء لطفه يا من احسن في كل شيء

خلقه يا من تصرف في الخلائق

قدرته سبحانك يا لا اله الا انت

الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل پنجاه و نهم جهت دفع درد گوش

يا حبيب من لا حبيب له يا طبيب من لا طبيب له

يا مجيب من لا مجيب له يا شفيق من لا شفيق له
يا رفيق من لا رفيق له يا مغيث من لا مغيث له
يا دليل من لا دليل له يا انيس من لا انيس له
يا راحم من لا راحم له يا صاحب من لا صاحب له
سبحانك يا لا اله الا انت الغوث
الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل شصتم جهة دفع درد بناگوش

يا كافي من استكفاه يا هادي من استهداه
يا كالي من استكلاه يا راعي من استرعاه
يا شافي من استشفاه يا قاضي من استقضاه

يا مغني

يا مغني من استغناه يا موفي من استوفاه
يا مقوي من استقواه يا ولي من استولاه
سبحانك يا لا اله الا انت الغوث
الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل شصت و يكم جهة دفع درد پس گوش

اللهم اني اسئلك باسمك يا خالق يا رازق
يا ناطق يا صادق يا فالق يا فارق
يا فاتق يا راتق يا سابق يا سامق سبحانك
يا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل شصت و دويم جهة دفع درد گردن

يا من يقلب الليل والنهار يا من جعل
الظلمات والانوار يا من خلق الظل
والحرور يا من سخر الشمس والقمر
يا من قدر الخير والشر يا من خلق الموت
والحيوة يا من له الخلق والامر يا من لم
يتخذ صاحبة ولا ولدا يا من ليس له
شريك في الملك يا من لم يكن له
ولي من الذل سبحانك يا لا اله الا انت
الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل شصت و سوم جهة دفع درد گلو

يا من يعلم

يا من يعلم مراد المريدين يا من يعلم ضمير
الصامتين يا من يسمع انين الواهنين
يا من يرى بكاء الخائفين يا من يملك
حوائج السائلين يا من يقبل عذر
التائبين يا من لا يصلح عمل المفسدين
يا من لا يضيع اجر المحسنين يا من لا يبعد
عن قلوب العارفين يا اجود الاجودين
سبحانك يا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل [illegible]

يا دائم البقاء يا
سامع الدعاء يا واسع
العطاء يا غافر الخطاء يا بديع
[illegible]
[illegible]

اللهم اني اسئلك باسمك يا ستار يا غفار يا قهار



يا جبار يا صبار يا بار يا مختار يا فتاح
يا نفاح يا مرتاح سبحانك يا لا اله الا انت
الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل شصت و یکم جهت دفع درد سینه

يا من خلقني وسواني يا من رزقني ورباني
يا من اطعمني وسقاني يا من قربني وادناني
يا من عصمني وكفاني يا من حفظني
وكلاني يا من اعزني واغناني يا من
وفقني وهداني يا من آنسني وآواني يا من
اماتني واحياني سبحانك يا لا اله الا انت

الغوث ا

الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل شصت و دوم جهت دفع اماس

يا من يحق الحق بكلماته يا من يقبل
التوبة عن عباده يا من يحول بين المرء
وقلبه يا من لا تنفع الشفاعة الا باذنه
يا من هو اعلم بمن ضل عن سبيله يا من لا
معقب لحكمه يا من لا راد لقضائه
يا من انقاد كل شيء لامره يا من السموات
مطويات بيمينه يا من يرسل الرياح
بشرا بين يدي رحمته سبحانك يا لا اله الا انت

الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب

فصل شصت و هشتم جهة دفع باد لغوه

یا من جعل الارض مهادا یا من جعل
الشمس سراجا یا من جعل القمر نورا یا من جعل اللیل لباسا
یا من جعل النهار معاشا یا من جعل
النوم سباتا یا من جعل السماء بناء
یا من جعل الاشیاء ازواجا یا من جعل
النار مرصادا یا من جعل الجبال
اوتادا سبحانک یا لا اله الا انت الغوث
الغوث خلصنا من النار یا رب

فصل

فصل شصت و نهم جهة دفع درد سینه

اللهم انی اسئلک باسمک یا سمیع یا
شفیع یا رفیع یا منیع یا سریع یا بدیع
یا کبیر یا قدیر یا خبیر یا مجیر سبحانک یا لا اله
الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب

فصل هفتاد جهة چشم زخم

یا حیا قبل کل حی یا حیا بعد کل
حی یا حی الذی لیس کمثله حی یا حی
الذی لا یشارکه حی یا حی الذی لا
یحتاج الی حی یا حی الذی یمیت کل حی

یا حی الذی یرزق کل حی یا حیا لم یرث الحیوة
من حی یا حی الذی یحیی الموتی یا حی یا قیوم
لا تاخذه سنة و لا نوم سبحانک یا لا اله
الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب

فصل هفتاد و یکم دفع درد دل

یا من له ذکر لا ینسی یا من له نور لا یطفی
یا من له نعم لا تعد یا من له ملک لا یزول
یا من له ثناء لا یحصی یا من له جلال لا
یکیف یا من له کمال لا یدرک یا من له
قضاء لا یرد یا من له صفات لا تبدل

یا من له نعوت لا تغیر سبحانک یا لا اله
الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب

فصل هفتاد و دویم جهت دفع درد پستان

یا رب العالمین یا مالک یوم الدین یا غایة
الطالبین یا ظهر اللاجین یا مدرک الهاربین
یا من یحب التوابین یا من یحب الصابرین
یا من یحب المتطهرین یا من یحب المحسنین
یا من هو اعلم بالمهتدین سبحانک یا لا اله
الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب

فصل هفتاد و سیم جهت دفع درد جگر

اللهم انی اسئلک باسمک یا شفیق یا رفیق

یا حفیظ یا محیط یا مقیت یا مغیث یا معز

یا مذل یا مبدئ یا معید سبحانک یا لا اله

الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب

فصل هفتاد و چهارم جهة دفع درد بازو

یا من هو احد بلا ضد یا من هو فرد بلا ند یا من هو

صمد بلا عیب یا من هو وتر بلا کیف

یا من هو قاض بلا حیف یا من هو رب بلا وزیر

یا من هو عزیز بلا ذل یا من هو غنی بلا فقر

یا من هو ملک بلا عزل یا من هو موصوف

بلا شبیه سبحانک یا لا اله الا انت الغوث

الغوث خلصنا من النار یا رب

فصل هفتاد و پنجم جهة دفع درد ناف

یا من ذکره شرف للذاکرین یا من شکره

فوز للشاکرین یا من حمده عز للحامدین
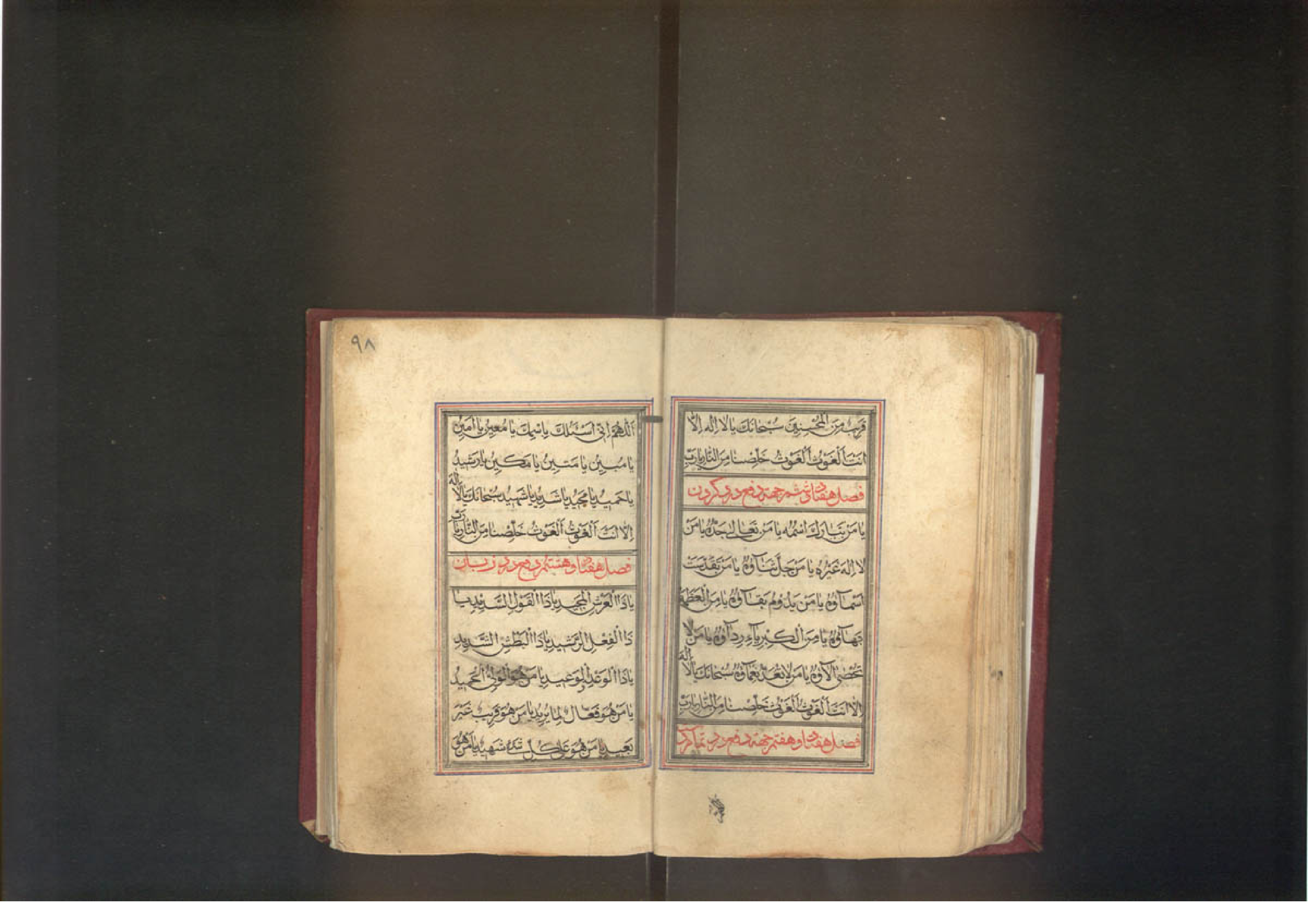
یا من طاعته نجات للمطیعین یا من

بابه مفتوح للطالبین یا من سبیله واضح

للمنیبین یا من آیاته برهان للناظرین

یا من کتابه تذکرة للمتقین یا من رزقه

عموم للطائعین والعاصین یا من رحمته



قریب من المحسنین سبحانک یا لا اله الا
انت الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب

فصل هفتاد و ششم جهت دفع درد گردن

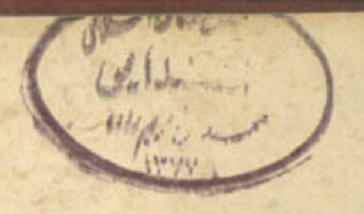
یا من تبارک اسمه یا من تعالی جده یا من
لا اله غیره یا من جل ثناؤه یا من تقدست
اسماؤه یا من یدوم بقاؤه یا من العظمة
بهاؤه یا من الکبریاء رداؤه یا من لا
تحصی آلاؤه یا من لا تعد نعماؤه سبحانک یا لا اله
الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب

فصل هفتاد و هفتم جهت دفع درد [illegible]

اللهم انی اسئلک باسمک یا معین یا امین
یا مبین یا متین یا مکین یا رشید
یا حمید یا مجید یا شدید یا شهید سبحانک یا لا اله
الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب

فصل هفتاد و هشتم دفع درد زبان

یا ذا العرش المجید یا ذا القول السدید یا
ذا الفعل الرشید یا ذا البطش الشدید
یا ذا الوعد والوعید یا من هو الولی الحمید
یا من هو فعال لما یرید یا من هو قریب غیر
بعید یا من هو علی کل شیء شهید یا من هو



ليس بظلام للعبيد سبحانك يا لا اله الا
انت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل هفتاد و نهم جهة دفع درد ناف

يا من لا شريك له ولا وزير يا من لا شبيه له
ولا نظير يا خالق الشمس والقمر المنير يا مغني
البائس الفقير يا رازق الطفل الصغير
يا راحم الشيخ الكبير يا عصمة الخائف
المستجير يا جابر العظم الكسير يا من هو
بعباده خبير بصير يا من هو على كل
شيء قدير سبحانك يا لا اله الا انت

الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل هشتاد جهة دفع درد سپرز

يا ذا الجود والنعم يا ذا الفضل والكرم
يا خالق اللوح والقلم يا بارئ الذر والنسم
يا ذا البأس والنقم يا ملهم العرب والعجم
يا كاشف الضر والالم يا عالم السر والهمم
يا رب البيت والحرم يا من خلق الاشياء
من العدم سبحانك يا لا اله الا انت
الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل هشتاد و یکم جهة دفع درد شانه

اللهم انی اسئلک باسمک یا فاعل یا

جاعل یا کامل یا قابل یا فاضل یا عادل

یا غالب یا فاصل یا طالب یا واهب سبحانک یا لا اله

الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب

فصل هشتاد و دوم جهت دفع درد پهلو

یا من انعم بطوله یا من اکرم بجوده یا من

جاد بلطفه یا من تعزز بقدرته یا من قدر

بحکمته یا من حکم بتدبیره یا من

دبر بعلمه یا من تجاوز بحلمه یا من

دنا فی علوه یا من علی فی دنوه سبحانک یا لا اله

الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب

فصل هشتاد و سیم جهت دفع درد کمر

یا من یخلق ما یشاء یا من یفعل ما یشاء

یا من یعذب من یشاء یا من یغفر لمن یشاء

یا من یعز من یشاء یا من یذل من یشاء

یا من یصور فی الارحام ما یشاء یا من

یختص برحمته من یشاء یا من یهدی

من یشاء یا من یضل من یشاء سبحانک

یا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب

فصل هشتاد و چهارم جهت دفع درد زانو

يا من لم يتخذ صاحبة ولا ولدا يا من جعل
لكل شيء قدرا يا من لا يشرك في حكمه
احدا يا من جعل الملائكة رسلا يا من
جعل في السماء بروجا يا من جعل الارض
قرارا يا من خلق من الماء بشرا يا من جعل
لكل شيء امدا يا من احاط بكل شيء
علما يا من احصى كل شيء عددا سبحانك
يا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل هشتاد و پنجم جهت دفع درد ساق

اللهم اني اسئلك باسمك يا اول يا آخر

يا باطن يا ظاهر يا بر يا حق يا فرد يا وتر يا صمد
يا سرمد سبحانك يا لا اله الا انت الغوث
الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل هشتاد و ششم جهت دفع سستی کمر

يا خير معروف عرف يا افضل معبود عبد
يا اجل مشكور شكر يا اعز مذكور
ذكر يا اعلى محمود حمد يا اقدم موجود
طلب يا ارفع موصوف وصف يا اكبر
مقصود قصد يا اكرم مسئول سئل
يا اشرف محبوب علم سبحانك يا لا اله الا انت

الغوث الغوث خلّصنا من النار یا ربّ

فصل هشتاد و هفتم جهة دفع درد سر

یا حبیب الباکین یا سیّد المتوکّلین
یا هادی المضلّین یا ولیّ المؤمنین
یا انیس الذاکرین یا مفزع الملهوفین
یا منجی الصادقین یا اقدر القادرین یا
اعلم العالمین یا اله الخلق اجمعین سبحانک یا لا اله
الّا انت الغوث الغوث خلّصنا من النار یا ربّ

فصل هشتاد و هشتم جهة دفع شبکوری

یا من علا فقهر یا من ملک فقدر یا من بطن

فخبر

فخبر یا من عُبِد فشکر یا من عُصی فغفر
یا من لا تحویه الفکر یا من لا یدرکه
بصر یا من لا یخفی علیه اثر یا رازق البشر
یا مقدّر کلّ قدر سبحانک یا لا اله الّا
انت الغوث الغوث خلّصنا من النار یا ربّ

فصل هشتاد و نهم جهة دفع درد گوش

اللّهمّ انّی اسئلک باسمک یا حافظ یا باری
یا ذاری یا بازخ یا فاتح یا فارج یا کاشف یا
ضامن یا آمر یا ناهی سبحانک یا لا اله الّا
انت الغوث الغوث خلّصنا من النار یا ربّ

فصل نود جهت دفع درد شکم رو

یا من لا یعلم الغیب الا هو یا من لا یصرف السوء الا هو
یا من لا یخلق الخلق الا هو یا من لا یغفر الذنب
الا هو یا من لا یتم النعمة الا هو یا من لا یقلب
القلوب الا هو یا من لا یدبر الامر الا هو
یا من لا ینزل الغیث الا هو یا من لا یبسط
الرزق الا هو یا من لا یحیی الموتی الا هو سبحانک
یا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب

فصل نود و یکم جهت دفع درد دندان

یا معین الضعفاء یا ناصر الاولیاء یا صاحب الغرباء



یا قاهر الاعداء یا رافع السماء یا انیس
الاصفیاء یا حبیب الاتقیاء یا کنز
الفقراء یا اله الاغنیاء یا اکرم
الکرماء سبحانک یا لا اله الا انت
الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب

فصل نود و دویم جهت دفع درد اندام

یا کافی من کل شیء یا قائم علی کل شیء
یا من لا یشبهه شیء یا من لا یزید فی ملکه
شیء یا من لا یخفی علیه شیء یا من لا ینقص
من خزائنه شیء یا من لیس کمثله شیء

يا من لا يعزب عن علمه شيء يا من هو خبير

بكل شيء يا من وسعت رحمته

كل شيء سبحانك يا لا اله الا انت

الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل نود و سیم جهت دفع درد نیم سر

اللهم اني اسئلك باسمك يا مكرم

يا مطعم يا منعم يا معطي يا مغني يا محيي يا مرضي

يا مقني يا منجي يا مغني سبحانك يا لا اله الا

انت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل نود و چهارم جهت دفع درد بینی

يا اول كل شيء واخره يا اله كل شيء

ومالكه يا رب كل شيء وصانعه

يا بارئ كل شيء وخالقه يا قابض كل

شيء وباسطه يا مبدئ كل شيء ومعيده

يا منشئ كل شيء ومقدره يا مكون

كل شيء ومحوله يا محيي كل شيء ومميته

يا خالق كل شيء ووارثه سبحانك يا لا اله الا

انت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل ۹۵ جهت دفع درد کمر و درد زانو و درد پای

يا خير ذاكر ومذكور يا خير شاكر

ومشكور يا خير حامد ومحمود يا خير شاهد
ومشهود يا خير داع ومدعو يا خير مجيب
ومجاب يا خير صاحب وجليس يا خير مونس
وانيس يا خير مقصود ومطلوب يا خير
حبيب ومحبوب سبحانك يا لا اله الا
انت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل نود وششم جهت دفع درد هر دو پای

يا من هو لمن دعاه مجيب يا من هو لمن اطاعه
حبيب يا من هو الى من احبه قريب يا من هو
لمن استحفظه رقيب يا من هو لمن رجاه



كريم يا من هو بمن عصاه حليم يا من هو
في عظمته رحيم يا من هو في حكمته
عظيم يا من هو في احسانه قديم يا من هو
بمن اراده عليم سبحانك يا لا اله الا انت
الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل نود وهفتم جهت دفع درد حلقوم

اللهم انى اسئلك باسمك يا مسبب يا
يا مرغب يا مقلب يا مرتب يا معقب
يا مخوف يا محذر يا مذكر يا مسخر
يا مغير سبحانك يا لا اله الا انت



الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل نود و هشتم جهت دفع درد رگها

يا من علمه سابق يا من وعده صادق
يا من لطفه ظاهر يا من امره غالب يا من
كتابه محكم يا من قضاؤه كائن
يا من قرآنه مجيد يا من ملكه قديم يا من
فضله عميم يا من عرشه عظيم سبحانك يا لا اله
الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل نود و نهم جهت درد دندان و استخوان

يا من لا يشغله سمع عن سمع يا من لا يمنعه

فعل عن فعل يا من لا يلهيه قول عن قول
يا من لا يغلطه سؤال عن سؤال يا من لا يحجبه
شيء عن شيء يا من لا يبرمه الحاح الملحين يا
من هو غاية مراد المريدين يا من هو منتهى همم
العارفين يا من هو منتهى طلب الطالبين
يا من لا يخفى عليه ذرة في العالمين سبحانك يا
لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل صد جهت دفع درد استخوان و بند

يا حليما لا يعجل يا جوادا لا يبخل يا صادقا
لا يخلف يا وهابا لا يمل يا قاهرا لا يغلب

يا عظيماً لا يوصف يا عدلاً لا يحيف يا غنياً
لا يفتقر يا كبيراً لا يصغر يا حافظاً لا
يغفل سبحانك يا لا اله الا انت
الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

یکنام جهة جمیع دردها و مرضها

يا من اذعن لجميع خلقه بالسجود سبحانك يا لا اله
الا انت يا ذا الجلال والاكرام الغوث
الغوث خلصنا من النار يا رب يا مجيب

و این دعا را نیز بخوانند بعد از هر دو یکنام

اللهم بحق هذه الاسماء بحق شرفها ان تغفر لي و ترحمني

وتقضی

و تقضي حاجتي و تصلي على محمد و آل محمد عليهم السلام
و صلى الله على سيدنا و نبينا محمد و آله اجمعين الطيبين
الطاهرين و سلم تسليماً كثيراً كثيراً

نماز غفیله که میان نماز مغرب و عشا بجا باید آورد

و ذا النون اذ ذهب مغاضباً فظن ان لن نقدر عليه
فنادى في الظلمات ان لا اله الا انت سبحانك اني
كنت من الظالمين فاستجبنا له و نجيناه من الغم و
كذلك ننجي المؤمنين و در رکعت دویم بعد از الحمد بخوانند و عنده
مفاتح الغيب لا يعلمها الا هو و يعلم ما في البر و البحر و ما
تسقط من ورقة الا يعلمها و لا حبة في ظلمات الارض

ولا رطب ولا یابس الا فی کتاب مبین بعد ازان در قنوت بخواند

اللهم انی اسئلک بمفاتح الغیب التی لا یعلمها

الا انت ان تصلی علی محمد وال محمد اللهم انت

ولی نعمتی والقادر علی طلبتی تعلم

حاجتی فاسئلک بحق محمد واله ان

تصلی علی محمد واله وان تفعل بی ما

انت اهله ولا تفعل بی ما انا اهله

هشام بن سالم از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرد که هر که

میان شام وخفتن این دو رکعت نماز کند هیچ حاجت نخواهد

الا که خدای تعالی روا کند ان شاء الله تعالی والله اعلم بالصواب

وان تقضی حوائجی لدنیا والاخرة انک
علیه وعلیهم السلام
ارحم الراحمین

حارث همدانی گفت از امیر المؤمنین علیه السلام

شنیدم که او گفت از رسول صلی الله پرسیدم

که مقالید آسمان و زمین چیست گفت آنست

که بنده هر بامداد و شبانگاه ده بار بگوید این کلمات را

سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله

والله اکبر استغفر الله ولا حول

ولا قوة الا بالله العلی العظیم هو

الاول والاخر والظاهر والباطن

له الملک وله الحمد یحیی ویمیت و

هو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی

کل شیء قدیر گفت هر که این کلمات را
بامداد و شبانگاه ده بار بگوید خدای تعالی او را
شش خصلت بدهد اول از ابلیس و لشکر ابلیس ویرا
نگاه دارد دوم قنطار مزد بدهد ویرا که در کفه حسنات
او از کوه احد گران‌تر باشد سیوم او را بدرجه
ابرار و نیکوکاران برساند چهارم جفتی از حور العین
بدهد ویرا پنجم دوازده هزار فرشته را حاضر کردانند
تا این کلمات بنویسند بر ورق منشور و روز قیامت
برای وی گواهی دهند ششم سبحان باشد که توراة
و انجیل و زبور و فرقان خوانده و چنان باشد که حج و عمره

مقبول

مقبول کرده باشد اگر آن روز یا آن شب بمیرد
از جمله شهیدان باشد و در خبر است که خدای تعالی
چندان فرشتگان را بیافرید که عدد ایشان جز خدای ندانند
فرمود که عرش را بردارند نتوانستند جبرئیل و میکائیل
و اسرافیل و عزرائیل را فرمود که عرش بردارید و
بر دوش حاملان نهید جبرئیل بیامد بر یک گوشه
و گفت سبحان الله میکائیل بر دیگر گوشه آمد و گفت
الحمد لله و اسرافیل بر دیگر گوشه آمد و گفت لا اله الا الله
و عزرائیل بر دیگر گوشه آمد و گفت والله اکبر
و عرش را برگرفتند بآسانی و بر دوش حاملان عرش نهادند

چون ثقل وگرانی عرش بایشان رسید گفتند که

لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم •

آن بار برایشان آسان شد پس ای بنده ترا نیز چون

دشواری پیش آید باین کلمات التجا کن تا بر تو آسان گردد

خواص آیات ذیل

فسبحان الله حین تمسون وحین

تصبحون • وله الحمد فی السموات

والارض وعشیا وحین تظهرون •

یخرج الحی من المیت ویخرج المیت

من الحی ویحیی الارض بعد موتها

وكذلك تخرجون • سبحان

ربك رب العزة عما یصفون • و

سلام علی المرسلین • والحمد لله

رب العالمین •

خدای تبارک وتعالی میگوید که نماز کنید انکه که

در شب آیید وانکه که در نیمه روز آیید نافع بن الازرق

عبد الله عباس را پرسید که در پنج نماز در قرآن

هیچ جای هست گفت بلی فی قوله فسبحان الله حین

تمسون الی آخره از رسول علیه السلام روایتست

که هرکه بامداد وشبانگاه این آیه بخواند تلافی هر عبادت

باشد که از وی فوت شده باشد یعنی از نوافل و
دعوات و تسبیحات و هر که در عقب هر نماز فریضه
بخواند بعدد قطرهای باران و برگ درختان و خاک
روی زمین ویرا حسنه بنویسند انس مالک روایت
میکند که هر که میخواهد تا فردا قیامت ویرا بکیل تامتر
بدهند باید که این آیه بخواند تا اینجا که وَکَذٰلِکَ تُخْرَجُونَ
و آخر سوره والصافات سُبْحَانَ رَبِّکَ رَبِّ الْعِزَّةِ
عَمَّا یَصِفُونَ تا آخر سوره ضحاک روایت کرد که هر که
این آیات بخواند ثواب او برابر ثواب آنکس باشد
که دویست بنده آزاد کرده باشد از فرزندان اسمعیل

فسبحان الله

فَسُبْحَانَ اللهِ ای صَلُّوا لِلّٰهِ نماز کنید خدایرا چون در شبانگا[ه]
آید کفشد باین نماز دیگر خواست و نماز شام وَحِینَ
تُصْبِحُونَ و هنگام آنکه در بامداد آید یعنی نماز بامداد
و او راست حمد و ثنا در آسمان و زمین وَعَشِیًّا
و در شبانگاه و باین نماز خفتن خواست وَحِینَ
تُظْهِرُونَ و چون در نیم روز آید یعنی نماز پیشین
یُخْرِجُ الْحَیَّ مِنَ الْمَیِّتِ از مرده زنده بیرون آرد و از زنده
مرده بیرون آرد و زنده گرداند زمین را پس از مردن
و همچنانکه زمین مرده را به نبات زنده میگرداند شمارا
نیز زنده گرداند و از خاک بردارد والله التوفیق

عمل ماه صفر

بدانکه صفر را از صفر گرفته اند و صفر بمعنی خالی بودن
مکانست و چون عربان نزد انقضاء محرم درین
ماه بقتال غارت میرفتند و مکان ایشان
خالی میشد ازین جهت این ماه را صفر
نامیده اند و جمهور خلایق برینند که ساکن بودن
درین ماه اولی است از حرکت و چون نظر
ناظر بهلال صفر افتد باید که نظر در روی کودک
یا کف دست خود کند و بگوید که لَقَدْ صَدَقَ اللّٰهُ
رَسُولَهُ الرُّؤْیَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلُنَّ

الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ اِنْ شَاءَ اللّٰهُ اٰمِنِیْنَ
مُحَلِّقِیْنَ رُؤُسَکُمْ وَمُقَصِّرِیْنَ
لَا تَخَافُوْنَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوْا فَجَعَلَ
مِنْ دُوْنِ ذٰلِكَ فَتْحًا قَرِیْبًا و سه بار
قل هو الله احد نیز بخواند و روز اول این ماه بود که سر
مبارک حضرت امام حسین را علیه السلام داخل
دمشق گردانیدن و این روز عید بنی امیه بود و در
همین روز زید بن امام زین العابدین را اویخته شهید
کردند و چهار سال آنحضرت آویخته بود و در سیم
این ماه حضرت امام محمد باقر علیه السلام متولد شد

وهمین روز بود که مسلم بن عقبه لعنة الله علیه جامه
کعبه را بسوخت و دیوار اورا ویران کرد مستحب است
که درین روز روزه دارند و استغفار کنند و بر قاتل
زید وعقبه ملعون لعنت کنند و باید که در هر روز
این ماه این دعا بخوانند تا انکه بلایی که نازل میشود
مندفع گردد اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَعُوذُ بِكَ
مِنْ شَرِّ هٰذِهِ الْأَزْمَانِ وَاسْتَعِينُ
بِكَ مِنْ شُرُورِ الزَّمَانِ وَاَعُوذُ بِجَلَالِ
وَجْهِكَ وَجَمَالِ قُدْرَتِكَ اَنْ تُجِيرَنِي
مِنْ شَرِّ هٰذِهِ السَّنَةِ وَقِنَا شَرَّ

ما قضيت

قَضَيْتَ فِيهَا وَاَكْرِمْنِي شَرَّ فِي
الشَّهْرِ الصَّفَرِ الْكَرِيمِ الظَّفَرِ
وَاخْتِمْهُ بِالسَّعَادَةِ وَالسَّلَامَةِ لِي
وَلِاَوْلِيَائِي وَلِاَقْرِبَائِي وَاَوْلَادِي
وَجَمِيعِ اُمَّةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
وَاٰلِهِ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
ونیز سنت است که در هر روز ازین ماه این دعا بخوانند
از جمیع آفات وبلیات در حفظ وامان باشد
اَللّٰهُمَّ يَا شَدِيدَ الْقُوَى يَا شَدِيدَ
الْمِحَالِ يَا عَزِيزُ يَا عَزِيزُ يَا عَزِيزُ ذَلَّتْ

بعزّتك جميع خلقك يا منعم
يا محسن يا مجمل يا مفضل
فاكفني من شرّ خلقك يا لا اله
الّا انت سبحانك انّي كنت
من الظالمين فاستجبنا له ونجّيناه
من الغمّ وكذلك ننجي المؤمنين
و روز هفتم این ماه مولد موسی کاظم است علیه
و حسن ابن علی علیه درین روز وفات یافت
سنت است که روزه دارند و تصدق کنند
بانچه توانند که ثواب بسیار دارد و دو رکعت نماز درین روز

سنت است و در رکعت اول الحمد و سوره فتح
و در دوم الحمد و قل هو الله احد و بعد از سلام صد بار
صلوات فرستد و صد بار لعنت کند بر آل ابی
سفیان و صد بار استغفار کند انگاه هر حاجتی
که دارد بخواهد و هیفدهم این ماه حضرت امام رضا
علیه التحیة والثنا را شهید کردند و روز بیستم این
ماه بود که حرم محترم امام حسین را علیه از شام بمدینه
آوردند و این روز را اربعین خوانند از امام حسن
عسکری علیه منقولست که فرمود که علامات پنج است
پنجاه و یک رکعت نماز در شبانه روزی گردن و

زیارت اربعین بجای آوردن وانگشترین بدست
راست کردن وپیشانی در سجده بخاک مالیدن
وبسم الله در نمازها بلند گفتن وسنت موکدات
درین روز روزه داشتن وزیارت امام حسین
علیه کردن چون آفتاب بجای چاشت رسد
خواه از نزدیک وخواه از دور روی بطرف
مشهد مقدس آنحضرت نموده خواندن این دعای
زیارت از لوازم است

اَلسَّلامُ عَلٰی وَلِیِّ اللهِ وَحَبِیبِهِ اَلسَّلامُ
عَلٰی خَلِیلِ اللهِ وَنَجِیبِهِ اَلسَّلامُ

عَلٰی صَفِیِّ اللهِ وَابْنِ صَفِیِّهِ اَلسَّلامُ
عَلَی الْحُسَیْنِ الشَّهِیدِ الْمَظْلُومِ
اَلسَّلامُ عَلٰی اَسِیرِ الْکُرُباتِ
اَلسَّلامُ عَلٰی قَتِیلِ الْعَبَراتِ اَللّٰهُمَّ اِنِّی
اَشْهَدُ اَنَّهُ وَلِیُّکَ وَابْنُ وَلِیِّکَ
وَصَفِیُّکَ وَابْنُ صَفِیِّکَ الْفائِزُ
بِکَرامَتِکَ اَکْرَمْتَهُ بِالشَّهادَةِ
وَحَبَوْتَهُ بِالسَّعادَةِ وَاجْتَبَیْتَهُ
بِطِیبِ الْوِلادَةِ وَجَعَلْتَهُ سَیِّدًا
مِنَ السّاداتِ وَقائِدًا مِنَ الْقادَةِ

وزائداً من الزيادة واعطيته مواريث
الانبياء وجعلته على خلقك
من الاوصياء فاعذر في الدعاء
ومنح النصح وبذل مهجته فيك
ليستنقذ عبادك من الجهالة و
حيرة الضلالة وقد توازر عليه
من غرته الدنيا وباع حظه بالارذل
الادنى وشرى آخرته بالثمن الاوكس
وتغطرس وتردى في هواه و
اسخطك واسخط نبيك واطاع

من عبادك اهل الشقاق والنفاق
وحملة الاوزار المستوجبين للنار فجاهدهم
فيك صابراً محتسباً حتى سفك في طاعتك
دمه واستبيح حريمه اللهم فالعنهم
لعناً وبيلاً وعذبهم عذاباً اليماً السلام
عليك يا بن رسول الله السلام عليك
يا بن سيد الاوصياء اشهد انك امين الله
وابن امينه عشت سعيداً ومضيت
حميداً ومت فقيداً مظلوماً شهيداً
واشهد ان الله منجز لك ما وعدك ومهلك

من خذلك ومعذب من قتلك واشهد
انك وفيت بعهد الله وجاهدت في
سبيل الله حتى اتاك اليقين فلعن الله
من قتلك ولعن الله من ظلمك ولعن الله
امة سمعت بذلك فرضيت به اللهم
اني اشهدك اني ولي لمن والاك وعدو
لمن عاداك بابي انت وامي يا ابن رسول الله
اشهد انك كنت نورا في الاصلاب
الشامخة والارحام الطاهرة لم تنجسك
الجاهلية بانجاسها ولم تلبسك المدلهمات

من ثيابها واشهد انك من دعائم الدين
واركان المسلمين ومعقل المؤمنين
واشهد انك الامام البر التقي الرضي
الزكي الهادي المهدي واشهد ان
الائمة من ولدك كلمة التقوى واعلام
الهدى والعروة الوثقى والحجة على اهل
الدنيا واشهد اني بكم مؤمن وبايابكم
موقن بشرايع ديني وخواتيم عملي وقلبي
لقلبكم سلم وامري لامركم متبع
ونصرتي لكم معدة حتى ياذن الله

لکم بمعکم معکم لا مع غیرکم
صلوات الله علیکم وعلی ارواحکم
واجسادکم واجسامکم وشاهدکم
وغائبکم وظاهرکم وباطنکم
امین رب العالمین پس دو رکعت نماز کند وهر دعا
که دوست دارد بخواند وهر حاجت که دارد از خدای تعالی
بخواهد و روز بیست وهشتم این ماه بود که حضرت رسالت پناه
صلی الله علیه از دنیا رحلت فرمود انا لله وانا الیه
راجعون ودر شب بیست نهم حضرت امام حسن بن علی
علیهما السلام وفات یافت طاب الله ثراه

روایت است که حضرت موسی پیغمبر علیه السلام مناجات کرد
وگفت بارخدایا دفع عذاب قبر چیست گفت یا موسی
هرکه این دعا را یکبار بخواند از عذاب قبر ایمن گردد وگناهان
او نوشته نشود تا هزار سال وهرکه این دعا را بر سر گور مرده
بخواند عذاب گور از آن مرده بردارند واگر کسی بر سه کلوخ
بخواند یکی بر سر مرده بنهد ویکی بر میان مرده بنهد ویکی
بپایین مرده نهد مرده را عذاب نبود دعا اینست

بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم انی اسئلک باسمک العظیم الذی
یرزق العالمین واسئلک باسمک العظیم الذی

يحيي الموتى ويميت الاحياء واسئلك باسمك
العظيم الذى قامت به السموات والارض
والله ولكل نعمة الحمد لله ولكل رخى
شكرا لله ولكل اعجوبة سبحان الله
ولكل ضيق وضنك حسبى الله ولكل
قضاء وقدر توكلت على الله ولكل
غم وهم ما شاء الله ولكل ذنب استغفر الله
ولكل مصيبة انا لله ولكل طاعة و
معصية لا حول ولا قوة الا بالله العلى العظيم
وقل الحمد لله الذى لم يتخذ ولدا ولم يكن له

شريك فى الملك ولم يكن له ولى من
الذل وكبره تكبيرا برحمتك يا ارحم الراحمين

بجهت آمرزش گناهان چهار روز آدینه بخواند

بسم الله الرحمن الرحيم
لا اله الا الله الاول الاخر لا اله الا الله الظاهر
الباطن لا اله الا الله الاحد الصمد لا اله الا الله
الواحد الاحد لا اله الا الله الرحمن الرحيم
لا اله الا الله اللطيف الخبير لا اله الا الله
الملك القدوس لا اله الا الله السلام
المومن لا اله الا الله الجبار المهيمن لا اله

الا الله الكبير المتعال لا اله الا الله العلي
العظيم لا اله الا الله الوفي لا اله الا الله
القوي الجبار لا اله الا الله المحي المميت
لا اله الا الله العليم الحكيم لا اله الا الله
الباري القديم لا اله الا الله الغفور الودود
لا اله الا الله الحليم الكريم الحمد لله السميع
البصير الحمد لله الاحد الصمد الحمد لله الفتاح
الحافظ الحمد لله اللطيف الخبير الحمد لله
الخالق الباري المصور الحمد لله الملك
القدوس الحمد لله الباري البديع الحمد لله

الرؤف الرحيم

المهيمن الجبار الحمد لله رب الجنة والنار
الحمد لله الكبير المتعال الحمد لله السابق
القاهر الحمد لله رب العالمين ورب العرش
العظيم لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم
وصلى الله على محمد واله الطيبين الطاهرين

جهت مادر و پدر بخواند و قربت کند

فلله الحمد رب السموات والارض رب العالمين
وله الكبرياء في السموات والارض
وهو العزيز الحكيم برحمتك يا ارحم الراحمين

در هر صباح بجهت نجاح امور دین و دنیا بخواند

اللهم اجعل صباحنا صباح الصالحين
ولساننا لسان الذاكرين وقلوبنا
قلوب الخاشعين وابداننا ابدان المتواضعين
وركوعنا ركوع الساجدين ونبهنا عن نومة
الغافلين وشاركنا في دعاء الصالحين
اللهم ارزقنا خير هذا الصباح وخير المساء
وخير القضاء وخير السفر وخير الحضر وخير
ما جرى به القلم يا ذا الجود والكرم اللهم
ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة
حسنة وقنا عذاب النار واختم لنا مع الفا

الابرار اللهم صل على محمد وآله اجمعين

جهت حفظ ايمان هر صباح بخوانند

بسم الله الرحمن الرحيم
لا اله الا الله الموجود في كل زمان
لا اله الا الله المعروف بكل احسان
لا اله الا الله المعبود بكل مكان لا اله الا الله
المذكور بكل لسان لا اله الا الله
كل يوم هو في شان لا اله الا الله الامان
الامان الامان من زوال الايمان ومن شر
الشيطان يا قديم الاحسان يا عفو يا غفران

برحمتك يا ارحم الراحمين يا الله يا معين

دعائی که همیشه حضرت امیر المومنین علی علیه السلام تلاوت میفرمودند

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم لك الحمد ولك الشكر يا رحمن ولك الحمد

ولك الشكر يا رحيم ولك الحمد

ولك الشكر يا رؤف ولك الحمد

ولك الشكر يا اول ولك الحمد

ولك الشكر يا اخر ولك الحمد

ولك الشكر يا ظاهر ولك الحمد

ولك الشكر يا باطن ولك الحمد

ولك الشكر يا حميد ولك الحمد

ولك الشكر يا مجيد ولك الحمد

ولك الشكر يا قوي ولك الحمد

ولك الشكر يا مبين ولك الحمد

ولك الشكر يا ولي ولك الحمد

ولك الشكر يا متين ولك الحمد

ولك الشكر يا محيي ولك الحمد

ولك الشكر يا مميت ولك الحمد

ولك الشكر يا باعث ولك الحمد

ولك الشكر يا باسط ولك الحمد

ولك الشكر يا وارث ولك الحمد

ولك الشكر يا مغني ولك الحمد

ولك الشكر يا ملي ولك الحمد

ولك الشكر يا واسع ولك الحمد

ولك الشكر يا ودود ولك الحمد

ولك الشكر يا حليم ولك الحمد

ولك الشكر يا كريم ولك الحمد

ولك الشكر يا قدوس ولك الحمد

ولك الشكر يا علام ولك الحمد

ولك الشكر يا مومن ولك الحمد

ولك الشكر يا مهيمن ولك الحمد

ولك الشكر يا عزيز ولك الحمد

ولك الشكر يا جبار ولك الحمد

ولك الشكر يا متكبر ولك الحمد

ولك الشكر يا منور ولك الحمد

ولك الشكر يا وفي ولك الحمد

ولك الشكر يا مليك ولك الحمد

ولك الشكر يا بديع ولك الحمد

ولك الشكر يا قابض ولك الحمد

ولك الشكر يا باسط ولك الحمد

ولك الشكر يا ديّان ولك الحمد

ولك الشكر يا منّان ولك الحمد

ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم

ونيز دعاء تيغ بند حضرت امير المومنين علي عليه السلام

بسم الله الرحمن الرحيم

سبحانك انت الله الملك الجبار سبحانك

انت الله العزيز الغفار سبحانك انت الله

الواحد القهار سبحانك انت الله الكريم

الستار سبحانك انت الله الكبير المتعال

اللهم يا عالم السر والخفيات ويا غافر الذنب

والخطيئات ويا قاضي الحاجات ويا مجيب

الدعوات ويا ولي الحسنات ويا رافع

الدرجات ويا دافع البليات ويا منزل الآيات

اللهم احيني سعيدا وامتني سعيدا واحشرني

في زمرة السعداء اغفر لي سيئاتي يا عظيم

بعظمتك يا جواد بجودك يا كريم

بكرمك يا رحمن برحمتك يا الله يا الله

يا الله يا رحمن يا رحمن يا رحمن يا رحيم يا رحيم يا رحيم

يا غفور يا غفور يا غفور يا شكور

يا شكور يا شكور يا صبور يا صبور يا صبور

اشهد ان كل معبود من دون عرشك
الى قرار الارضين باطل غير وجهك الكريم
يا رب قد ترى ما انا فيه ففرج عني برحمتك
يا ارحم الراحمين

در محل خواندن اول ده بار لا اله الا الله وحده لا شريك له
و اشهد ان محمدا عبده و رسوله و ده نوبت
استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم و اتوب اليه كويد
و ده بار صلوات بر پيغمبر و آل او فرستد و بعد از ان شروع در دعا كند

بسم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله باسمه المبتدا رب الآخرة والاولى
الذي لا غاية له ولا منتهى رب الارض و
السموات العلى الرحمن على العرش استوى
له ما في السموات وما في الارض وما بينهما
وما تحت الثرى وان تجهر بالقول فانه يعلم
السر واخفى الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنى
الله العظيم الآلاء دائم النعماء قاهر على
الاعداء الرحمن العاطف على خلقه قادر
برزقه معروف بلطفه عادل في حكمه عالم

في ملكه الرحمن الرحيم رحيم الرحماء عظيم
العظماء عالم العلماء بصير البصراء
غفور الغفراء باعث الانبياء صاحب
الاولياء سبحانه قادر على ما يشاء
سبحان الله الملك القدير الواحد الحميد
ذي العرش المجيد الفعال لما يريد رب
الارباب ومفتح الابواب ومسبب الاسباب
وسابق الاسباق ورازق الارزاق وخالق
الاخلاق وقادر المقدور وقاهر المقهور
وعادل في يوم الحشر والنشور جامع ليوم القيمة

غفور حليم شكور والحمد لله رب العالمين
الحمد لله الصانع القدير خالق العرش العظيم
والسموات والارضين وهو السميع العليم
قابل التوبة والحمد لله الملك الرحيم الشكور
العليم الغفور الرحيم والحمد لله العظيم
هو الاول والاخر والظاهر والباطن
الفتاح الدائم رزاق الخلائق والوحوش
والبهائم صاحب العطايا ومانع البلايا
ويشفي السقيم ويغفر للخاطئين ويعفو
عن الهاربين ويحب الصالحين ويرحم النادمين

ويبشر المؤمنين ويستر على المذنبين
ويؤمن الخائفين سبحانك يا لا اله الا انت
الكريم المعبود في كل مكان
غافر الخطايا وستار العيوب غفور
رحيم شكور عليم عالم بالحدود
ومنبت الزروع والاشجار ومدبر الليل
والنهار وخالق الحبوب غني عن
الخلائق قاسم الارزاق عالم الغيوب
مذهب الهموم الهي انت الذي سجد
لك سواد الليل وضوء النهار ونور القمر

وشعاع الشمس وحفيف الشجر ودوي الماء
الهي انت الذي سجد لك السماء والارض
والبر والبحر ومن فيهن الهي انت الذي ليس
كمثله شيء وانت على كل شيء قدير
وانت على ذلك شهيد الهي انت الذي
تعلم السر والاعلان وما تخفي الصدور
وما في القلوب الهي انت الذي كل شيء
خلقته ويصرفوا اليك المنسوب يوم النشور
الهي انت الذي تغفر للعاصي بعد ان يغرق
في الذنوب اليك بالمنسوب اغفر لي خطيئتي

يا رب واقض حاجتي كما قلت ادعوني استجب

لكم وانت بوعدك وهو مليّ مصدّق

نجني من الغم والهم يا غياث كل مكروب

ومظلوم الهي انت الذي قلت لا تقنطوا

من رحمة الله وانت بقولك صادق ليس

بمكذوب وانت حافظ كل محفوظ

الهي احفظني من ورائي ومن آفات الدنيا

وعذاب الآخرة وهول يوم الجحود ولا تفضحني يا

سيدي على رؤوس الخلائق في اليوم الموعود

الله اكبر الله اكبر الله اكبر

لا ضد له

لا ضد له ولا ند له ولا نظير له ولا وصف له

ولا شبه له ولا كفو له ولا احد له ولا

حد ولد له ولا شريك له في الملك ولا وزير له

في العدل اسألك يا عزيز يا عزيز يا عزيز

يا الله يا الله يا الله يا رحمن يا رحمن يا رحمن

يا رحيم يا رحيم يا رحيم ان تريني في المنامي

ما رجوت منك وان تكرمني بمغفرة

خطيئتي انك على ما تشاء قدير وترزقني

حفظ العلم والقرآن وتخلطهما بدمي

ولحمي ولا تكلني الى نفسي طرفة عيني

إنك ما تشاء على كل شيء قدير ولا حول
ولا قوة إلا بالله العلي العظيم يا حنان
يا منان يا ديان يا سبحان يا غفران يا برهان
يا سلطان يا ذو الجلال والإكرام
أشهد أن كل معبود من دون عرشك
إلى قرار أرضك باطل غير وجهك
الكريم القديم المعبود آمنت بك
واستغيث بك بحق لا إله إلا أنت و
وصيت بك يا غياث المستغيثين أغثني
يا رب واصرف عني كل سوء ومكروه

في الدنيا

في الدنيا والآخرة وانصرني على جميع خلقك
وارزقني ووسع علي رزقي وأغنني
لا إله إلا أنت اللهم أغنني بحلالك
عن حرامك وبطاعتك عن معصيتك
وبفضلك عمن سواك إلهي خلقتني ولم
أك شيئا وظلمت نفسي وركبت المعاصي
مقرا بذنوبي يا رب وإن أغفرتني لا ينقص
في ملكك شيء فلا ينقص في سلطانك
شيء وإن عذبتني يا رب إنك تجد من تعذب
غيري وأنا لا أجد من يغفر لي ذنوبي غيرك

فاغفر لي يا غفور يا رحيم يا ربّ نجّني من
سخطك وفرّج عنّي همّي وغمّي واصرف عنّي شرّ
جميع خلقك يا ذا الجلال والاكرام

هر کرا غمی وهمی و کاری پیش آید سه روز روزه گیرد
و بعد از آن این حرز هفت حصار را بعد از نماز عشا بدل فارغ
و یقین صادق بخواند یا با خود دارد حاجت او روا شود
و بروایتی دیگر هفت روز روزه دارد و صدقه بدهد و هر روز
یک حصار بخواند ابتدا از حصار اول روز جمعه نماید و این حرز را خاصیت بسیار است

بسم الله الرحمن الرحيم

واذا قرأت القرآن جعلنا بينك وبين الذين
لا يؤمنون بالآخرة حجابا مستورا وجعلنا
من بين ايديهم سدًّا ومن خلفهم سدًّا
فاغشيناهم فهم لا يبصرون وجعلنا
على قلوبهم اكنّة ان يفقهوه وفي
آذانهم وقرا فالله خير حافظا وهو ارحم
الراحمين ان ينصركم الله فلا غالب لكم
وان يخذلكم فمن ذا الذي ينصركم
من بعده وعلى الله فليتوكّل المؤمنون

قل كل متربص فتربصوا فستعلمون
من اصحاب الصراط السوي ومن اهتدى
يا ايها الذين امنوا لا تاكلوا الربوا اضعافا
مضاعفة واتقوا الله لعلكم تفلحون
وبالحق انزلناه وبالحق نزل وما ارسلناك
الا مبشرا ونذيرا سنلقي في قلوب الذين
كفروا الرعب بما اشركوا بالله ما لم ينزل
به سلطانا يا ذا المن ولا يمن عليك
يا ذا الطول لا اله الا انت اسئلك العفو
والعافية والمعافات في الدين والدنيا

والاخرة اللهم ربنا اتنا في الدنيا حسنة
وفي الاخرة حسنة وقنا عذاب النار يا
فارج الهم ويا كاشف الغم فرج همي واكشف
غمي واهلك عدوي اياك نعبد واياك
نستعين برحمتك يا ارحم الراحمين

بسم الله الرحمن الرحيم

ربنا انك من تدخل النار فقد اخزيته وما
للظالمين من انصار هنالك ابتلي المؤمنون
وهنالك تبلو كل نفس ما اسلفت وردوا الى الله

مولیهم الحق وضل عنهم ما كانوا يفترون يكاد
البرق يخطف ابصارهم كلما اضاء لهم
مشوا فيه واذا اظلم عليهم قاموا ولو شاء الله
لذهب بسمعهم وابصارهم ان الله على كل شيء
قدير صم بكم عمي فهم لا يرجعون و
جعلنا من بين ايديهم سدا ومن خلفهم
سدا فاغشيناهم فهم لا يبصرون وكان
حقا علينا نصر المؤمنين فسيكفيكهم الله
وهو السميع العليم فاذا عزمت فتوكل
على الله ان الله يحب المتوكلين يا الله

يا ولي الله

يا ولي الله يا رباه يا ملجاه ويا مستغاثاه ويا غاية
رغبتاه اسئلك بكرمك الى كرمك
وبفضلك وبجودك الى جودك وباحسانك
الى احسانك قل بفضل الله وبرحمته
فبذلك فليفرحوا هو خير مما يجمعون
يا رب اني مغلوب فانتصر وقال هذا
فراق بيني وبينك سانبئك بتاويل ما لم تستطع
عليه صبرا اللهم يا حافظي يا ناصري
يا معيني في جميع الاحوال والاشغال
اللهم ربنا اتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة

حسنة وقنا عذاب النار اللهم يا فارج الهم
ويا كاشف الغم برحمتك يا ارحم الراحمين

حصار سیم

بسم الله الرحمن الرحيم
وقل جاء الحق وزهق الباطل كان زهوقا
وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة
للمؤمنين ولا يزيد الظالمين الا خسارا
او كظلمات في بحر لجي يغشاه موج من فوقه
سحاب ظلمات بعضها فوق بعض اذا
اخرج يده لم يكد يراها ومن لم يجعل الله

ان الباطل
موج من فوقه

نورا

نورا فما له من نور يا ايها الناس اتقوا ربكم
ان زلزلة الساعة شيء عظيم لا يذوقون
فيها بردا ولا شرابا الا حميما وغساقا جزاء
وفاقا في سموم وحميم وظل من يحموم
لا بارد ولا كريم كم من فئة قليلة
غلبت فئة كثيرة باذن الله والله مع
الصابرين ربنا افرغ علينا صبرا وثبت
اقدامنا وانصرنا على القوم الكافرين
فهزموهم باذن الله وقتل داود جالوت
وآتاه الله الملك والحكمة وعلمه مما

يشاء ولولا دفع الله الناس بعضهم ببعض
لفسدت الارض ولكن الله ذو فضل
على العالمين امنت بالله لا اله الا الله محمد
رسول الله حسبنا الله ونعم الوكيل اللهم
اتنا في الدنيا حسنة وفي الاخرة
حسنة اللهم يا فارج الهم ويا كاشف الغم
فرج همي واكشف غمي واهلك عدوي

حصار برحمتك يا ارحم الراحمين چهارم

بسم الله الرحمن الرحيم
قل لن يصيبنا الا ما كتب الله لنا هو مولينا

وعلى الله فليتوكل المؤمنون اينما
تكونوا يدرككم الموت ولو كنتم في بروج
مشيدة وما كان لنفس ان تموت الا باذن الله
كتابا موجلا قل كونوا حجارة او حديدا
او خلقا مما يكبر في صدوركم فسيقولون
من يعيدنا قل الذي فطركم اول مرة
فسينغضون اليك رؤسهم ويقولون متى
هو قل عسى ان يكون قريبا مرج البحرين
يلتقيان بينهما برزخ لا يبغيان فبأي
الاء ربكما تكذبان اللهم انك تعلم

بقضائي

سري وعلانيتي وتعلم ولا أعلم بقضائك
وتقديرك فإني أسير بحلمك وأنت
أعلم بأحوال العباد وأفعالهم وحركاتهم
وسكناتهم في الليالي والأيام لا إله إلا
أنت سبحانك إني كنت من الظالمين
فاستجبنا له ونجيناه من الغم وكذلك
ننجي المؤمنين فالله خير حافظا وهو أرحم
الراحمين وأقرب نصيرا وأوضح دليلا
أغثني من الأعداء اللهم ربنا آتنا في الدين
والدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة اللهم



يا فارج الهم ويا كاشف الغم برحمتك يا أرحم الراحمين

حصار نجم

بسم الله الرحمن الرحيم
رب قد آتيتني من الملك وعلمتني من تأويل
الأحاديث فاطر السموات والأرض
أنت وليي في الدنيا والآخرة توفني
مسلما وألحقني بالصالحين قل اللهم
مالك الملك تؤتي الملك من تشاء وتنزع
الملك ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل
من تشاء بيدك الخير إنك على كل شيء قدير

تولج الليل في النهار وتولج النهار في الليل
وتخرج الحي من الميت وتخرج الميت من الحي
وترزق من تشاء بغير حساب ولا حول
ولا قوة الا بالله العلي العظيم ولا حيلة
ولا اختيار الا و لا ملجاء الا بك عليك توكلت
انت خالق الخلق ورازقهم ومدبرهم
ومحولهم من حال الى حال احول بك اللهم
انصرنا ولا تخذلنا وارحمنا ولا تهلكنا
وانت رجاءنا ومن متحملنا بالله بحق
اياك نعبد واياك نستعين يا نعم المولى

ونعم

ونعم النصير اللهم ربنا اتنا في الدين والدنيا
حسنة وفي الاخرة حسنة اللهم يا فارج الهم
ويا كاشف الغم برحمتك يا ارحم الراحمين

حصار ششم

بسم الله الرحمن الرحيم
ان الله بالناس لرؤف رحيم ولولا فضل الله
عليكم ورحمته لكنتم من الخاسرين ان الله
عنده علم الساعة وينزل الغيث ويعلم
ما في الارحام وما تدري نفس ماذا تكسب
غدا وما تدري نفس باي ارض تموت ان الله

عليم خبير ان في خلق السموات والارض
واختلاف الليل والنهار لايات لاولي
الالباب الذين يذكرون الله قياما
وقعودا وعلى جنوبهم قل ان الموت
الذي تفرون منه فانه ملاقيكم ثم
تردون الى عالم الغيب والشهادة فينبئكم
بما كنتم تعملون وهو القاهر فوق عباده
وهو الحكيم الخبير اللهم رافع الدرجات
وقابل الحسنات ومانع البليات ويا
كاشف الكربات ويا مجيب الدعوات

الكربات



ويا سامع الاصوات اصرف عني وعن جميع
المسلمين والمسلمات الكربات والبليات
واحفظهم وارزقهم ولنا من الحادثات
والواقعات اللهم ربنا اتنا في الدنيا
حسنة وفي الاخرة حسنة وقنا عذاب
النار اللهم يا فارج الهم ويا كاشف الغم
فرج همي واكشف غمي واهلك عدوي برحمتك

حصار يا ارحم الراحمين هفتم

بسم الله الرحمن الرحيم
قلنا يا نار كوني بردا وسلاما على ابراهيم

الكربات

وارادوا به كيدا فجعلناهم الاخسرين
ونجيناه ولوطا الى الارض التي باركنا
فيها وكنا للعالمين ثم ننجي الذين اتقوا
ونذر الظالمين فيها جثيا ولما جاء امرنا
نجينا شعيبا والذين امنوا معه برحمة منا
ونجيناهم ولوطا الى الارض التي باركنا
فيها للعالمين ونجيناه من القرية التي
كانت تعمل الخبائث والله غالب على امره
ولكن اكثر الناس لا يعلمون
ربنا افتح بيننا وبين قومنا بالحق وانت

خير الفاتحين انهم لهم المنصورون
وان جندنا لهم الغالبون [illegible]
المستغيثين اللهم يا حبيب التوابين
اللهم يا انيس المستوحشين اللهم يا رجاء
المؤمنين اللهم يا ناصر المضطرين
يا شاهدا غير غائب اللهم يا غالبا غير
مغلوب اللهم يا ساتر المعيوبين اجعل لي
من امري فرجا ومخرجا للعافية اللهم
ربنا اتنا في الدنيا حسنة وفي الاخرة
حسنة اللهم يا فارج الهم ويا كاشف الغم فرج

همّی واکشف غمّی واهلک عدوّی برحمتک یا ارحم الراحمین

آنچه سزاوار است که در عقب هر نماز خواندن شود

لا اله الا الله الهاً واحداً ونحن له مسلمون
لا اله الا الله الهاً واحداً ونحن له مخلصون
لا اله الا الله الهاً واحداً ونحن له عابدون
لا اله الا الله ولا نعبد الا ایاه مخلصین
له الدین ولو کره المشرکون لا اله
الا الله ربنا ورب آبائنا الاولین
لا اله الا الله وحده وحده انجز وعده وصدق
عبده ونصر عبده واعز جنده وهزم

الاحزاب وحده فله الملک وله الحمد یحیی
ویمیت ویمیت ویحیی وهو حی لا یموت
بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر
و بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو
الحی القیوم واتوب الیه ثلث مرات ویقول
اللهم اهدنی من عندک وافض علی
من فضلک وانشر علی من رحمتک و
انزل علی من برکاتک سبحانک لا اله الا
انت اغفر لی ذنوبی کلها جمیعاً فانه
لا یغفر الذنوب کلها جمیعاً الا انت

اللهم إني أسئلك من كل خير
أحاط به علمك وأعوذ بك من كل
شر أحاط به علمك اللهم إني أسئلك عافيتك
في أموري كلها وأعوذ بك من خزي
الدنيا وعذاب الآخرة وأعوذ بوجهك
الكريم وعزتك التي لا ترام وقدرتك
التي لا يمتنع منها شيء من شر الدنيا والآخرة
ومن شر الأوجاع كلها ومن شر كل دابة
أنت آخذ بناصيتها إن ربي على صراط
مستقيم ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم

توكلت

توكلت على الحي الذي لا يموت والحمد لله الذي
لم يتخذ صاحبة ولا ولدا ولم يكن له
شريك في الملك ولم يكن له ولي من
الذل وكبره تكبيرا بعد از آن تسبيح فاطمه زهرا عليها السلام
بگويد وبعد از آن بگويد كه لا إله إلا الله إن الله وملائكته
يصلون على النبي يا أيها الذين آمنوا
صلوا عليه وسلموا تسليما لبيك اللهم
لبيك وسعديك اللهم صل على محمد
وآل محمد وعلى أهل بيت محمد وذرية محمد
عليه وعليهم السلام ورحمة الله وبركاته

واشهد ان التسليم منا لهم والايتمام
بهم والتصديق لهم ربنا امنا بك
وصدقنا رسولك وال الرسول فاكتبنا
مع الشاهدين اللهم انى اسئلك ان
تصلى على محمد وال محمد واسئلك من خير
ما ارجوا واعوذ بك من شر ما احذر ومن شر
ما لا احذر بعد ازان اية الكرسى بخواند
وبعد ازان بگويد شهد الله انه لا اله الا هو
والملائكة واولوا العلم قائما بالقسط
لا اله الا هو العزيز الحكيم ان الدين

عند الله

عند الله الاسلام آية الملك قل اللهم مالك الملك
تؤتى الملك من تشاء وتنزع الملك ممن
تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء
بيدك الخير انك على كل شئ قدير تولج
الليل فى النهار وتولج النهار فى الليل
وتخرج الحى من الميت وتخرج الميت من الحى
وترزق من تشاء بغير حساب آية السخرة
ان ربكم الله الذى خلق السموات
والارض فى ستة ايام ثم استوى على
العرش يغشى الليل النهار يطلبه حثيثا

وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِاَمْرِهِ

اَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْاَمْرُ تَبَارَكَ اللهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ

اُدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً اِنَّهُ

لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْاَرْضِ

بَعْدَ اِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا

اِنَّ رَحْمَةَ اللهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ وسه مرتبه بگويد

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ

وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وسه مرتبه بگويد اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

وَاجْعَلْ لِي مِنْ اَمْرِي فَرَجًا وَمَخْرَجًا وَارْزُقْنِي



مِنْ حَيْثُ اَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لَا اَحْتَسِبُ

يَا رَبِّ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وسه مرتبه بگويد اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ وَاَعْتِقْ رَقَبَتِي

مِنَ النَّارِ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وچهل مرتبه بگويد

سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَكْبَرُ

وبگويد يَا اَسْمَعَ السَّامِعِينَ وَيَا اَبْصَرَ النَّاظِرِينَ

وَيَا اَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَيَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

وَيَا اَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ وَيَا صَرِيخَ الْمَكْرُوبِينَ

وَيَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ اَنْتَ اللهُ

لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ وَاَنْتَ اللهُ

لا اله الا انت العلي العظيم وانت الله
لا اله الا انت الرحمن الرحيم وانت الله
لا اله الا انت مالك يوم الدين وانت الله
لا اله الا انت منك بدو الخلق واليك يعود وانت الله
لا اله الا انت خالق الجنة والنار وانت الله
لا اله الا انت لم تزل ولا تزال وانت الله
لا اله الا انت مالك الخير والشر وانت الله
لا اله الا انت واحد الاحد الصمد لم تلد ولم
تولد ولم يكن لك كفوا احد وانت الله
لا اله الا انت عالم الغيب والشهادة الرحمن الرحيم

وانت الله لا اله الا انت الملك القدوس
السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر
سبحان الله عما يشركون وانت الله لا اله
الا انت الخالق البارئ المصور لك
الاسماء الحسنى يسبح لك ما في السموات
والارض وانت الله لا اله الا انت العزيز
الحكيم وانت الله لا اله الا انت الكبير
المتعال والكبرياء رداؤك اللهم صل على
محمد وال محمد واغفر لي مغفرة عزما جزما لا
تغادر لي ذنبا ولا ارتكب بعدها محرما

وعافني معافاة لا تبتليني بعدها ابدا واهدني
هدى لا اضل بعده ابدا وعلمني ما ينفعني
وانفعني بما علمتني واجعله حجة لي لا علي يا الله
يا رحمن يا رحيم وارزقني من فضلك صبا
صبا كفافا ورضني به يا رباه وتب
علي يا الله يا رحمن يا رحيم صل على محمد وال
محمد واجرني من النار ذات السعير وابسط لي
في سعة رزقك علي واهدني بهداك واغنني
بغناك وارضني بقضائك واجعلني من اوليائك
المخلصين وابلغ محمدا صلواتك عليه واله مني

تحية كثيرة وسلاما واهدني لما اختلف
فيه من الحق باذنك انك تهدي من تشاء
الى صراط مستقيم واعصمني من المعاصي
كلها ومن الشيطان الرجيم امين رب العالمين
و سه مرتبه بگوید اللهم صل على محمد وال محمد
واسألك خير الخير رضوانك والجنة واعوذ بك
من شر الشر سخطك والنار اللهم انت ثقتي
في كل كربة وانت رجائي في كل شديدة
وانت لي في كل امر نزل بي ثقة وعدة
فاغفر لي ذنوبي كلها واكشف همي وفرج غمي

واغنني بحلالك عن حرامك وبفضلك عمن
سواك وعافني في اموري كلها وعافني من
خزي الدنيا وعذاب الآخرة واعوذ بك من
شر السلطان والشيطان ومن شر فسقة الجن
والانس وفسقة العرب والعجم وركوب
المحارم كلها ومن نصب اولياء الله اجمعين
نفسي بالله من كل سوء عليه توكلت
وهو رب عظيم وسه مرتبه بگوید استودع العلي الاعلى
الجليل العظيم ديني ونفسي واهلي ومالي وولدي
واخواني المؤمنين وجميع ما رزقني ربي وجميع

من يعنيني امري استودع الله المرهوب المخوف
المتضعضع لعظمته كل شيء ديني ونفسي
واهلي ومالي وولدي واخواني المؤمنين
وجميع ما رزقني ربي وخواتيم عملي وجميع من
يعنيني امره وسه مرتبه بگوید اعيذ نفسي وديني
واهلي ومالي وولدي واخواني في ديني
وما رزقني ربي وخواتيم امري ومن يعنيني
امره بالله الواحد الاحد الصمد الذي لم يلد
ولم يولد ولم يكن له كفوا احد
وبرب الفلق من شر ما خلق ومن شر غاسق

اذا وقب ومن شر النفاثات في العقد ومن
شر حاسد اذا حسد و برب الناس ملك
الناس اله الناس من شر الوسواس الخناس
الذي يوسوس في صدور الناس من
الجنة والناس حسبي الله ربي الله لا اله الا
هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم
ما شاء الله كان وما لم يشأ لم يكن
اشهد واعلم ان الله على كل شيء قدير
وان الله قد احاط بكل شيء علما واحصى
كل شيء عددا اللهم اني اعوذ بك

من شر نفسي ومن شر كل دابة انت آخذ
بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم بعد از ان
دوازده مرتبه قل هو الله احد بخواند پس بگوید که اللهم
اني اسئلك باسمك المخزون المكنون الطاهر
الطهر المبارك واسئلك باسمك العظيم
وسلطانك القديم يا واهب العطايا ويا
مطلق الاسارى ويا فكاك الرقاب
من النار اسئلك ان تصلي على محمد وال محمد
وان تعتق رقبتي من النار وان تخرجني
من الدنيا سالما وادخلني الجنة آمنا

واجعل دعائي اوله فلاحا واوسطه نجاحا
وآخره صلاحا انك انت علام الغيوب
وبگوید که رضیت بالله ربا وبالاسلام دینا
وبمحمد نبیا وبالعلی اماما وبالحسن والحسین
وعلی ابن الحسین ومحمد ابن علی وجعفر بن محمد
وموسی ابن جعفر وعلی ابن موسی ومحمد بن علی
وعلی ابن محمد وحسن ابن علی ومحمد ابن الحسن
ائمة وسادة وقادة بهم اتولی ومن اعدائهم
اتبرء و دیگر بگوید که لا اله الا الله العلیم الحلیم
لا اله الا الله رب العرش الکریم والحمد لله رب العالمین

اللهم اني اسئلك موجبات رحمتك
وعزائم مغفرتك والغنيمة من كل بر
والسلامة من كل اثم والفوز بالجنة
والنجاة من النار برحمتك يا ارحم الراحمين
اللهم لا تدع لي ذنبا الا غفرته ولا هما الا
فرجته ولا سقما الا شفيته ولا عيبا الا
سترته ولا رزقا الا بسطته ولا خوفا الا
امنته ولا سوءا الا صرفته ولا بلاء الا رددته
ولا حاجة هي لك رضا ولي فيها صلاح
الا قضيتها برحمتك يا ارحم الراحمين

بعد از ان دو سجده شکر کند همچنانکه هر دو دست را تا مرفق بر زمین گذارد

و شکم را بر زمین بچسباند بخلاف سجده نماز و بگوید در هر سجده صد مرتبه

شکراً شکراً و اگر سه مرتبه شکراً لله بگوید کافیست

هذا الدعاء صباح امام زین العابدین علیه السلام

الحمد لله الذی خلق اللیل والنهار بقوته

ومیّز بینهما بقدرته وجعل لکل واحد

منهما حدّاً محدوداً وامداً ممدوداً یولج کل

واحد منهما فی صاحبه ویولج صاحبه

فیه بتقدیر منه للعباد فیما یغذوهم

به وینشئهم علیه فخلق لهم اللیل لیسکنوا

فیه

فیه من حرکات التعب ونهضات النصب و

جعله لباساً لیلبسوا من راحته و

منامه فیکون ذلک لهم جماماً وقوة

ولینالوا به لذة وشهوة وخلق لهم النهار

مبصراً لیبتغوا فیه من فضله ولیتسببوا

الی رزقه ویسرحوا فی ارضه طلباً لما فیه

نیل العاجل من دنیاهم ودرک الآجل

فی اخراهم بکل ذلک یصلح شانهم

ویبلوا اخبارهم وینظر کیف هم فی

اوقات طاعته ومنازل فروضه ومواقع

أحكامه ليجزي الذين أساؤا بما عملوا ويجزي
الذين أحسنوا بالحسنى اللهم فلك الحمد على
ما فلقت لنا من الإصباح ومتعتنا به من
ضوء النهار وبصرتنا من مطالب الأقوات
ووقيتنا فيه من طوارق الآفات أصبحنا
وأصبحت الأشياء بجملتها لك سماؤها
وأرضها وما بثثت في كل واحد منهما
ساكنه ومتحركه وشاخصه وما علا
في الهواء وما كن تحت الثرى أصبحنا في
قبضتك يحوينا ملكك وسلطانك وتضمنا

ومقيمه ح

مشيتك ونتصرف عن أمرك ونتقلب
في تدبيرك ليس لنا من الأمر إلا ما قضيت
ولا من الخير إلا ما أعطيت وهذا يوم
حادث جديد وهو علينا شاهد عتيد
إن أحسنا ودعنا بحمد وإن أسأنا فارقنا
بذم اللهم وارزقنا حسن مصاحبته
واعصمنا من سوء مفارقته بارتكاب
جريرة أو اقتراف صغيرة أو كبيرة وأجزل
لنا فيه الحسنات وأخلنا فيه من
السيئات واملأ لنا ما بين طرفيه حمدا

صل على محمد وآله ح

من ح

وشكرا واجرا وذخرا وفضلا واحسانا
اللهم يسر على الكرام الكاتبين
مؤونتنا واملأ لنا من حسناتنا صحائفنا
ولا تخزنا عندهم بسوء اعمالنا اللهم اجعل لنا
في كل ساعة من ساعاته حظا من
عبادك ونصيبا من شكرك وشاهد
صدق من ملائكتك اللهم صل على
محمد واله واحفظنا فيه من بين ايدينا
ومن خلفنا وعن ايماننا وعن شمائلنا
ومن جميع نواحينا حفظا عاصما من معصيتك

هاديا الى طاعتك مستعملا لمحبتك
اللهم صل على محمد واله ووفقنا في يومنا
هذا وليلتنا هذه وفي جميع ايامنا
ولياليناالاستعمال الخير وهجران الشر
وشكر النعم واتباع السنن ومجانبة
البدع والامر بالمعروف والنهي عن المنكر
وحياطة الاسلام وانتقاص الباطل
واذلاله ونصرة الحق واعزازه وارشاد
الضال ومعاونة الضعيف وادراك
اللهيف اللهم صل على محمد واله واجعله

ايمن يوم عهدناه وافضل صاحب صحبناه
وخير وقت ظللنا فيه واجعلنا من
ارضى من مر عليه الليل والنهار من
جملة خلقك واشكرهم لما اوليت من
نعمك واقومهم بما شرعت من شرايعك
واوقفهم عما حذرت من نهيك اللهم
اني اشهدك واشهد سماءك وارضك
ومن اسكنتهما من ملائكتك وساير
خلقك في يومي هذا وفي ساعتي هذه
وليلتي هذه ومستقري هذا اني اشهد

انك

انك انت الله الذي لا اله الا انت قائم بالقسط
عدل في الحكم رؤوف بالعباد
مالك الملك رحيم بالخلق وان محمدا
صلى الله عليه واله عبدك ورسولك
وخيرتك حملته رسالتك فاداها وامرته
بالنصح لامته فنصح لها اللهم فصل على محمد
واله اكثر ما صليت على احد من خلقك
واته عنا افضل ما اتيت احدا من خلقك
واجزه افضل واكرم ما جزيت احدا من
انبيائك عن امته انك انت المنان بالجسيم

من خلقك

الغافر للعظيم وانت ارحم من كل رحيم
فصل على محمد واله الطيبين الطاهرين الاخيار الانجبين

هذا الدعاء عديله

شهد الله انه لا اله الا هو والملائكة
واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو
العزيز الحكيم ان الدين عند الله الاسلام
وانا العبد الضعيف المذنب العاصي
المحتاج الفقير الحقير اشهد لمنعمي
وخالقي ورازقي ومكرمي كما شهد
لذاته وشهدت له الملائكة واولوا العلم

من عباده

من عباده بانه لا اله الا هو ذو النعم
والاحسان والكرم والامتنان
قادر ازلي عالم ابدي حي احدي موجود
سرمدي سميع بصير مريد كاره مدرك
يستحق هذه الصفات وهو على ما هو
عليه في عز صفاته كان قويا قبل وجود
القوة والقدرة وكان عليما قبل ايجاد
العلم والعلة لم يزل سلطانا اذ لا مملكة
ولا مال ولم يزل سبحانا على جميع الاحوال
وجوده قبل القبل في ازل الازال وبقاؤه

صمدي

بعد البعد من غیر انتقال ولا زوال الغنی
فی الاول والاخر مستغن فی الظاهر و
الباطن لا جور فی قضیته ولا میل فی
مشیته ولا ظلم فی تقدیره ولا مهرب من
حکومته ولا ملجاء من سطواته ولا
منجا من نقماته سبقت رحمته غضبه
ولا یفوته احد اذا طلبه ازاح العلل
فی التکلیف وسوی التوفیق بین الضعیف
والشریف ومکن اداء المامور وسهل
سبیل اجتناب المحظور لم یکلف الطاعة

الا بقدر دون الوسع والطاقة سبحانه
ما ابین کرمه واعلی شانه سبحانه ما
اجل نیله واعظم احسانه بعث الانبیاء
لیبین عدله ونصب الاوصیاء لیظهر
طوله وفضله وجعلنا من امة سید
الانبیاء وخیر الاولیاء وافضل الاوصیاء
واعلی الازکیاء محمد صلی الله علیه واله
امنا به وبما دعانا الیه وبالقران الذی
انزله علیه وبوصیه الذی نصبه
یوم الغدیر واشار بقوله هذا علی الیه

اشهد ان الائمة الابرار والخلفاء الاخيار
بعد النبي المختار وعلي قامع الكفار
من بعده سيد اولاده الحسن بن علي
ثم اخوه السبط التابع لمرضات الله الحسين
بن علي ثم العابد علي ثم الباقر محمد ثم
الصادق جعفر ثم الكاظم موسى
ثم الرضا علي ثم التقي محمد ثم النقي علي
ثم الزكي العسكري الحسن ثم الحجة
الخلف المنتظر المهدي المرجى الذي ببقائه
بقيت الدنيا وبيمنه رزق الورى وبوجوده

ثبتت الارض والسماء وبه يملأ الله الارض
والسماء وبه يملأ الله الارض قسطا وعدلا
كما ملئت ظلما وجورا اشهد ان اقوالهم
حجة وامتثالهم فريضة وطاعتهم مفروضة
ومودتهم لازمة مقضية والاقتداء
بهم منجية ومخالفتهم مردية وهم سادات
اهل الجنة وشفعاء يوم الدين وائمة
اهل الارض على اليقين وافضل الاوصياء
المرضيين اشهد ان الموت حق ومسئلة
منكر ونكير في القبر حق والنشور حق

والحساب حق والكتاب حق والجنة حق
والنار حق وان الساعة اتية لا ريب فيها
وان الله يبعث من في القبور واليه النشور
اللهم فضلك رجائي وكرمك ورحمتك
وعفوك املي لا عمل لي استحق به الجنة
ولا طاعة لي استوجب بها الرضوان الا
اني اعتقدت توحيدك وعدلك وارتجيت
احسانك وفضلك وتشفعت اليك بالنبي
واله من احبتك وانت اكرم الاكرمين وارحم
الراحمين وصلى الله على محمد واله اجمعين

هذا الدعاء جامع امير المؤمنين عليه السلام

اللهم انك حي لا تموت وصادق لا تكذب
وقاهر لا تقهر وبدئ لا تنفد وقريب لا تبعد
وقادر لا تضاد وغافر لا تظلم وصمد لا تطعم
وقيوم لا تنام ومجيب لا تسام وجبار
لا تعان وعظيم لا ترام وعالم لا تعلم وقوي
لا تضعف وحليم لا تجهل وجليل لا توصف
ووفي لا تخلف وعادل لا تحيف وغني لا
تفتقر وكبير لا تغادل وحكيم لا تجور
ووكيل لا تخيف وفرد لا تستشير ووهاب

لا تمل وعزيز لا يستذل وسميع لا تذهل
وجواد لا تبخل وحافظ لا تغفل وقايم لا
تسهو ودايم لا تفنى ومحتجب لا ترى وباق
لا تبلى وواحد لا تشبه ومقتدر لا تنازع
يا كريم الجواد المتكرم يا ظاهر يا قاهر
انت القادر المقتدر يا عزيز المتعزز يا
من ينادى من كل فج عميق بالسنة
شتى ولغات مختلفة وحوايج متتابعة
لا يشغلك شئ عن شئ انت الذى لا
تفنيك الدهور ولا تحيط بك الامكنة

ولا تأخذك سنة ولا نوم صل على محمد وآل
محمد ويسر لى ما اخاف عسره وفرج عنى كربه
وسهل لى ما اخاف حزونته سبحانك
لا اله الا انت انى كنت من الظالمين

هذا الدعاء سدرة المنتهى

بسم الله الرحمن الرحيم
يا الله يا الله يا الله يا رحمن يا رحمن يا رحمن
يا الله يا الله يا الله يا لا اله الا انت يا رحيم
يا رحيم يا رحيم يا الله يا الله يا الله يا رحمن
يا رحمن يا رحمن يا رحيم يا رحيم يا رحيم

يا لا اله الا انت اللهم اني اسئلك
بحق يا الله الرحمن الرحيم يا الله الملك
القدوس يا الله السلام المؤمن المهيمن
العزيز الجبار يا الله الخالق البارى يا الله
يا الله المصور الغفار يا الله القهار
التواب يا الله الرزاق الوهاب يا الله
الفتاح العليم يا الله القابض الباسط
يا الله الخافض الرافع يا الله المعز المذل
يا الله السميع البصير يا الله الحكيم
العدل يا الله اللطيف الخبير يا الله الحليم



العظيم يا الله الغفور الشكور
يا الله العلي الكبير يا الله الحفيظ
المقيت يا الله الحسيب الجليل يا الله
الكريم الرقيب يا الله الواسع الحكيم
يا الله الودود المجيد يا الله الباعث
الوارث يا الله الحي القيوم يا الله
سيد السادات يا الله مجيب الدعوات
يا الله رفيع الدرجات يا الله ولي الحسنات
يا الله عظيم البركات يا الله غافر الذنب
والسيئات يا الله معطي المسئولات

يا الله سبحانك يا لا اله الا انت احفظنا
من آفات الدنيا والآخرة واقض حاجاتنا
يا الله يا الله يا الله خير الغافرين يا الله خير
الناصرين يا الله خير الحاكمين يا الله خير
الفاتحين يا الله خير الوارثين يا الله خير
العالمين يا الله خير المنزلين يا الله خير
المحسنين يا الله خير الرازقين يا الله اسرع
الحاسبين يا الله اشفع الشافعين
يا الله اسمع السامعين يا الله يا الله يا الله
سبحانك يا لا اله الا انت خلصنا

من آفات الدنيا والآخرة يا الله سبحانك
يا لا اله الا انت يا الله يا ذا الرأفة
الواسعة يا الله ذا المنة السابقة
يا الله ذا الحكمة البالغة يا الله
ذا القوة الدائمة يا الله ذا القدرة الكاملة
يا الله ذا الحجة الناطقة يا الله ذا الكرامة
الظاهرة يا الله ذا الصفة العالية
يا الله ذا العزة الدائمة يا الله ذا القوة
المتينة يا الله سبحانك يا لا اله الا انت
احفظنا من آفات الدنيا والآخرة يا الله

راحم العبرات يا الله ضاعف الحسنات
يا الله شديد النقمات يا الله سبحانك
يا لا اله الا انت يا الله يا صانع كل مصنوع
يا الله يا مالك كل مملوك يا الله
يا خالق كل مخلوق يا الله يا رازق
كل مرزوق يا الله يا كاشف كل مكروب
يا الله يا الله يا رب يا رب يا رب
يا ربي ورجائي يا حي يا حي يا حي يا قيوم
يا قيوم يا قيوم يا الله يا فارج كل
مغموم يا الله يا راحم كل مرحوم

يا الله يا ناصر كل مغلوب يا الله يا ساتر
كل معيوب يا الله يا ملجأ كل مطرود
يا الله سبحانك يا لا اله الا انت يا ربي
يا عدتي عند شدتي يا رجائي عند
مصيبتي يا مونسي عند وحشتي يا ناجي
عند غربتي يا فرجي عند كربتي يا غاثي
عند منيتي يا وليي عند نعمتي يا دليلي
عند حيرتي يا غياثي عند افتقاري
سبحانك يا لا اله الا انت يا الله يا الله
يا الله يا رحمن يا رحمن يا رحمن يا رحيم

يا رحيم يا رحيم يا عزيز يا عزيز يا عزيز
يا عزيزا لا يضام يا لطيفا لا يرام يا قيوما
لا ينام يا دائما لا يفوت يا حيا لا يموت
يا باقيا لا يفنى يا عالما لا يجهل يا قويا
لا يضعف يا رب البيت الحرام يا رب
الشهر الحرام يا رب المسجد الحرام يا رب
النور والظلام يا رب الركن والمقام
يا رب التحية والسلام يا الله هو احد
بلا ضد يا الله هو فرد بلا ند يا الله هو
صمد بلا عيب يا الله هو وتر بلا كيف

يا الله هو موصوف بلا شبيه يا الله
هو رب بلا وزير يا الله هو عزيز بلا ذل
يا الله هو غني بلا فقر يا الله هو مليك
بلا عزل يا الله هو موجود بلا مثل
يا الله يا الله يا الله سبحانك يا لا اله الا
انت سبحانك اني كنت من الظالمين
سبحانك اللهم وبحمدك وتبارك اسمك
وتعالى جدك وجل ثناؤك ولا اله
غيرك اغفر لي ذنوبي واغفر ذنوب جميع
المسلمين والمسلمات واقض حاجتي

مع حوائج المسلمين اجمعين يا ارحم الراحمين
وصلى الله على نبينا محمد وآله الطيبين
الطاهرين وجعلنا من الفائزين الراجين
وجعلنا من المتطهرين وجعلنا من
الذين لا خوف عليهم ولا هم يحزنون

چون این دعا را بخواند برخیزد و دو رکعت نماز بگذارد
در هر رکعت الحمد لله یکبار و قل هو الله احد بیست و پنج بار
بخواند و چون از نماز فارغ شود سر بسجده نهد و بیست
و پنج بار بگوید یا فریاد رس فریاد رس یا قاضی الحاجات
حاجات من روا کن پیغمبر علیه السلام گفت بدرستی خدای

که مرا براستی بخلق فرستاده که هر آن بنده که این دعا را با اخلاص
و نیاز بخواند و این دو رکعت نماز بگذارد و سر بسجده نهد و این
کلمات بگوید در ساعت [illegible]

هذا الدعاء صلوات کبیر

بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم صل على محمد سيد المرسلين
اللهم صل على محمد سيد المهيمين
اللهم صل على محمد سيد الموحدين
اللهم صل على محمد سيد المؤمنين
اللهم صل على محمد سيد المسلمين

اللهم صل على محمد سيد المفلحين

اللهم صل على محمد سيد المصلحين

اللهم صل على محمد سيد المنفقين

اللهم صل على محمد سيد المشفقين

اللهم صل على محمد سيد المرفقين

اللهم صل على محمد سيد المنذرين

اللهم صل على محمد سيد المطهرين

اللهم صل على محمد سيد المخيرين

اللهم صل على محمد سيد المحسنين

اللهم صل على محمد سيد الممكنين

اللهم صل على محمد سيد الموقنين

اللهم صل على محمد سيد المرشدين

اللهم صل على محمد سيد المخبتين

اللهم صل على محمد سيد المقسطين

اللهم صل على محمد سيد المتقين

اللهم صل على محمد سيد المقبلين

اللهم صل على محمد سيد المنصفين

اللهم صل على محمد سيد المطيعين

اللهم صل على محمد سيد المريحين

اللهم صل على محمد سيد المريدين

اللهم صل على محمد سيد المقيمين

اللهم صل على محمد سيد المجيبين

اللهم صل على محمد سيد المنيبين

اللهم صل على محمد سيد المنجين

اللهم صل على محمد سيد المهتدين

اللهم صل على محمد سيد المرقين

اللهم صل على محمد سيد المطيبين

اللهم صل على محمد سيد المريدين

اللهم صل على محمد سيد المفرحين

اللهم صل على محمد سيد الموحدين

اللهم صل على محمد سيد المستجدين

اللهم صل على محمد سيد المبشرين

اللهم صل على محمد سيد المفسرين

اللهم صل على محمد سيد المقصرين

اللهم صل على محمد سيد المكبرين

اللهم صل على محمد سيد المذكرين

اللهم صل على محمد سيد المبصرين

اللهم صل على محمد سيد المطهرين

اللهم صل على محمد سيد المكبرين

اللهم صل على محمد سيد المعرضين

اللهم صل على محمد سيد المبلغين

اللهم صل على محمد سيد المؤلفين

اللهم صل على محمد سيد المعرفين

اللهم صل على محمد سيد المفرقين

اللهم صل على محمد سيد المصدقين

اللهم صل على محمد سيد المحللين

اللهم صل على محمد سيد المحرمين

اللهم صل على محمد سيد المهللين

اللهم صل على محمد سيد المعلمين

اللهم صل على محمد سيد المسلمين

اللهم صل على محمد سيد المعظمين

اللهم صل على محمد سيد المبينين

اللهم صل على محمد سيد المنبهين

اللهم صل على محمد سيد المحلّين

اللهم صل على محمد سيد المصلين

اللهم صل على محمد سيد المزكين

اللهم صل على محمد سيد الملبين

اللهم صل على محمد سيد المقربين

اللهم صل على محمد سيد المخبرين

اللهم صل على محمد سيد المقدسين

اللهم صل على محمد سيد المشفعين
اللهم صل على محمد سيد الموافقين
اللهم صل على محمد سيد المذكرين
اللهم صل على محمد سيد المجلين
اللهم صل على محمد سيد المصافحين
اللهم صل على محمد سيد الممادحين
اللهم صل على محمد سيد المجاهدين
اللهم صل على محمد سيد المشاهدين
اللهم صل على محمد سيد الصالحين
اللهم صل على محمد سيد الصافحين

اللهم صل على محمد سيد الفاتحين
اللهم صل على محمد سيد الناكحين
اللهم صل على محمد سيد الواضحين
اللهم صل على محمد سيد الراسخين
اللهم صل على محمد سيد الزاهدين
اللهم صل على محمد سيد الشاهدين
اللهم صل على محمد سيد الحامدين
اللهم صل على محمد سيد الراشدين
اللهم صل على محمد سيد الناسخين
اللهم صل على محمد سيد الزاهدين

اللهم صل على محمد سيد المجاهدين

اللهم صل على محمد سيد الزاهدين

اللهم صل على محمد سيد الحامدين

اللهم صل على محمد سيد المهاجرين

اللهم صل على محمد سيد المسافرين

اللهم صل على محمد سيد الحاضرين

اللهم صل على محمد سيد الغالبين

اللهم صل على محمد سيد الكاسبين

اللهم صل على محمد سيد الراغبين

اللهم صل على محمد سيد القانتين

اللهم صل على محمد سيد الوارثين

اللهم صل على محمد سيد السابحين

اللهم صل على محمد سيد العابدين

اللهم صل على محمد سيد السائحين

اللهم صل على محمد سيد الواحدين

اللهم صل على محمد سيد الواجدين

اللهم صل على محمد سيد الساجدين

اللهم صل على محمد سيد الراحمين

اللهم صل على محمد سيد الكريمين

اللهم صل على محمد سيد الكليمين

اللهم صل على محمد سيد النبيين

اللهم صل على محمد سيد الصديقين

اللهم صل على محمد سيد الزكيين

اللهم صل على محمد سيد الفرحين

اللهم صل على محمد سيد الطيبين

اللهم صل على محمد سيد المساكين

اللهم صل على محمد سيد الشجاعين

اللهم صل على محمد سيد التوابين

اللهم صل على محمد سيد الاولين

اللهم صل على محمد سيد السياحين

اللهم صل على محمد سيد القوامين

اللهم صل على محمد سيد الصوامين

اللهم صل على محمد سيد الحفيين

اللهم صل على محمد سيد الطالبين

اللهم صل على محمد سيد الحاسبين

اللهم صل على محمد سيد الخاطبين

اللهم صل على محمد سيد الراغبين

اللهم صل على محمد سيد الراقبين

اللهم صل على محمد سيد الراكبين

اللهم صل على محمد سيد العاقبين

اللهم صل على محمد سيد المبارزين

اللهم صل على محمد سيد الخالصين

اللهم صل على محمد سيد المرابطين

اللهم صل على محمد سيد الموافقين

اللهم صل على محمد سيد المقاتلين

اللهم صل على محمد سيد المناجين

اللهم صل على محمد سيد المناجرين

اللهم صل على محمد سيد المعافين

اللهم صل على محمد سيد المخاطبين

اللهم صل على محمد سيد المباركين

اللهم صل على محمد سيد المطيبين

اللهم صل على محمد سيد المتعبدين

اللهم صل على محمد سيد المتطهرين

اللهم صل على محمد سيد المتفكرين

اللهم صل على محمد سيد المتحيرين

اللهم صل على محمد سيد المتأخرين

اللهم صل على محمد سيد المتوسطين

اللهم صل على محمد سيد المتضرعين

اللهم صل على محمد سيد المتصدقين

اللهم صل على محمد سيد المتجملين

اللهم صل على محمد سيد المبتهلين

اللهم صل على محمد سيد المتقبلين

اللهم صل على محمد سيد المتوكلين

اللهم صل على محمد سيد المتعظمين

اللهم صل على محمد سيد المتصدقين

اللهم صل على محمد سيد المتعلمين

اللهم صل على محمد سيد المتقدمين

اللهم صل على محمد سيد المتبسمين

اللهم صل على محمد سيد المتوسمين

اللهم صل على محمد سيد المتكلمين

اللهم صل على محمد سيد المنتدبين

اللهم صل على محمد سيد المدثرين

اللهم صل على محمد سيد المزملين

اللهم صل على محمد سيد المتجملين

اللهم صل على محمد سيد المتفاخرين

اللهم صل على محمد سيد المتواضعين

اللهم صل على محمد سيد المتحابين

اللهم صل على محمد سيد المقترنين

اللهم صل على محمد سيد المحتسبين

اللهم صل على محمد سيد المجتهدين

اللهم صل على محمد سيد المقتصدين

اللهم صل على محمد سيد المقتبين

اللهم صل على محمد سيد المستمعين

اللهم صل على محمد سيد المتبعين

اللهم صل على محمد سيد المعتكفين

اللهم صل على محمد سيد المعتصمين

اللهم صل على محمد سيد المبتغين

اللهم صل على محمد سيد المتعالين

اللهم صل على محمد سيد المشتاقين

اللهم صل على محمد سيد المنتجبين

المختارين

اللهم صل على محمد سيد المختارين

اللهم صل على محمد سيد المجتبين

اللهم صل على محمد سيد المستجيبين

اللهم صل على محمد سيد المستغيثين

اللهم صل على محمد سيد المستشهدين

اللهم صل على محمد سيد المستغفرين

اللهم صل على محمد سيد المستظهرين

اللهم صل على محمد سيد المستبشرين

اللهم صل على محمد سيد المستقدمين

اللهم صل على محمد سيد المستعينين

اللهم صل على محمد سيد المستعدين

اللهم صل على محمد سيد المستشفعين

اللهم صل على محمد سيد المبرهنين

اللهم صل على محمد سيد المعطوفين

اللهم صل على محمد سيد الرؤفين

اللهم صل على محمد سيد الخطيئين

اللهم صل على محمد سيد الرقيبين

اللهم صل على محمد سيد القريبين

اللهم صل على محمد سيد الحبيبين

اللهم صل على محمد سيد الفصيحين

الصحيحين

اللهم صل على محمد سيد الصحيحين

اللهم صل على محمد سيد الشهيدين

اللهم صل على محمد سيد السعيدين

اللهم صل على محمد سيد المجيدين

اللهم صل على محمد سيد السديدين

اللهم صل على محمد سيد العميدين

اللهم صل على محمد سيد الرشيدين

اللهم صل على محمد سيد الفقيرين

اللهم صل على محمد سيد الكبيرين

اللهم صل على محمد سيد الاميرين

اللهم صل على محمد سيد العزيزين

اللهم صل على محمد سيد الحريصين

اللهم صل على محمد سيد الشفيعين

اللهم صل على محمد سيد الشريفين

اللهم صل على محمد سيد الحنيفين

اللهم صل على محمد سيد اللطيفين

اللهم صل على محمد سيد العميقين

اللهم صل على محمد سيد الجليلين

اللهم صل على محمد سيد الجميلين

اللهم صل على محمد سيد الخليلين

اللهم صل على محمد سيد السليمين

اللهم صل على محمد سيد الحليمين

اللهم صل على محمد سيد الحكيمين

اللهم صل على محمد سيد اليتيمين

اللهم صل على محمد سيد العليمين

اللهم صل على محمد سيد الناقدين

اللهم صل على محمد سيد الآمرين

اللهم صل على محمد سيد الحاشرين

اللهم صل على محمد سيد الزاجرين

اللهم صل على محمد سيد الصابرين

اللهم صل على محمد سيد القادرين

اللهم صل على محمد سيد الغابرين

اللهم صل على محمد سيد الوابرين

اللهم صل على محمد سيد الباكرين

اللهم صل على محمد سيد الذاكرين

اللهم صل على محمد سيد الشاكرين

اللهم صل على محمد سيد الحاضرين

اللهم صل على محمد سيد الناظرين

اللهم صل على محمد سيد الناصرين

اللهم صل على محمد سيد الطاهرين

اللهم صل على محمد سيد الطاهرين

اللهم صل على محمد سيد الآخرين

اللهم صل على محمد سيد الحاذرين

اللهم صل على محمد سيد الفارسين

اللهم صل على محمد سيد الضابطين

اللهم صل على محمد سيد الواسطين

اللهم صل على محمد سيد الحافظين

اللهم صل على محمد سيد الواعظين

اللهم صل على محمد سيد البارعين

اللهم صل على محمد سيد التابعين

اللهم صل على محمد سيد الخاشعين

اللهم صل على محمد سيد الخاضعين

اللهم صل على محمد سيد الراكعين

اللهم صل على محمد سيد الرافعين

اللهم صل على محمد سيد النافعين

اللهم صل على محمد سيد الشافعين

اللهم صل على محمد سيد الطالعين

اللهم صل على محمد سيد القامعين

اللهم صل على محمد سيد القانعين

اللهم صل على محمد سيد الشارعين

اللهم صل على محمد سيد الوازعين

اللهم صل على محمد سيد الراجعين

اللهم صل على محمد سيد الآلفين

اللهم صل على محمد سيد العارفين

اللهم صل على محمد سيد العاطفين

اللهم صل على محمد سيد العاكفين

اللهم صل على محمد سيد الواصفين

اللهم صل على محمد سيد الواقفين

اللهم صل على محمد سيد الرادفين

اللهم صل على محمد سيد الواثقين

اللّهمّ صلّ على محمّد سيّد النّاطقين

اللّهمّ صلّ على محمّد سيّد السّابقين

اللّهمّ صلّ على محمّد سيّد الصّادقين

اللّهمّ صلّ على محمّد سيّد العاشقين

اللّهمّ صلّ على محمّد سيّد الفارقين

اللّهمّ صلّ على محمّد سيّد السّالكين

اللّهمّ صلّ على محمّد سيّد الماسكين

اللّهمّ صلّ على محمّد سيّد النّاسكين

اللّهمّ صلّ على محمّد سيّد الباذلين

اللّهمّ صلّ على محمّد سيّد العاقلين

اللّهمّ صلّ على محمّد سيّد العاملين

اللّهمّ صلّ على محمّد سيّد العادلين

اللّهمّ صلّ على محمّد سيّد الفاضلين

اللّهمّ صلّ على محمّد سيّد الكاملين

اللّهمّ صلّ على محمّد سيّد النّاقلين

اللّهمّ صلّ على محمّد سيّد الواصلين

اللّهمّ صلّ على محمّد سيّد الحاكمين

اللّهمّ صلّ على محمّد سيّد السّائلين

اللّهمّ صلّ على محمّد سيّد العاملين

اللّهمّ صلّ على محمّد سيّد القائمين

اللهم صل على محمد سيد القاسمين
اللهم صل على محمد سيد الناعمين
اللهم صل على محمد سيد الراحمين
اللهم صل على محمد سيد الآمنين
اللهم صل على محمد سيد الباطنين
اللهم صل على محمد سيد الساكتين
اللهم صل على محمد سيد القارئين
اللهم صل على محمد سيد التائبين
اللهم صل على محمد سيد الغائبين
اللهم صل على محمد سيد الصابرين

اللهم صل على محمد سيد الجائعين
اللهم صل على محمد سيد الخائفين
اللهم صل على محمد سيد الطائفين
اللهم صل على محمد سيد القانعين
اللهم صل على محمد سيد السائلين
اللهم صل على محمد سيد القائلين
اللهم صل على محمد سيد الصائمين
اللهم صل على محمد سيد المانحين
اللهم صل على محمد سيد الراجين
اللهم صل على محمد سيد المادحين

اللهم صل على محمد سيد الهادين

اللهم صل على محمد سيد البارين

اللهم صل على محمد سيد الغازين

اللهم صل على محمد سيد الراضين

اللهم صل على محمد سيد الداعين

اللهم صل على محمد سيد العافين

اللهم صل على محمد سيد النادمين

اللهم صل على محمد سيد الأوتاد

اللهم صل على محمد سيد الزهاد

اللهم صل على محمد سيد العباد

اللهم صل على محمد سيد الأبرار

اللهم صل على محمد سيد الأخيار

اللهم صل على محمد سيد الأحبار

اللهم صل على محمد سيد الذاكر

اللهم صل على محمد سيد الطاهر

اللهم صل على محمد سيد البشير

اللهم صل على محمد سيد النذير

اللهم صل على محمد سيد المنير

اللهم صل على محمد سيد الغرباء

اللهم صل على محمد سيد الخطباء

اللهم صل على محمد سيد النقباء

اللهم صل على محمد سيد النجباء

اللهم صل على محمد سيد الصلحاء

اللهم صل على محمد سيد الفصحاء

اللهم صل على محمد سيد السعداء

اللهم صل على محمد سيد الفقراء

اللهم صل على محمد سيد الكبراء

اللهم صل على محمد سيد الرؤساء

اللهم صل على محمد سيد الشفعاء

اللهم صل على محمد سيد البلغاء

اللهم صل على محمد سيد الحنفاء

اللهم صل على محمد سيد الشرفاء

اللهم صل على محمد سيد الظرفاء

اللهم صل على محمد سيد العتقاء

اللهم صل على محمد سيد الفضلاء

اللهم صل على محمد سيد العلماء

اللهم صل على محمد سيد الحكماء

اللهم صل على محمد سيد الكرماء

اللهم صل على محمد سيد الرحماء

اللهم صل على محمد سيد الأمناء

اللهم صل على محمد سيد الفقهاء

اللهم صل على محمد سيد الاتقياء

اللهم صل على محمد سيد الاسخياء

اللهم صل على محمد سيد الاخلاء

اللهم صل على محمد سيد الاجلاء

اللهم صل على محمد سيد السامى

اللهم صل على محمد سيد المحبوبين

اللهم صل على محمد سيد المطلوبين

اللهم صل على محمد سيد المكتوبين

اللهم صل على محمد سيد المجذوبين

اللهم صل على محمد سيد المكرمين

اللهم صل على محمد سيد المبعوثين

اللهم صل على محمد سيد المحمودين

اللهم صل على محمد سيد المسعودين

اللهم صل على محمد سيد الموجودين

اللهم صل على محمد سيد المودودين

اللهم صل على محمد سيد المقصودين

اللهم صل على محمد سيد المولودين

اللهم صل على محمد سيد المسرورين

اللهم صل على محمد سيد المغفورين

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ سَیِّدِ الْمَشْکُورِینَ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ سَیِّدِ الْمَنْشُورِینَ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ سَیِّدِ الْمَحْرُوسِینَ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ سَیِّدِ الْمَحْفُوظِینَ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ سَیِّدِ الْمَأْلُوفِینَ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ سَیِّدِ الْمَخْلُوقِینَ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ سَیِّدِ الْمَعْشُوقِینَ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ سَیِّدِ الْمَرْزُوقِینَ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ سَیِّدِ الْمَسْبُوقِینَ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ سَیِّدِ الْمَشْغُولِینَ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ سَیِّدِ الْمَقْبُولِینَ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ سَیِّدِ الْمَسْئُولِینَ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ سَیِّدِ الْمَعْصُومِینَ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ سَیِّدِ الْمَظْلُومِینَ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ سَیِّدِ الْمَرْحُومِینَ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ سَیِّدِ الْمَحْزُونِینَ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ سَیِّدِ الْمَهْدِیِّینَ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ سَیِّدِ الْأَنْبِیَاءِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ سَیِّدِ الْأَوْلِیَاءِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ سَیِّدِ الْأَصْفِیَاءِ

اللهم صل على محمد سيد الشهداء

اللهم صل على محمد سيد الكونين

اللهم صل على محمد سيد القبلتين

اللهم صل على محمد سيد الخافقين

اللهم صل على محمد سيد الحسن والحسين

اللهم صل على محمد سيد الربانيين

اللهم صل على محمد سيد الروحانيين

اللهم صل على محمد سيد العالمين

اللهم صل على محمد سيد الابدال

اللهم صل على محمد سيد الانام

اللهم صل على محمد سيد طه

اللهم صل على محمد سيد يس

اللهم صل على محمد سيد الاقربين

اللهم صل على محمد سيد الانجبين

اللهم صل على محمد سيد الاحسنين

اللهم صل على محمد سيد الاملحين

اللهم صل على محمد سيد الاوجهين

اللهم صل على محمد سيد الاحمدين

اللهم صل على محمد سيد الاصعدين

اللهم صل على محمد سيد الاسعدين

اللهم صل على محمد سيد الاشهدين

اللهم صل على محمد سيد الامجدين

اللهم صل على محمد سيد الاظهرين

اللهم صل على محمد سيد الاطهرين

اللهم صل على محمد سيد الازهرين

اللهم صل على محمد سيد الاكبرين

اللهم صل على محمد سيد الانورين

اللهم صل على محمد سيد الاخشعين

اللهم صل على محمد سيد الاشفعين

اللهم صل على محمد سيد الاسمعين

اللهم صل على محمد سيد الاورعين

اللهم صل على محمد سيد الاشجعين

اللهم صل على محمد سيد الاجمعين

اللهم صل على محمد سيد الاشرفين

اللهم صل على محمد سيد الازلفين

اللهم صل على محمد سيد الالطفين

اللهم صل على محمد سيد الاعرفين

اللهم صل على محمد سيد الافضلين

اللهم صل على محمد سيد الاكملين

اللهم صل على محمد سيد الاعقلين

اللهم صل على محمد سيد الأولين

اللهم صل على محمد سيد الأقدمين

اللهم صل على محمد سيد الأكرمين

اللهم صل على محمد سيد أعلى عليين

اللهم صل على محمد سيد الأنبياء والمرسلين

اللهم صل على محمد سيد القاهرين على أعداء رب العالمين

اللهم صل على محمد سيد الخلائق أجمعين

اللهم صل على محمد سيد بني آدم أجمعين

اللهم صل على محمد سيد يوم الدين

اللهم صل على محمد في ملائكة السموات والأرضين

اللهم صل على محمد صاحب الشريعة والدين

اللهم صل على محمد إمام الأنبياء والمرسلين

اللهم صل على محمد قائد الغر المحجلين

اللهم صل على محمد رسول رب العالمين

اللهم صل على محمد دائم الداهرين أبد الآبدين

اللهم صل على محمد خير المنزلين

اللهم صل على محمد الداعي على بصيرة إلى سبيلك

اللهم صل على محمد هادي المضلين

اللهم صل على محمد رحمة للعالمين

اللهم صل على محمد حجة على الكافرين

اللهم صل على محمد قدوة المتقين
اللهم صل على محمد شفيع المذنبين
اللهم صل على محمد خاتم النبيين
اللهم صل على محمد الساعي بأمرك
اللهم صل على محمد المواظب على شكرك
اللهم صل على محمد عبدك ونبيك
اللهم صل على محمد حجتك في أرضك
اللهم صل على محمد أكرم الخلق عندك
اللهم صل على محمد خير خلقك
اللهم صل على محمد زينة عرشك

اللهم صل على محمد الذي نصح لخلقك
اللهم صل على محمد الذي قرن اسمه باسمك
اللهم صل على محمد الهادي إلى سبيل الرشاد
اللهم صل على محمد الذي جعلته واسطة بينك وبين خلقك
اللهم صل على محمد أفضل ما صليت على أحد
اللهم صل على محمد الذي اختص من العباد
اللهم صل على محمد الحبيب المكرم
اللهم صل على محمد المصطفى في القدم
اللهم صل على محمد المجتبى المختار الأمم
اللهم صل على محمد الموفي بالعهود في الذمم

اللهم صل على محمد الذي بمبعثه كشف الظلم
اللهم صل على محمد الذي انتظم بوجوده العالم
اللهم صل على محمد الذي سبقت امته في الامم
اللهم صل على محمد الذي هو شفا في السقم
اللهم صل على محمد الذي علمت كلمته الكلم
اللهم صل على محمد الذي اوتيت جوامع الكلم
اللهم صل على محمد رسول الله
اللهم صل على محمد نبي الله
اللهم صل على محمد نجي الله
اللهم صل على محمد صفي الله

اللهم صل على محمد حبيب الله
اللهم صل على محمد نجيب الله
اللهم صل على محمد كليم الله
اللهم صل على محمد خليل الله
اللهم صل على محمد امين الله
اللهم صل على محمد عبد الله
اللهم صل على محمد نور الله
اللهم صل على محمد روح الله
اللهم صل على محمد رحمة الله
اللهم صل على محمد حجة الله

اللهم صل على محمد صفوة الله

اللهم صل على محمد نعمة الله

اللهم صل على محمد خيرة الله

اللهم صل على محمد خليفة الله

اللهم صل على محمد نبيئة الله

اللهم صل على محمد هداية الله

اللهم صل على محمد كرامة الله

اللهم صل على محمد خلاصة الله

اللهم صل على محمد برهان الله

اللهم صل على محمد خير خلق الله

اللهم صل على محمد عدد ما علم الله

اللهم صل على محمد زنة ما علم الله

اللهم صل على محمد ملء ما علم الله

اللهم صل على محمد ملء الجنة والنار

اللهم صل على محمد ملء العرش والكرسي

اللهم صل على محمد من العرش إلى الكرسي

اللهم صل على محمد من الكرسي إلى العرش

اللهم صل على محمد من الأرض إلى السماء

اللهم صل على محمد من السماء إلى الأرض

اللهم صل على محمد المعصوم من الذنوب

اللهم صل على محمد الذي هو مطهر من العيوب

اللهم صل على محمد الذي فتحته فتحا مبينا

اللهم صل على محمد الذي نصرت له نصرا عزيزا

اللهم صل على محمد الذي هو مدينة العلم

اللهم صل على محمد الذي هو مركز العلم

اللهم صل على محمد الذي قسمة الجنان اليه

اللهم صل على محمد الذي مفتاح الجنة بيده

اللهم صل على محمد الذي فتح له الكرامات

اللهم صل على محمد الذي معدن الزهاد والعباد

اللهم صل على محمد كلما ذكره عن ذكره الغافلون

كلما

اللهم صل على محمد كلما صلى عليه المصلون

اللهم صل على محمد الذي شخصه علوي

اللهم صل على محمد الذي قلبه رحماني

اللهم صل على محمد الذي اصلها شمسي

اللهم صل على محمد الذي روحه ملكي

اللهم صل على محمد الذي نوره قمري

اللهم صل على محمد كامل الفتوت

اللهم صل على محمد صاحب المروة

اللهم صل على محمد صاحب التاج والمعراج

اللهم صل على محمد صاحب القضيب والناقة

اللهم صل على محمد صاحب البراق والقربة

اللهم صل على محمد صاحب القبلة والزلفة

اللهم صل على محمد صاحب الشريعة والخطابة

اللهم صل على محمد صاحب العجائب والآيات

اللهم صل على محمد صاحب الحشر والمبعوث

اللهم صل على محمد صاحب العمامة والتاج

اللهم صل على محمد صاحب القربة والمعراج

اللهم صل على محمد صاحب الحوض المورود

اللهم صل على محمد صاحب اللواء والسرير

اللهم صل على محمد صاحب الشفاعة والكوثر

صاحب الركن

اللهم صل على محمد صاحب الركن والمقام

اللهم صل على محمد صاحب القول والكلام

اللهم صل على محمد صاحب الموقف المعظم

اللهم صل على محمد صاحب البيت المحرم

اللهم صل على محمد صاحب المقام والزمزم

اللهم صل على محمد صاحب نور خلقة العالم

اللهم صل على محمد صاحب النور المكنون

اللهم صل على محمد صاحب العلم المخزون

اللهم صل على محمد صاحب الجود والسخاء

اللهم صل على محمد في أول كلامنا

اللهم صل على محمد في أوسط كلامنا

اللهم صل على محمد في آخر كلامنا

اللهم صل على محمد في الحين والأوقات

اللهم صل على محمد في اللحظات والساعات

اللهم صل على محمد في الحيوة والممات

اللهم صل على محمد في كل وقت وحين

اللهم صل على محمد في المهد صبيا

اللهم صل على محمد شابا فتيا

اللهم صل على محمد كهلا مرضيا

اللهم صل على محمد شيخا نبيا

اللهم صل على محمد بين السماء

اللهم صل على محمد بين الأرواح

اللهم صل على محمد بين الأجساد

اللهم صل على محمد بين القبور

اللهم صل على محمد في الصدور

اللهم صل على محمد في الصور

اللهم صل على محمد في القلوب

اللهم صل على محمد في النفوس

اللهم صل على محمد في التراب

اللهم صل على محمد في الأقدام

اللهم صلّ على محمد في الرياض

اللهم صلّ على محمد في الملأ الأعلى

اللهم صلّ على محمد في الآخرة والأولى

اللهم صلّ على محمد في الصيف والشتا

اللهم صلّ على محمد في الأولين

اللهم صلّ على محمد في الآخرين

اللهم صلّ على محمد الهادي من الضلالة

اللهم صلّ على محمد تاج الأصفياء

اللهم صلّ على محمد سراج الأتقياء

اللهم صلّ على محمد سيد الطيب المبارك

اللهم صلّ على محمد سيد ولد آدم

اللهم صلّ على محمد رسول الكرام

اللهم صلّ على محمد شفيع الخاص والعام

اللهم صلّ على محمد النبي المجتبا

اللهم صلّ على محمد النبي المهتدا

اللهم صلّ على محمد النبي المبتدا

اللهم صلّ على محمد النبي المنتهى

اللهم صلّ على محمد النبي المرتضى

اللهم صلّ على محمد النبي المصطفى

اللهم صلّ على محمد النبي المعلى

اللهم صل على محمد النبي المزكي

اللهم صل على محمد النبي الأولي

اللهم صل على محمد النبي العربي

اللهم صل على محمد النبي المصري

اللهم صل على محمد النبي المدني

اللهم صل على محمد النبي الحرمي

اللهم صل على محمد النبي المكي

اللهم صل على محمد النبي الأمي

اللهم صل على محمد النبي الهاشمي

اللهم صل على محمد النبي الحجازي

اللهم صل على محمد النبي التزاري

اللهم صل على محمد النبي التهامي

اللهم صل على محمد النبي السخي

اللهم صل على محمد النبي الوصي

اللهم صل على محمد النبي الرضي

اللهم صل على محمد النبي الخفي

اللهم صل على محمد النبي الصفي

اللهم صل على محمد النبي الوفي

اللهم صل على محمد النبي الحنفي

اللهم صل على محمد النبي التقي

اللهم صل على محمد النبي النقي
اللهم صل على محمد النبي الزكي
اللهم صل على محمد النبي الولي
اللهم صل على محمد النبي العلي
اللهم صل على محمد النبي القوي
اللهم صل على محمد النبي الغني
اللهم صل على محمد النبي الابطحي
اللهم صل على محمد النبي الانوري
اللهم صل على محمد النبي المهدي
اللهم صل على محمد النبي المتقي

اللهم صل على محمد النبي المقري
اللهم صل على محمد النبي المغني
اللهم صل على محمد النبي المتقي
اللهم صل على محمد النبي الداعي
اللهم صل على محمد النبي الشاهد
اللهم صل على محمد النبي المبشر
اللهم صل على محمد النبي الطاهر المطهر
اللهم صل على محمد النبي المختار
اللهم صل على محمد النبي المنتخب
اللهم صل على محمد النبي الشفيع

اللهم صل على محمد مع الشمس اذا طلعت

اللهم صل على محمد مع الشمس اذا اصبحت

اللهم صل على محمد مع الشمس اذا انتشرت

اللهم صل على محمد مع الشمس اذا اشرقت

اللهم صل على محمد مع الشمس اذا اضاءت

اللهم صل على محمد مع الشمس اذا رفعت

اللهم صل على محمد مع الشمس اذا اضحكت

اللهم صل على محمد مع الشمس اذا نورت

اللهم صل على محمد مع الشمس اذا فرجت

اللهم صل على محمد مع الشمس اذا اسرت

اللهم صل على محمد مع الشمس اذا عاليت

اللهم صل على محمد مع الشمس اذا زالت

اللهم صل على محمد مع الشمس اذا انقلبت

اللهم صل على محمد مع الشمس اذا انقطعت

اللهم صل على محمد مع الشمس اذا ادبرت

اللهم صل على محمد مع الشمس اذا انكدرت

اللهم صل على محمد مع الشمس اذا خرجت

اللهم صل على محمد مع الشمس اذا انتقضت

اللهم صل على محمد مع الشمس اذا لحظت

اللهم صل على محمد مع الشمس اذا كشطت

اللهم صل على محمد مع الشمس اذا كشفت

اللهم صل على محمد مع الشمس اذا غربت

اللهم صل على محمد مع الشمس اذا امرت

اللهم صل على محمد مع الشمس اذا نصفت

اللهم صل على محمد مع الشمس اذا كورت

اللهم صل على محمد مع الشمس اذا حيرت

اللهم صل على محمد مع الشمس اذا فتحت

اللهم صل على محمد مع الشمس اذا ازدت

اللهم صل على محمد مع السماء اذا انشقت

اللهم صل على محمد مع السماء اذا انفطرت

اللهم صل على محمد مع السماء اذا نصفت

اللهم صل على محمد مع السماء اذا كشطت

اللهم صل على محمد مع السماء اذا خسفت

اللهم صل على محمد مع النجوم اذا ضاءت

اللهم صل على محمد مع النجوم اذا كورت

اللهم صل على محمد مع النجوم اذا انكدرت

اللهم صل على محمد مع النجوم اذا طمست

اللهم صل على محمد مع الكواكب اذا انتثرت

اللهم صل على محمد مع الارض اذا دكت

اللهم صل على محمد مع الارض اذا القت

اللهم صل على محمد مع الارض اذا دبرت

اللهم صل على محمد مع الارض اذا تخلت

اللهم صل على محمد مع الارض اذا زلزلت

اللهم صل على محمد مع الارض اذا بدلت

اللهم صل على محمد مع الارض اذا بذلت

اللهم صل على محمد مع الارض اذا حقت

اللهم صل على محمد مع البحار اذا انفجرت

اللهم صل على محمد مع البحار اذا فجرت

اللهم صل على محمد مع البحار اذا سجرت

اللهم صل على محمد مع الجبال اذا سيرت

اذا نصفت

اللهم صل على محمد مع الجبال اذا نصفت

اللهم صل على محمد مع الصبح اذا اسفرت

اللهم صل على محمد مع الصبح اذا تنفس

اللهم صل على محمد مع النهار اذا تجلى

اللهم صل على محمد مع الليل اذا يغشى

اللهم صل على محمد مع الليل اذا عسعس

اللهم صل على محمد مع الليل اذا ادبر

اللهم صل على محمد مع الليل اذا ادبرت

اللهم صل على محمد مع الرسل اذا اقتت

اللهم صل على محمد مع الكتب اذا قرئت

اللهمّ صلّ على محمدٍ مع الكتب اذا نشرت

اللهمّ صلّ على محمدٍ مع الكتب اذا ازلفت

اللهمّ صلّ على محمدٍ مع الكتب اذا فرجت

اللهمّ صلّ على محمدٍ مع الصحف اذا نشرت

اللهمّ صلّ على محمدٍ مع الجنة اذا ازلفت

اللهمّ صلّ على محمدٍ مع الجحيم اذا سعرت

اللهمّ صلّ على محمدٍ مع الحسنات اذا ظهرت

اللهمّ صلّ على محمدٍ مع الحسنات اذا ازلفت

اللهمّ صلّ على محمدٍ مع الدرجات اذا رفعت

اللهمّ صلّ على محمدٍ مع السيئات اذا بدلت

اللهمّ صلّ على محمدٍ مع الحاجات اذا قضيت

اللهمّ صلّ على محمدٍ مع النجاة اذا نزلت

اللهمّ صلّ على محمدٍ مع الساعات اذا مضت

اللهمّ صلّ على محمدٍ مع الشهور اذا ادبرت

اللهمّ صلّ على محمدٍ مع السنين اذا حالت

اللهمّ صلّ على محمدٍ مع الاعمال اذا حضرت

اللهمّ صلّ على محمدٍ مع الاسرار اذا ظهرت

اللهمّ صلّ على محمدٍ مع الرحمة اذا وسعت

اللهمّ صلّ على محمدٍ مع الذنوب اذا غفرت

اللهمّ صلّ على محمدٍ مع الصور اذا نفخت

اللهم صل على محمد مع الموازين اذا ثقلت
اللهم صل على محمد مع الموازين اذا نصبت
اللهم صل على محمد مع النفوس اذا زوجت
اللهم صل على محمد مع ما في الصدور اذا حصلت
اللهم صل على محمد مع العشار اذا عطلت
اللهم صل على محمد مع الوحوش اذا حشرت
اللهم صل على محمد مع الموءدة اذا سئلت
اللهم صل على محمد مع القبور اذا بعثرت
اللهم صل على محمد مع من سبح وصلى
اللهم صل على محمد مع الذكر والانثى

اللهم صل على محمد مع من امن واتقى
اللهم صل على محمد مع من صدق به واتلى
اللهم صل على محمد مع كل من صدق واهتدى
اللهم صل على محمد مع البكور والعشى
اللهم صل على محمد مع النجوم وعددها
اللهم صل على محمد مع الارض والسماء
اللهم صل على محمد مع الدواب والوحوش
اللهم صل على محمد بعدد فضل الله
اللهم صل على محمد بعدد خلق الله
اللهم صل على محمد بعدد انبياء الله

اللّهمّ صلّ على محمّد بعدد أولياء الله

اللّهمّ صلّ على محمّد بعدد أصفياء الله

اللّهمّ صلّ على محمّد بعدد أحبّاء الله

اللّهمّ صلّ على محمّد بعدد أسخياء الله

اللّهمّ صلّ على محمّد بعدد شهداء الله

اللّهمّ صلّ على محمّد بعدد فقراء الله

اللّهمّ صلّ على محمّد بعدد أوراق الأشجار

اللّهمّ صلّ على محمّد بعدد أقطار الأمطار

اللّهمّ صلّ على محمّد بعدد الرّمل والقفار

اللّهمّ صلّ على محمّد بعدد الحبوب والثّمار

الحوت

اللّهمّ صلّ على محمّد بعدد الحوت في البحار

اللّهمّ صلّ على محمّد بعدد اللّيل والنّهار

اللّهمّ صلّ على محمّد بعدد حركات الصّائمين

اللّهمّ صلّ على محمّد بعدد سكنات القائمين

اللّهمّ صلّ على محمّد بعدد ذرّات الأرضين

اللّهمّ صلّ على محمّد بعدد أنفاس الخلائق

اللّهمّ صلّ على محمّد بعدد خلقك أجمعين

اللّهمّ صلّ على محمّد بعدد خواطر الظّنون

اللّهمّ صلّ على محمّد بعدد لمح العيون

اللّهمّ صلّ على محمّد خير ممّا يجمعون

اجواد

اللهم صل على محمد بعدد اسماء الحسنى

اللهم صل على محمد بعدد من سبح وصلى

اللهم صل على محمد بعدد الرمل والثرى

اللهم صل على محمد بعدد الورى والبرى

اللهم صل على محمد بعدد الحصى وصخرتها

اللهم صل على محمد بعدد العضاة وشجرها

اللهم صل على محمد بعدد الانهار والاشجارها

اللهم صل على محمد بعدد الحصباء وصيا صيها

اللهم صل على محمد بعدد السفر ومنازلها

اللهم صل على محمد بعدد الشرف واشرافها

بعدد النبات

اللهم صل على محمد بعدد النبات واصنافها

اللهم صل على محمد بعدد السموات وكواكبها

اللهم صل على محمد بعدد الايام ولياليها

اللهم صل على محمد بعدد الكواكب ومنازلها

اللهم صل على محمد بعدد الشهور واعوامها

اللهم صل على محمد بعدد الايام وساعاتها

اللهم صل على محمد بعدد الشهور ودهورها

اللهم صل على محمد بعدد الافلاك وابراجها

اللهم صل على محمد بعدد البحار وامواجها

اللهم صل على محمد بعدد الملائكة وتسبيحاتها

اللهم صل على محمد بعدد الملائكة واصنافها

اللهم صل على محمد بعدد الخلائق وانفاسها

اللهم صل على محمد بعدد الاجساد وارواحها

اللهم صل على محمد بعدد الطبايع وامزاجها

اللهم صل على محمد بعدد الاحياء وامواتها

اللهم صل على محمد بعدد الطيور وريشها

اللهم صل على محمد بعدد الوحوش واشعارها

اللهم صل على محمد بعدد الليالي والدهور

اللهم صل على محمد بعدد امواج البحور

اللهم صل على محمد بعدد الرياح في البراري والصحور

اللهم صل على محمد بعدد المغفرة والغفران

اللهم صل على محمد بعدد الرحمة والرضوان

اللهم صل على محمد بعدد آيات القرآن

اللهم صل على محمد بعدد من قعد وقام

اللهم صل على محمد بعدد من صلى عليه من خلقك

اللهم صل على محمد بعدد من لم يصل عليه من خلقك

اللهم صل على محمد بعدد ما احاط به علمك

اللهم صل على محمد بعدد ما جرى به قلمك

اللهم صل على محمد بعدد ما نفذت مشيتك

اللهم صل على محمد كلماتك والطافك

اللهم صل على محمد بعدد كل معلوم لك

اللهم صل على محمد بعدد من صام شهر شعبان

اللهم صل على محمد بعدد من صام شهر رمضان

اللهم صل على محمد بعدد من قام ليلة البرات

اللهم صل على محمد بعدد قائمين ليلة القدر

اللهم صل على محمد بعدد كل ذرة ألف ألف مرة

اللهم صل على محمد بعدد أنفاس المخلوقات

اللهم صل على محمد بعدد أشعار الموجودات

اللهم صل على محمد بعدد سواكن سبع الأرض والسموات

اللهم صل على محمد بعدد كلمات الطامات

اللهم صل على محمد بعدد حروف اللوح والدعوات

اللهم صل على محمد بعدد ما خلق بالبدايات والنهايات

اللهم صل على محمد بعدد البر والبحر

اللهم صل على محمد بعدد القطر والمطر

اللهم صل على محمد بعدد الشجر والثمر

اللهم صل على محمد بعدد الشوك والشجر

اللهم صل على محمد بعدد الحجر والمدر

اللهم صل على محمد بعدد الشفع والوتر

اللهم صل على محمد بعدد منازل القمر

اللهم صل على محمد بعدد الجن والانس

اللهم صل على محمد بعدد كل شئ في الدنيا والآخرة

اللهم صل على محمد نبي آخر الزمان

اللهم صل على محمد شامل البذل والإحسان

اللهم صل على محمد كامل الفضل والامتنان

اللهم صل على محمد إلى البر والإحسان

اللهم صل على محمد عالي القدر والإمكان

اللهم صل على محمد ملء الميزان

اللهم صل على محمد ما تعاقب العصران

اللهم صل على محمد ما تكرر الجديدان

اللهم صل على محمد ما اختلف الملوان

اللهم صل على محمد ما افترق الضدان

اللهم صل على محمد ما استضاء القمران

اللهم صل على محمد ما دارت الدهور والأعوام

اللهم صل على محمد ما استصحب الفرقدان

اللهم صل على محمد ما كرر شهر رجب خير الشهور

اللهم صل على محمد بقدر فضله وشرفه عنده

اللهم صل على محمد من اليوم إلى يوم ينفخ في الصور

اللهم صل على محمد المرشد إلى أعلى الدرجات

اللهم صل على محمد واهب العطيات والخيرات

اللهم صل على محمد صلاة لا حد لها ولا منتهى

اللهم صل على محمد صاحب ليلة القدر والمعراج

اللهم صل على محمد مشقق القمر ليلة البدر

اللهم صل على محمد كما تحب وترضى ان تصلي عليه

اللهم صل على محمد كما ينبغي الصلوة عليه

اللهم صل على محمد كما امرتنا بالصلوة عليه

اللهم صل على محمد عند ذكره يوم القيمة

اللهم صل على محمد سيدهم اذا حشروا

اللهم صل على محمد صلوة تكون لك رضى ولحقه

اللهم صل على محمد خطيبهم اذا انصتوا

اللهم صل على محمد شفيعهم اذا احسبوا

اللهم صل على محمد من شبه بالنجم اذا هوى

اللهم صل على محمد من لم يضل ولا غوى

اللهم صل على محمد من اوحى اليه ربه ما اوحى

اللهم صل على محمد من لم ينطق عن الهوى

اللهم صل على محمد من نطق بوحي يوحى

اللهم صل على محمد من علمه شديد القوى

اللهم صل على محمد من دنى فتدلى

اللهم صل على محمد من كان قاب قوسين او ادنى

اللهم صل على محمد صدق فواده ما راى

اللهم صل على محمد من كسر اللات والعزى

اللهم صل على محمد من لم يسم ملكا بالانثى

اللهم صل على محمد من جاء من عندك بالهدى

اللهم صل على محمد من هدم منات الثالثة الاخرى

اللهم صل على محمد الذي شرح صدره وغفر ذنبه

اللهم صل على محمد الذي وضع وزره ورفع ذكره

اللهم صل على محمد الذي عرض له السموات بملكوتها

اللهم صل على محمد الذي عرض له الارض باطرافها واركانها واكنافها

اللهم صل على محمد الذي عرض له الجنة بنعمتها ودرجاتها

اللهم صل على محمد الذي عرض له النار بعجائبها واحيائها

اللهم صل على محمد الذي لم يؤثر الحيوة الدنيا

اللهم صل على محمد من بلغته غاية المنتهى

اللهم صل على محمد من وعدته ان يرضى

اللهم صل على محمد من اعرض عن من تولى

اللهم صل على محمد من هديته فاهتدى

اللهم صل على محمد من جزيته بالحسنى

اللهم صل على محمد من امرته فاهتدى

اللهم صل على محمد من امرته فاقتدى

اللهم صل على محمد من نهيته فانتهى

اللهم صل على محمد من جد بالذي وفى

اللهم صل على محمد من كان فؤاده اوفى

اللهم صل على محمد من وفى ما سعى

اللهم صل على محمد من سعيه سوف يرى

اللهم صل على محمد من ربه أغنى وأقنى

اللهم صل على محمد من يجزى الجزاء الأوفى

اللهم صل على محمد من ربه أضحك وأبكى

اللهم صل على محمد من ربه أمات وأحيى

اللهم صل على محمد من رآه الملأ الأعلى

اللهم صل على محمد من ربه رب الشعرى

اللهم صل على محمد من ربه خلق الزوجين الذكر والأنثى

اللهم صل على محمد من ربه أهلك عادا الأولى

اللهم صل على محمد من ربه أمات وأحيى من نطفة

اللهم صل على محمد من ربه أهلك قوما طغى

اللهم صل على محمد من أجابه ربه وما قلى

اللهم صل على محمد من له الآخرة والأولى

اللهم صل على محمد من بلغ عنده جنة المأوى

اللهم صل على محمد من نزل عند سدرة المنتهى

اللهم صل على محمد من رأى من آيات ربه الكبرى

اللهم صل على محمد من علم صحف الأولى

اللهم صل على محمد من لم يزغ بصره وما طغى

اللهم صل على محمد من ذكر اسم ربه فصلى

اللهم صل على محمد من له دار خير وابقى

اللهم صل على محمد من له الحوض المصفى

اللهم صل على محمد من له الدين المعلى

اللهم صل على محمد من له القلب المجلى

اللهم صل على محمد من له العيش المهنى

اللهم صل على محمد من له الدرجات العلى

اللهم صل على محمد من له الرفيق الاعلى

اللهم صل على محمد من له العزة في الآخرة والاولى

اللهم صل على محمد من هو اسرع الناس خروجا اذا بعثوا

اللهم صل على محمد سيد الكائنات

اللهم صل على محمد مفخر الموجودات

اللهم صل على محمد نور العباد

اللهم صل على محمد ربيع البلاد

اللهم صل على محمد مرفوع الى اعلى افق

اللهم صل على محمد المحمود الى البراق

اللهم صل على محمد المبعوث باكرام الصفات

اللهم صل على محمد المبعوث الى خير الامم

اللهم صل على محمد الشمس الطالع

اللهم صل على محمد القمر الساطع

اللهم صل على محمد النجم الطاهر

اللهم صل على محمد قائد الى الجنة

اللهم صل على محمد رسول الملك المنان

اللهم صل على محمد مالك الديان

اللهم صل على محمد المحمود في كل مكان

اللهم صل على محمد المشهور في البلدان

اللهم صل على محمد المشهور في الاذان

اللهم صل على محمد المعروف بالاديان

اللهم صل على محمد المبعوث الى كافة الانسان

اللهم صل على محمد المأمون عن الخذلان

اللهم صل على محمد المعصوم عن الكفار

ناطق

اللهم صل على محمد ناطق بالقرآن

اللهم صل على محمد الواعظ بالقرآن

اللهم صل على محمد السابع للقرآن

اللهم صل على محمد الهادي الانس والجان

اللهم صل على محمد الباذل بالاحسان

اللهم صل على محمد الواهب اللؤلؤ والمرجان

اللهم صل على محمد الغالب بالسلطان

اللهم صل على محمد الظاهر بالبرهان

اللهم صل على محمد الواضح الرجحان

اللهم صل على محمد الدافع الكفر والطغيان

اللهم صل على محمد العابس عن الكذب والبهتان

اللهم صل على محمد العافي عن العمد والنسيان

اللهم صل على محمد الناشر بلا كتمان

اللهم صل على محمد الماحي للبدع والعصيان

اللهم صل على محمد الصافح عن أهل العدوان

اللهم صل على محمد التام والغفران

اللهم صل على محمد الهطال الأجفان

اللهم صل على محمد الفصيح اللسان

اللهم صل على محمد العجيب البيان

اللهم صل على محمد السليم الجنان

اللهم صل على محمد العديم الأقران

اللهم صل على محمد الطويل الأحزان

اللهم صل على محمد معطي الأمان

اللهم صل على محمد المعطي بالإحسان

اللهم صل على محمد المؤسس في البيان

اللهم صل على محمد المثقل الميزان

اللهم صل على محمد المرغب في الخيرات الحسان

اللهم صل على محمد المقرب بالقرآن

اللهم صل على محمد المحرم على الأرض والديدان

اللهم صل على محمد المكرم بالروح والريحان

اللهم صل على محمد المرتفع الشان

اللهم صل على محمد المفتخر الخلق على الايمان

اللهم صل على محمد بمثل قصر سورة من القرآن

اللهم صل على محمد المعتصم على اهل جيران

اللهم صل على محمد المستغني عن الجان

اللهم صل على محمد الفصيح الكلام

اللهم صل على محمد الفقيه العلام

اللهم صل على محمد الكريم البسام

اللهم صل على محمد شفيع مالك الانام

اللهم صل على محمد المسوح بالغمام

اللهم صل على محمد العدل القيام

اللهم صل على محمد البدر التمام

اللهم صل على محمد ذى الشرع والاحكام

اللهم صل على محمد ذى الجود والاكرام

اللهم صل على محمد ذى العفو والانعام

اللهم صل على محمد المبشر بالمقام

اللهم صل على محمد المطهر من الاثام

اللهم صل على محمد ذى العز المستقيم

اللهم صل على محمد ذى الخلق العظيم

اللهم صل على محمد ذى القلب السليم

اللهم صل على محمد ذي الورد المستقيم
اللهم صل على محمد ذي العطاء الجسيم
اللهم صل على محمد ذي العفو الحليم
اللهم صل على محمد ذي الجنة النعيم
اللهم صل على محمد نبي سيد الرؤف الرحيم
اللهم صل على محمد رسول الملك القديم
اللهم صل على محمد ما دامت الصلوات
اللهم صل على محمد ما دامت البركات
اللهم صل على محمد ما دامت الرحمة
اللهم صل على محمد ما بقي من التحيات شيء

اللهم صل على محمد ما بقي من الصلوة شيء
اللهم صل على محمد ما بقي من الرحمة شيء
اللهم صل على محمد حتى لا يبقى التحيين شيء
اللهم صل على محمد إذا ذكر الأسرار
اللهم صل على محمد ما اختلف الليل والنهار
اللهم صل على محمد ما دار الفلك الدوار
صلوات الله وملائكته وأنبيائه
ورسله وجميع أهل طاعته من أرضه
وسمائه على سيد المرسلين وإمام المتقين
وخاتم النبيين ورسول رب العالمين

وعلى آله وأزواجه وأولاده وذرياته
وأهل بيته أجمعين اللهم ابعثه المقام
المحمود الذي يغبطه الأولون و
الآخرون برحمتك يا أرحم الراحمين
اللهم صل على محمد بعدد ما خلق في
البدايات والنهايات من المعدو مات
والموجودات أبد الآباد من أول أزله
وأوسط حشره وآخر بقائه وصلى الله
على خير خلقه محمد وآله أجمعين اللهم صل على
محمد المصطفى وآله الطيبين الطاهرين

هذا الدعاء استغفار

بسم الله الرحمن الرحيم
أستغفر الله أستغفر الله أستغفر الله
الذي لا إله إلا هو الحي القيوم وأتوب إليه
أستغفر الله من جميع ما كره الله اللهم
إني أستغفرك لما قدمت وما أخرت
وما أسررت وما أعلنت من معصيتك
وأستغفرك من الذنوب التي لا يغفرها
غيرك ولا يطلع عليها سواك ولا يسعها
إلا حلمك ولا ينجي منها إلا عفوك وأستغفرك

مِن كُلِّ يَمِينٍ مِنّي فَحَلَفْتُ فَحَنَثْتُ فِيها
عِندَكَ وَأَنا مَأخُوذٌ بِها أَستَغفِرُكَ
لا إِلهَ إِلّا أَنتَ سُبحانَكَ إِنّي كُنتُ مِنَ الظّالِمِينَ
وَأَستَغفِرُكَ يا عالِمَ الغَيبِ وَالشَّهادَةِ
مِن كُلِّ ما عَمِلتُها في بَياضِ النَّهارِ وَسَوادِ
اللَّيلِ وَمَلاءٍ وَخَلاءٍ وَسِرٍّ وَعَلانِيَةٍ
وَأَنتَ ناظِرٌ بِها إِلَيَّ إِذا ارتَكَبتُها
وَأَتَيتُ بِها مِنَ العِصيانِ يا حَلِيمُ يا كَرِيمُ
لِكُلِّ سُنَّةٍ مِن سُنَنِ المُرسَلِينَ وَالأَنبِيا
مِن نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

وَنَزَلتُها غَفلَةً وَسَهواً أَو نِسياناً وَقِلَّةَ
مُبالاتٍ وَأَنا مُعاقَبٌ بِها وَأَستَغفِرُكَ
لا إِلهَ إِلّا أَنتَ وَحدَكَ لا شَرِيكَ لَكَ سُبحانَكَ
رَبَّ العالَمِينَ لَكَ الحَمدُ وَلَكَ المُلكُ أَنتَ
حَسبُنا اللهُ وَنِعمَ الوَكِيلُ نِعمَ المَولى
وَنِعمَ النَّصِيرُ وَصَلَّى اللهُ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
أَجمَعِينَ بِعَدَدِ مَن صَلّى عَلَيهِ وَبِعَدَدِ
مَن لَم يُصَلِّ عَلَيهِ بِرَحمَتِكَ يا أَرحَمَ الرّاحِمِينَ

هذا الدعاء چشم زخم

بسم الله الرحمن الرحيم
اعوذ بكلمات الله التامات ومن كل عين
لامة ومن شر سلطان وهامة ومن شر
السامة والعامة وان يكاد الذين كفروا
ليزلقونك بابصارهم لما سمعوا الذكر
ويقولون انه لمجنون وما هو الا ذكر
للعالمين كهيعص حمعسق اهيا شراهيا
بسم الله الشافي بسم الله الكافي بسم الله المعافي
بسم الله المتعالي بسم الله الذي لا
يضر مع اسمه شيء في الارض ولا في السماء

وهو السميع العليم يا حي يا قيوم يا حنان
يا منان يا ذا الجلال والاكرام برحمتك
يا ارحم الراحمين وصلى الله على سيدنا محمد
واله اجمعين الطيبين الطاهرين
نقلست از عبد الله عباس رحمهما الله
كه گفت من شنيدم كه رسول الله صلى الله
عليه واله فرمودند هر كه اين عهد نامه را
بخواند يا با خود دارد حق سبحانه وتعالى
اورا از سه هزار بيمارى نگاه دارد وهر كه
روز جمعه يكبار اين عهد نامه را بخواند

از دنیا با ایمان بیرون رود و من ضامن کر
او را به بهشت برند و هر که این عهد نامه
بنویسد و سه شبانه روز ناشتا بیاشامد
خدای تعالی چشمهای علم و حکمت در دل
او کشاده کرداند و هم رسول الله صلی الله
علیه و آله و سلم فرمودند هر که این
عهد نامه در گور نهند منکر و نکیر بحرمت
و عزت از وی سوال کنند چون گویند
من ربك ها تفعل و از دهد که چرا از وی
سوال میکنید که عهد نامه را با خود

اورده است و اسناد این دعا بسیار است
اما مختصر گفته شده است والله
اعلم بالصواب

بسم الله الرحمن الرحیم

اَصْبَحْتُ بِتَوْفِیقِكَ وَاُشْهِدُكَ وَكَفٰی
بِكَ شَهِیدًا وَاُشْهِدُ اَنْبِیَائَكَ وَ
رُسُلَكَ وَاُشْهِدُ مَلٰٓئِكَتَكَ الْمُقَرَّبِیْنَ
وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ وَسُكَّانَ سَمٰوَاتِكَ
اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ رَبِّی وَخَالِقِی
وَرَازِقِی وَمَوْلَائِی وَرَبُّ كُلِّ شَیْءٍ وَحْدَكَ

الّتی

لا شريك لك تباركت وتعاليت عمّا
يقولوا الظالمون علوًّا كبيرًا واشهد
انّ محمدًا صلواتك عليه وآله عبدك
ورسولك ونبيّك ارسلته بالهدى
ودين الحقّ ليظهره على الدين كلّه
ولو كره المشركون واشهد انّ
الاسلام ديني والقران كتابي و
الكعبة قبلتي واشهد انّ مولانا وسيّدنا
امير المؤمنين عليّ بن ابي طالب عبدك
ووليّك ووصيّ رسولك صلوات الله

عليه امامي واشهد انّ الحسن والحسين
وعليّ بن الحسين ومحمّد بن عليّ وجعفر بن
محمّد وموسى بن جعفر وعليّ بن موسى
الرضا ومحمّد بن عليّ وعليّ بن محمّد والحسن
ابن عليّ ومحمّد بن الحسن صاحب الزمان
صلوات الله وسلامه عليه وعليهم
اجمعين ائمّتي وسادتي وقادتي ائمّة
الهدى الابرار الاخيار بهم اتولّى ومن
اعدائهم اتبرّا واشهد انّ الموت
حقّ والقبر حقّ وسؤال منكر ونكير

فی القبر حق والصراط حق والجنة
حق والنار حق وضغطة القبر حق
وتطایر الکتب یمینا وشمالا حق
وانطاق الجوارح حق وان الساعة آتیة
لا ریب فیها وان الله یبعث من فی القبور
علی هذا احیا واموت وابعث بتوفیقك
یا رب وصلی الله علی محمد واله اجمعین
حضرت رسول صلی الله علیه واله وسلم
فرمودند هر کرا از مومنان این دعارا بخواند
در بامداد چنانست که هزار حج کرده باشد

وهزار ختم قران کرده باشد وهزار نماز جنازه
کذارده باشد وهزار دینار برای رضای حق
سبحانه وتعالی داده باشد وهزار بنده آزاد
کرده باشد وهزار شب قدر دریافته باشد
جبرئیل علیه السلم کفت بشارت
باد ترا یا رسول الله صلی الله علیه واله وسلم
از خزانه غیب که هر کس از امتان تو این
دعارا در ماهی یکبار بخواند واکر نتواند
در سالی یکبار بخواند واکر نتواند در
عمر خود یکبار بخواند خدای تعالی

هفت در دوزخ بروی بسته کردانند
وهشت در بهشت بروی کشاده کردانند
از برکت این دعای بزرکوار دعا اینست

بسم الله الرحمن الرحیم

لا اله الا الله الجلیل الجبار
لا اله الا الله العزیز الغفار لا اله
الا الله وحده لا شریک له الها واحدا
ونحن له مسلمون لا اله الا الله وحده
لا شریک له الها واحدا ونحن له مخلصون
لا اله الا الله وحده لا شریک له الها

واحدا

واحدا ونحن له عابدون لا اله الا الله
محمد رسول الله وعلی ولی الله برحمتک
یا ارحم الراحمین

بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم اهله علینا بالامن والایمان
والسلامة والاسلام والمغفرة و
الغفران والبرکة والرضوان برحمتک
یا ارحم الراحمین وصلی الله علی محمد
واله اجمعین

مرویست از حضرت مصطفی صلی الله علیه

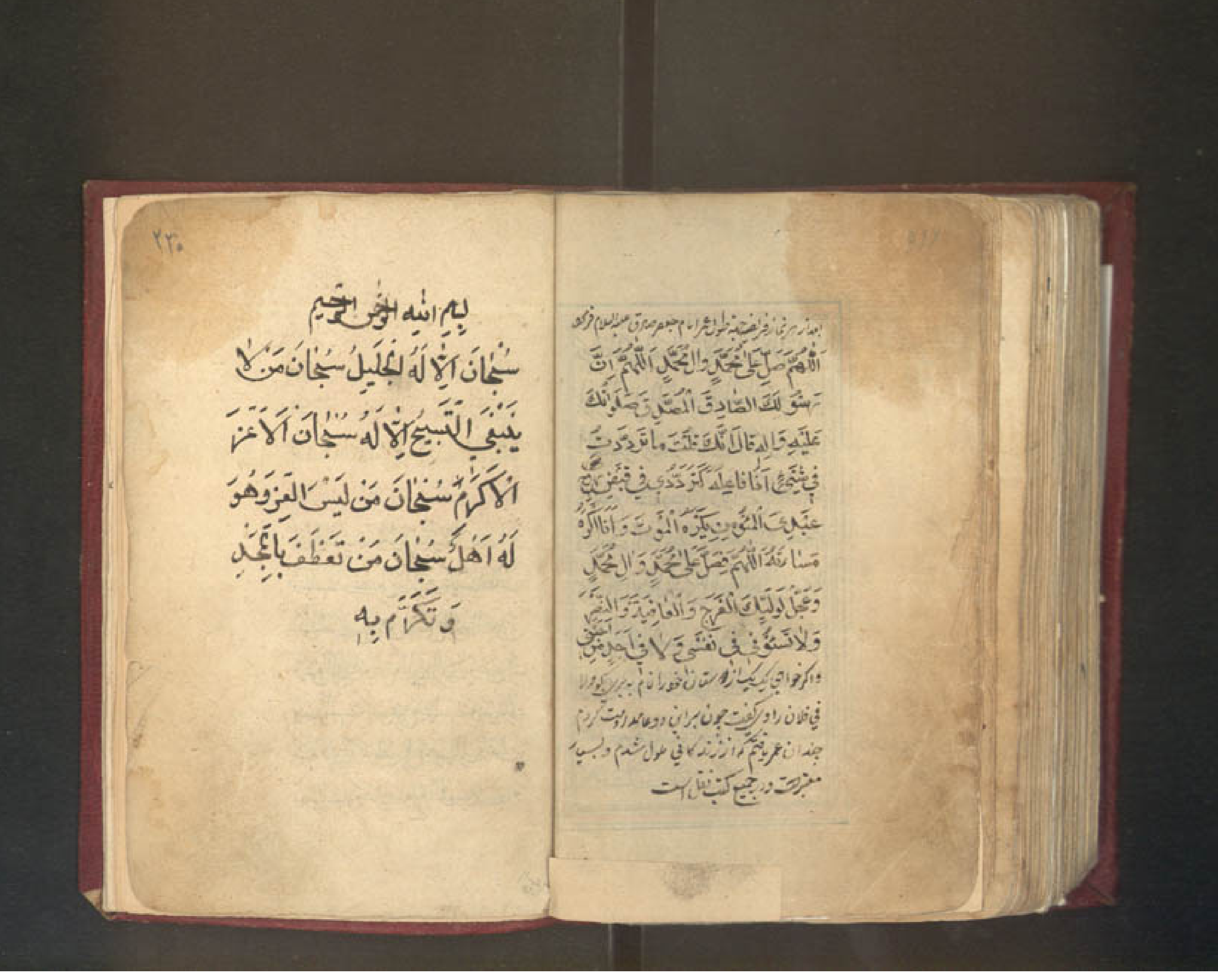
و آله وسلم فرمود که ای یاران بپرهیزید گفتند
یا رسول الله از چه چیز گفت از چشم بد که
چشم بد مال و خوان و ما را تباه کند و بخورد
و نزدیک هلاک کند و بسیاری مردمان را
چشم بد پراکنده کند و بسیاری توانگران را
درویش کند هر کس این دعا را بخواند
یا با خود دارد در امان باشد ان شاء الله تعالی
بسم الله الرحمن الرحیم
الذین یقولون ربنا اننا آمنا فاغفر لنا
ذنوبنا وقنا عذاب النار الصابرین

والصادقین والقانتین والمنفقین
بالاسحار شهد الله انه لا اله الا هو
والملائکة واولوا العلم قائما بالقسط
لا اله الا هو العزیز الحکیم ان
الدین عند الله الاسلام وما اختلف
الذین اوتوا الکتاب الا من بعد
ما جاءهم العلم بغیا بینهم ومن یکفر
بآیات الله فان الله سریع الحساب
اعیذ صاحب کتابی و حامل دعائی
برب عبس عابس و [illegible] یابس عادس

والمستغفرین

ونفسٍ نافسٍ ومن شرّ شيطانٍ ملابس
وشهابٍ ثاقبِ العينِ بالعينِ رُدّت
العينُ الى العينِ يا رحمنُ يا رحيمُ يا حيُّ
يا قيّومُ بحقّ كهيعص وطه ويس وحم
وحم عسق وبحقّ لا اله الّا الله ومحمّدٌ رسولُ
الله وعليٌّ وليُّ الله الامان منكم يا
سيّدَ الاكرمين انصرنا على كلّ دابّةٍ
انت اخذٌ بناصيتها انّ ربّي على صراطٍ
مستقيم فان تولّوا فقل حسبي الله
لا اله الّا هو عليه توكّلت وهو

ربّ العرش العظيم ولا حول ولا قوّة الّا
بالله العليّ العظيم نعم المولى ونعم
النصير برحمتك يا ارحم الراحمين
يا اشفع الشافعين ويا اسرع الحاسبين
ويا ابصر الناظرين ويا اسمع السامعين
ويا اوّل الاوّلين ويا اخر الاخرين ويا
خالق السموات والارضين ربّ
لا تذرني فردًا وانت خير الوارثين
برحمتك يا ارحم الراحمين



بعد از هر نماز فریضه طول عمر امام جعفر صادق علیه السلام فرمود

اللهم صل على محمد وآل محمد اللهم ان
رسولك الصادق المصدق صلواتك
عليه وآله قال انك قلت ما ترددت
في شيء انا فاعله كترددي في قبض روح
عبدي المؤمن يكره الموت وانا اكره
مسائته اللهم فصل على محمد وآل محمد
وعجل لوليك الفرج والعافية والنصر
ولا تسؤني في نفسي ولا في احد من احبتي
واگر خواهی یکیک از دوستان خود را نام ببری بگو ولا
فی فلان را و گفت چون برای او دعا مداومت کردم
چندان عمر یافتم که از زندگانی ملول شدم و بسیار
معتبر است و در جمیع کتب نقل است

بسم الله الرحمن الرحیم
سبحان الاله الجلیل سبحان من لا
ینبغی التسبیح الا له سبحان الاعز
الاکرم سبحان من لبس العز وهو
له اهل سبحان من تعطف بالمجد
و تکرم به

چون داخل روضهٔ مقدسه شود نیت چنین کند

ازور سیدی و مولای و معتمدی و
رجائی و شفیعی و امامی یا سلطان
ابو الحسن علی بن موسی الرضا عنی
و عن والدی و عن والد والدی و عن جدی
و جداتی و عن عمی و عماتی و عن خالی
و خالاتی و عن اهلی و عیالی و عن
جیرانی و عن جمیع المؤمنین و

المؤمنات حیهم و میتهم لیذنبها
قربةً الی الله در برابر روی آن حضرت بگوید السلام
علیک یا ولی الله و ابن ولیه السلام
علیک یا حجة الله و ابن حجته السلام
علیک یا نور الله فی ظلمات الارض
السلام علیک یا عمود الدین السلام علیک
یا وارث آدم صفی الله السلام علیک
یا وارث نوح نبی الله السلام علیک
یا وارث ابراهیم خلیل الله السلام
علیک یا وارث اسمعیل ذبیح الله
السلام علیک یا وارث موسی کلیم

الله السلام عليك يا وارث عيسى روح
الله السلام عليك يا وارث محمد رسول
الله السلام عليك يا وارث امير المؤمنين
علي ولي الله ووصي رسوله السلام
عليك يا وارث فاطمة الزهراء سيدة
نساء العالمين السلام عليك يا
وارث الحسن والحسين سيدي شباب
اهل الجنة السلام عليك يا وارث علي
ابن الحسين زين العابدين السلام عليك
يا وارث امام محمد الباقر البار الامين
السلام عليك يا وارث امام جعفر

الصادق علم الاولين والآخرين السلام
عليك يا وارث امام موسى الكاظم
الحليم الرشيد السلام عليك يا وارث
ابا الحسن علي بن موسى الرضا ورحمة
الله وبركاته اشهد انك قد اقمت
الصلوة وآتيت الزكوة وامرت
بالمعروف ونهيت عن المنكر و
عبدت الله مخلصا حتى اتيك اليقين
جانب راست بر ضريح نهد وبگويد
اللهم اني اليك صمدت من ارضي و
قطعت البلاد رجاء رحمتك فلا

تخیبنی ولا تردنی بغیر قضاء حوائجی
وارحم تقلبی علی قبر ابن اخی رسولك
صلواتك علیه واله جئتك بابی
انت وامی اتیتك زائرا وافدا عائذا
مما جنیت علی نفسی واحتطبت علی
ظهری فکن لی شفیعا شافعا الی
الی الله تعالی یوم فقری وفاقتی و
حاجتی فان لك عند الله مقاما
محمودا وانت وجیه فی الدنیا والاخرة
یا رحمن یا رحیم برحمتك یا ارحم الراحمین
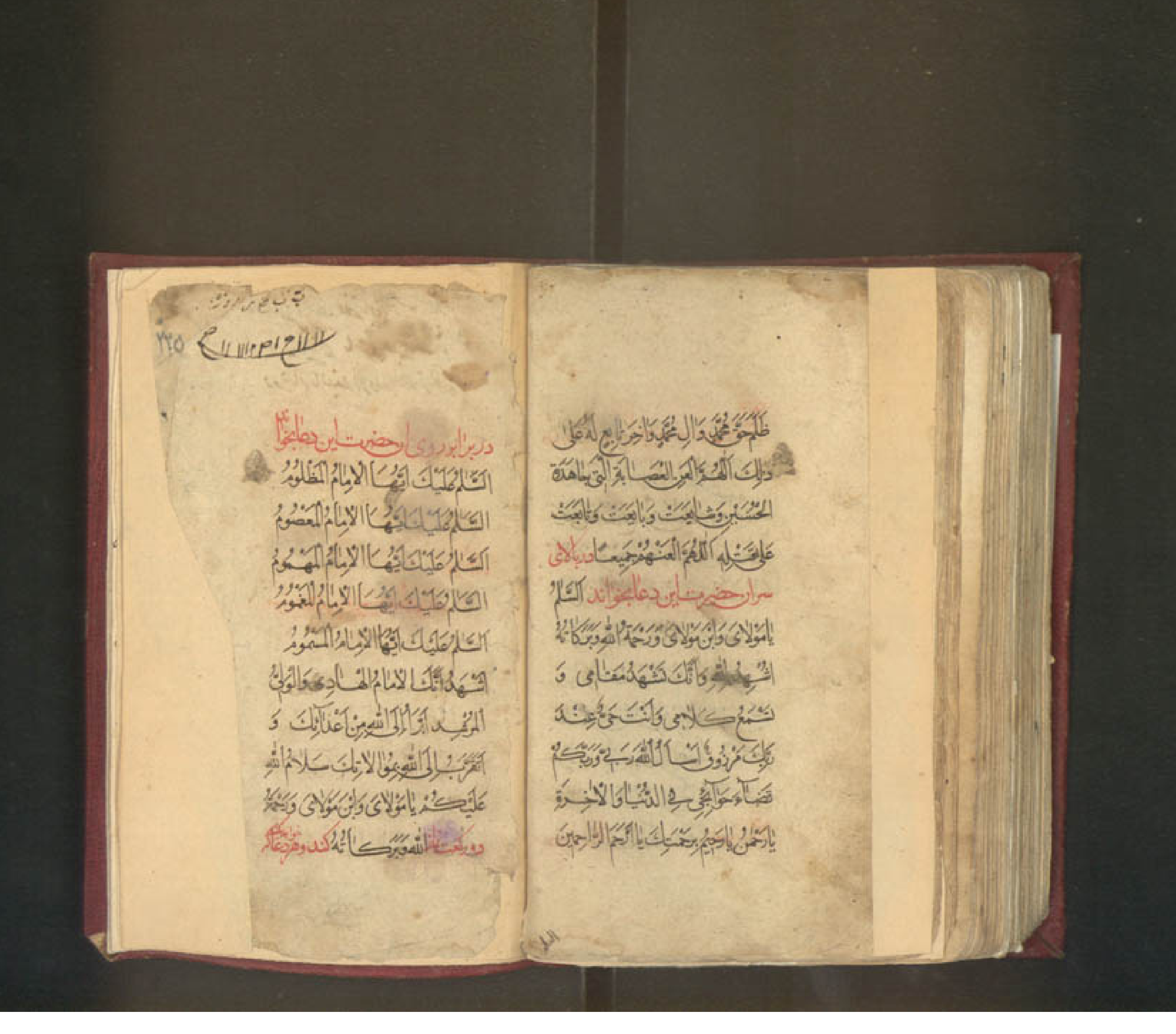
جانب چپ بر ضریح نهد و بگوید

اللهم انی اتقرب الیك بحبهم و
واتوسل الیك بولایتهم واتولی
اخرهم بما تولیت به اولهم وابرا الی
الله من کل ولیجة دونهم اللهم
العن الذین بدلوا نعمتك واتهموا نبیك
وجحدوا بایاتك وسخروا بامامك و
حملوا الناس علی اکتاف ال محمد
اللهم انی اتقرب الیك باللعنة
علیهم والبراءة منهم فی الدنیا
والاخرة یا رحمن یا رحیم یا ارحم الراحمین

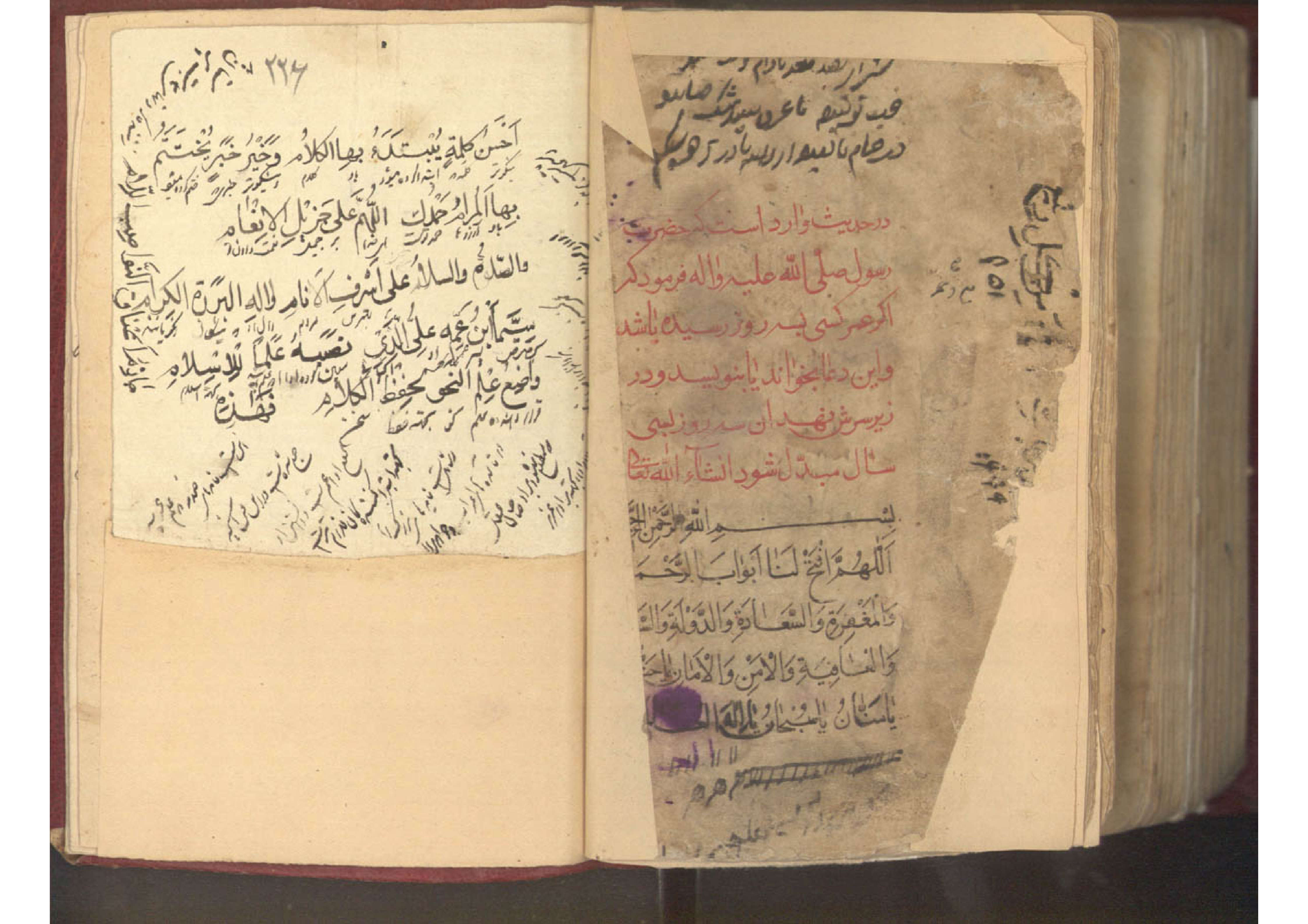
در پایین پای آن حضرت این دعا بخوانند

صلى الله عليك يا مولاي صلى الله عليك
يا ابا الحسن علي بن موسى الرضا صلى
الله على روحك الطيب وجسدك
الطاهر وبدنك الزكي صبرت و
احتسبت وانت الصادق المصدق
قتل الله من قتلك ولعن الله من ظلمك
بالايدي والالسن عليك سلام الله
يا مولاي وابن مولاي ورحمة الله وبركاته
كن شفيعي وشفيع والدي بحقك وبحق
جدك وآبائك واجدادك الطيبين
الطاهرين المعصومين برحمتك يا

يا ارحم الراحمين در پس پشت در زیارة امام الحسین بگوید
السلام عليك يا ابا عبد الله الحسين
وعلى الارواح التي حلت بفنائك و
اناخت برحلك عليك مني سلام الله
يا مولاي ابدا ما بقيت وبقي الليل و
النهار ولا جعله الله آخر العهد مني
لزيارتكم السلام على الحسن و
الحسين وعلى علي بن الحسين وعلى
اولاد الحسين وعلى اصحاب الحسين
وعلى شيعة الحسين لعنة الله على
قاتل الحسين اللهم العن اول ظالم


ظلم حق محمد وآل محمد وآخر تابع له على
ذلك اللهم العن العصابة التي جاهدت
الحسين وشايعت وبايعت وتابعت
على قتله اللهم العنهم جميعا در بالای
سر آن حضرت این دعا بخواند السلام
يا مولاي وابن مولاي ورحمة الله وبركاته
أشهد أنك تشهد مقامي و
تسمع كلامي وأنت حي عند
ربك مرزوق أسأل الله ربي وربكم
قضاء حوائجي في الدنيا والآخرة
يا رحمن يا رحيم برحمتك يا أرحم الراحمين

در برابر روی آن حضرت این دعا بخواند
السلام عليك أيها الإمام المظلوم
السلام عليك أيها الإمام المعصوم
السلام عليك أيها الإمام المهموم
السلام عليك أيها الإمام المغموم
السلام عليك أيها الإمام المسموم
أشهد أنك الإمام الهادي والولي
المرشد أبرأ إلى الله من أعدائك و
أتقرب إلى الله بموالاتك سلام الله
عليكم يا مولاي وابن مولاي ورحمة
دو رکعت نماز الله وبركاته بکند و هر دعا که خواهد



٢٢٦

أحسن كلمة يبتدأ بها الكلام وخير خبر يختتم بها المرام حمدك اللهم على جزيل الإنعام

والصلاة والسلام على أشرف الأنام وآله البررة الكرام سيما ابن عمه علي الذي نصبه علماً للإسلام

ووضع علم النحو لحفظ الكلام فهذه

در حدیث وارد است که حضرت رسول صلی الله علیه واله فرمود که اگر هر کسی بسر روز رسیده باشد واین دعا بخواند یا بنویسد ودر زیر سرش بنهد آن سه روز بلبی سال مبدل شود انشاء الله تعالی

بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم افتح لنا ابواب الرحمة

والمغفرة والسعادة والدولة وال

والعافية والأمن والأمان

یا منان یا سبحان

[illegible] صرف [illegible] بعد از [illegible] مثل [illegible]

[illegible] است [illegible]

کرده قائم [illegible]

مستند [illegible]

[illegible] مثل لفظ پس ضرب [illegible]

[illegible] (۱) [illegible] ضمیر [illegible]

کرده قائم مقام [illegible] رفع [illegible]

مستتر [illegible] پس [illegible] مطلق

[illegible] کرده [illegible] قائم

والکلام لفظ من لفظه [illegible]

ضمیر [illegible] قائم [illegible]

[illegible] قائم رفع [illegible] ضمیر مستتر [illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

الهي البستني الخطايا ثوب مذلتي وجللني التباعد
منك لباس مسكنتي وامات قلبي عظيم جنايتي
فاحيه بتوبة منك يا املي وبغيتي ويا سؤلي
ومنيتي فوعزتك وجلالك اني لا اجد لذنوبي سواك
غافرا ولا ارى لكسري غيرك جابرا وقد خضعت
بالانابة اليك وعنوت بالاستكانة لديك فان طردتني
عن بابك فبمن الوذ وان رددتني عن جنابك فبمن اعوذ
فوا اسفا من خجلتي وافتضاحي ووالهفاه من سوء عملي
واجتراحي اسئلك يا غافر الذنب الكبير ويا جابر

العظم

العظم الكسير ان تهب لي موبقات الجرائر وتستر على فاضحات
السرائر ولا تخلني في مشهد القيمة من برد عفوك ومغفرتك
ولا تعرني من جميل صفحك وسترك الهي ظلل على ذنوبي غمام
رحمتك وارسل على عيوبي سحاب رأفتك الهي هل يرجع
العبد الآبق الا الى مولاه ام هل يجيره من سخطه احد سواه
الهي ان كان الندم من الذنب توبة فاني وعزتك من النادمين
وان كان الاستغفار من الخطيئة حطة فاني لك من المستغفرين
لك العتبى حتى ترضى الهي بقدرتك على تب على وبحلمك
عني اعف عني وبعلمك بي ارفق بي الهي انت الذي فتحت
لعبادك بابا الى عفوك سميته التوبة فقلت توبوا الى الله
توبة نصوحا فما عذر من اغفل دخول الباب بعد فتحه الهي

إن كان قبح الذنب من عبدك فليحسن العفو من عندك إلهي ما أنا بأول
من عصاك فتبت عليه وتعرض لمعروفك فجدت عليه يا مجيب
المضطر يا كاشف الضر يا عظيم البر يا عليماً بما في السر يا جميل الستر
استشفعت لك بجودك وكرمك وتوسلت لك بجنابك
وترحمك فاستجب دعائي ولا تخيب فيك رجائي وتقبل توبتي
وكفر خطيئتي بمنك ورحمتك

إلهي إليك أشكو نفساً بالسوء أمارة وإلى الخطيئة
مبادرة وبمعاصيك مولعة ولسخطك متعرضة تسلك بي
مسالك المهالك وتجعلني عندك أهون هالك كثيرة العلل
طويلة الأمل إن مسها الشر تجزع وإن مسها الخير تمنع ميالة
إلى اللعب واللهو مملوة بالغفلة والسهو تسرع بي إلى الحوبة
وتسوفني بالتوبة إلهي أشكو عدواً يضلني وشيطاناً يغويني

قد ملأ بالوسواس صدري وأحاطت هواجسه بقلبي يعاضد لي
الهوى ويزين لي حب الدنيا ويحول بيني وبين الطاعة و
الزلفى إلهي إليك أشكو قلباً قاسياً مع الوسواس متقلباً
وبالرين والطبع متلبساً وعيناً عن البكاء من خوفك
جامدة وإلى ما يسرها طامحة إلهي لا حول لي ولا قوة إلا بقدرتك
ولا نجاة لي من مكاره الدنيا إلا بعصمتك فأسألك ببلاغة
حكمتك ونفاذ مشيتك أن لا تجعلني لغير جودك متعرضاً
ولا تصيرني للفتن غرضاً وكن لي على الأعداء ناصراً وعلى
المخازي والعيوب ساتراً ومن البلايا واقياً وعن المعاصي
عاصماً برأفتك ورحمتك يا أرحم الراحمين

إلهي أتراك بعد الإيمان تعذبني أم بعد حبي إياك تبعدني
أم مع استجارتي بعفوك تسلمني أم مع رجائي برحمتك وصفحك

ترمي حاشا لوجهك الكريم ان تخيبني ليت شعري أللشقاء ولدتني
امي أم للعناء ربتني فليتها لم تلدني ولم تربني وليتني علمت
أمن أهل السعادة جعلتني وبقرب جوارك خصصتني فتقر
بذلك عيني وتطمئن به نفسي إلهي هل تسود وجوهاً خرت
ساجدة لعظمتك أو تخرس ألسنة نطقت بالثناء على مجدك
وجلالك أو تطبع على قلوب انطوت على محبتك أو تصم أسماعاً
تلذذت بسماع ذكرك في إرادتك أو تغل أكفاً رفعتها الآمال
إليك رجاء رأفتك أو تعاقب أبداناً عملت بطاعتك حتى
نحلت في مجاهدتك أو تعذب أرجلاً سعت في عبادتك إلهي
لا تغلق على موحديك أبواب رحمتك ولا تحجب مشتاقيك
عن النظر إلى جميل رؤيتك إلهي نفساً أعززتها بتوحيدك كيف
تذلها بمهانة هجرانك وضمير انعقد على مودتك كيف

تحرقه

تحرقه بحرارة نيرانك إلهي أجرني من أليم غضبك وعظيم سخطك
يا حنان يا منان يا رحيم يا رحمن يا جبار يا قهار يا ستار
يا غفار نجني من عذاب النار وفضيحة العار إذا امتاز الأخيار
من الأشرار وحالت الأحوال وهالت الأهوال وقرب المحسنون
وبعد المسيئون ووفيت كل نفس ما كسبت وهم لا يظلمون

يا من إذا سأله عبده أعطاه وإذا أمل ما عنده بلغه
مناه وإذا أقبل قربه وأدناه وإذا جاهره بالعصيان ستر
على ذنبه وغطاه وإذا توكل عليه أحسبه وكفاه
إلهي من ذا الذي نزل بك ملتمساً قراك فما قريته ومن
الذي أناخ ببابك مرتجياً نداك فما أوليته إلهي أيحسن

اَنْ اَرْجِعَ بِالْخَيْبَةِ عَنْ بابِكَ مَصْرُوفاً وَلَسْتُ اَعْرِفُ سِواكَ مَوْلىً

بِالْاِحْسانِ مَوْصُوفاً اِلهي كَيْفَ اَرْجُو غَيْرَكَ وَالْخَيْرُ كُلُّهُ بِيَدِكَ

وَكَيْفَ اُؤَمِّلُ سِواكَ وَالْخَلْقُ وَالْاَمْرُ لَكَ اِلهي أَاَقْطَعُ رَجائي

مِنْكَ وَقَدْ اَوْلَيْتَني ما لَمْ اَسْئَلْهُ مِنْ فَضْلِكَ اَمْ تُفْقِرُني

اِلى مِثْلي وَاَنَا اَعْتَصِمُ بِحَبْلِكَ يا مَنْ سَعِدَ بِرَحْمَتِهِ الْقاصِدُونَ

وَلَمْ يَشْقَ بِنِقْمَتِهِ الْمُسْتَغْفِرُونَ اِلهي كَيْفَ اَنْساكَ وَلَمْ تَزَلْ

ذاكِري وَكَيْفَ اَلْهُو عَنْكَ وَاَنْتَ مُراقِبي اِلهي بِذَيْلِ كَرَمِكَ

اَعْلَقْتُ يَدي وَلِنَيْلِ عَطاياكَ بَسَطْتُ اَمَلي فَاَخْلِصْني بِخالِصِ

تَوْحيدِكَ وَاجْعَلْني مِنْ صَفْوَةِ عَبيدِكَ يا مَنْ كُلُّ هارِبٍ اِلَيْهِ

يَلْتَجِئُ وَكُلُّ طالِبٍ اِيّاهُ يَرْتَجي يا خَيْرَ مَرْجُوٍّ وَيا اَكْرَمَ مَدْعُوٍّ

وَيا مَنْ لا يَرُدُّ سائِلَهُ وَلا يُخَيِّبُ آمِلَهُ يا مَنْ بابُهُ مَفْتُوحٌ لِداعيهِ

وحجابه

وَحِجابُهُ مَرْفُوعٌ لِراجيهِ اَسْئَلُكَ بِكَرَمِكَ اَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ مِنْ عَطائِكَ

بِما تَقَرُّ بِهِ عَيْني وَمِنْ رَجائِكَ بِما تَطْمَئِنُّ بِهِ نَفْسي وَمِنَ الْيَقينِ بِما

تُهَوِّنُ عَلَيَّ مُصيباتِ الْهَوى وَتَجْلُو بِهِ عَنْ بَصيرَتي غَشَواتِ الْعَمى

بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ

اِلهي اِنْ كانَ قَلَّ زادي فِي الْمَسيرِ اِلَيْكَ فَلَقَدْ حَسُنَ ظَنّي بِالتَّوَكُّلِ

عَلَيْكَ وَاِنْ كانَ جُرْمي قَدْ اَخافَني مِنْ عُقُوبَتِكَ فَاِنَّ رَجائي

قَدْ اَشْعَرَني بِالْاَمْنِ مِنْ نِقْمَتِكَ وَاِنْ كانَ ذَنْبي قَدْ عَرَّضَني لِعِقابِكَ

فَقَدْ آذَنَني حُسْنُ ثِقَتي بِثَوابِكَ وَاِنْ كانَ اَنامَتْنِي الْغَفْلَةُ

عَنِ الْاِسْتِعْدادِ لِلِقائِكَ فَقَدْ نَبَّهَتْنِي الْمَعْرِفَةُ بِكَرَمِكَ وَآلائِكَ

وَاِنْ كانَ اَوْحَشَ ما بَيْني وَبَيْنَكَ فَرْطُ الْعِصْيانِ وَالطُّغْيانِ

فَقَدْ آنَسَني بُشْرَى الْغُفْرانِ وَالرِّضْوانِ اَسْئَلُكَ بِسُبُحاتِ

وجهك وبانوار قدسك وابتهل اليك بعواطف رحمتك ولطائف
رأفتك ان تحقق ظني فيما اؤمله من جزيل اكرامك وجميل انعامك
في القربى منك والزلفى لديك والتمتع بالنظر اليك وها انا
متعرض لنفحات روحك وعطفك ومنتجع غيث جودك ولطفك
فار من سخطك الى رضاك هارب منك اليك راج احسن ما لديك
معول على مواهبك مفتقر الى رعايتك الهي ما بدأت به من فضلك
فتممه وما وهبت لي من كرمك فلا تسلبه وما سترته علي
بحلمك فلا تهتكه وما علمته من قبيح فعلي فاغفره الهي
استشفعت بك اليك واستجرت بك منك اتيتك طامعا
في احسانك راغبا في امتنانك مستسقيا وابل طولك مستمطرا
غمام فضلك طالبا مرضاتك مريدا وجهك طارقا بابك قاصدا

جنابك

جنابك ملتمسا سني الخيرات من عندك وافدا الى حضرة
جمالك مستكينا لعظمتك وجلالك فافعل بي ما انت
اهله من المغفرة والرحمة ولا تفعل بي ما انا اهله من
العذاب والنقمة برحمتك يا ارحم الراحمين

الهي اذهلني عن اقامة شكرك تتابع طولك واعجزني
عن احصاء ثنائك فيض فضلك وشغلني عن ذكر محامدك
ترادف عوائدك واعياني عن نشر عوارفك توالي اياديك
وهذا مقام من اعترف بسبوغ النعماء وقابلها بالتقصير
وشهد على نفسه بالاهمال والتضييع وانت الرؤوف
الرحيم البر الكريم الذي لا يخيب سائليه ولا
قاصديه ولا يطرد عن فنائه آمليه بساحتك تحط

رحال الراجين وبعرصتك تقف امال المسترفدين فلا
تقابل امالنا بالتخييب والاياس ولا تلبسنا سربال القنوط
والابلاس الهي تصاغر عند تعاظم آلائك شكري
وتضاءل في جنب اكرامك اياي ثنائي ونشري جللتني
نعمك من انوار الايمان حللا وضربت علي لطائف برك
كللا وقلدتني منك قلائد لا تحل وطوقتني اطواقا
لا تفل فآلاؤك جمة ضعف لساني عن احصائها ونعماؤك
كثيرة قصر فهمي عن ادراكها فضلا عن استقصائها
فكيف لي بتحصيل الشكر وشكري اياك يفتقر الى
شكر فكلما قلت لك الحمد وجب علي لذلك ان اقول
لك الحمد الهي فكما غذيتنا بلطفك وربيتنا بصنعك
فتمم علينا سوابغ النعم وادفع عنا مكاره النقم

وآتنا

وآتنا من حظوظ الدارين ارفعها واجلها عاجلا وآجلا
ولك الحمد على حسن بلائك وسبوغ نعمائك حمدا يوافق
رضاك ويكافي العظيم من برك ونداك يا عظيم يا كريم
برحمتك يا ارحم الراحمين

الهي الهمنا طاعتك وجنبنا معصيتك ويسر لنا
بلوغ ما نتمنى من ابتغاء رضوانك واحللنا بحبوحة
جنانك واقشع عن بصائرنا سحاب الارتياب واكشف
عن قلوبنا اغشية المرية والحجاب وازهق الباطل عن
ضمائرنا واثبت الحق في سرائرنا فان الشكوك والظنون
لواقح الفتن ومكدرة الصفو والمنن اللهم احملنا
في سفن نجاتك ومتعنا بلذيذ مناجاتك واوردنا
حياض حبك واذقنا حلاوة ودك وقربك واجعل

شغلنا بجهادنا فيك وهمّنا في طاعتك واخلص نيّاتنا في معاملتك
فانّا بك ولك ولا وسيلة لنا اليك الّا بك اللّهم اجعلنا
من المصطفين الاخيار والحقنا بالصالحين الابرار السابقين
الى المكرمات المسارعين الى الخيرات العاملين للباقيات
الصالحات الساعين الى رفيع الدرجات انّك على كلّ شيء
قدير وبالاجابة جدير برحمتك يا ارحم الراحمين

مناجات المريدين

سبحانك ما اضيق الطرق على من لم تكن دليله
وما اوضح الحقّ عند من هديته سبيله الهي فاسلك
بنا سبل الوصول اليك وسيّرنا في اقرب الطرق للوفود
عليك قرّب علينا البعيد وسهّل لدينا العسير الشديد
والحقنا بعبادك الذين هم بالبدار اليك يسارعون وبابك

على الدوام يطرقون واياك في الليل والنهار يعبدون وهم
من هيبتك مشفقون الذين صفّيت لهم المشارب وبلّغتهم
الرغائب وانجحت لهم المطالب وقضيت لهم من فضلك
المآرب وملأت ضمائرهم من حبّك ورويتهم من صافي شرب
ودّك فبك الى لذيذ مناجاتك وصلوا ومنك على اقصى
مقاصدهم حصلوا فيا من هو على المقبلين عليه مقبل
وبالعطف عليهم عائد مفضل وبالغافلين عن ذكره رحيم
رؤف وبجذبهم الى بابه ودود عطوف اسئلك ان تجعلني
من اوفرهم منك حظّا واعلاهم عندك منزلا واجزلهم
من ودّك قسما وافضلهم في معرفتك نصيبا فقد انقطعت
اليك همّتي وانصرفت نحوك رغبتي فانت لا غيرك مرادي

لك لا لسواك سهري وسهادي ولقاؤك قرة عيني ووصلك
منى نفسي واليك شوقي وفي محبتك ولهي والى هواك صبابتي
ورضاك بغيتي ورؤيتك حاجتي وجوارك طلبتي وقربك غا
مسئلتي وفي مناجاتك روحي وراحتي وعندك دواء علتي
وشفاء غلتي وبرد لوعتي وكشف كربتي فكن انيسي
في وحشتي ومقيل عثرتي وغافر زلتي وقابل توبتي وولي
عصمتي ومغني فاقتي ولا تقطعني عنك ولا تباعدني منك
يا نعيمي وجنتي ويا دنياي وآخرتي انك على كل شيء قدير

برحمتك يا ارحم الراحمين

الهي من الذي ذاق حلاوة محبتك فرام منك بدلا ومن الذي
انس بقربك فابتغى عنك حولا الهي فاجعلنا ممن اصطفيته لقربك
وولايتك واخلصته لودك ومحبتك وشوقته الى لقائك

وارضيته

وارضيته بقضائك ومنحته بالنظر الى وجهك وحبوته
برضاك واعذته من هجرك وقلاك وبوأته مقعد الصدق
في جوارك وخصصته بمعرفتك واهلته لعبادتك وهيمت
قلبه لارادتك واجتبيته لمشاهدتك واخليت وجهه لك
وفرغت فؤاده لحبك ورغبته فيما عندك والهمته ذكرك
واوزعته شكرك وشغلته بطاعتك وصيرته من صالحي
بريتك واخترته لمناجاتك وقطعت عنه كل شيء يقطعه عنك اللهم
اجعلنا ممن دأبهم الارتياح اليك والحنين ودهرهم الزفرة
والانين وجباهم ساجدة لعظمتك وعيونهم ساهرة في
خدمتك ودموعهم سائلة من خشيتك وقلوبهم متعلقة
بمحبتك وافئدتهم منخلعة من مهابتك يا من انوار قدسه
لابصار محبيه رائقة وسبحات نور وجهه لقلوب عارفيه

شائقة يا منى قلوب المشتاقين ويا غاية آمال المحبين أسألك حبك وحب من يحبك وحب كل عمل يوصلني إلى قربك وأن تجعلك أحب إلي مما سواك وأن تجعل حبي إياك قائدا إلى رضوانك وشوقي إليك ذائدا عن عصيانك وامنن بالنظر إليك علي وانظر بعين الود والعطف إلي ولا تصرف عني وجهك واجعلني من أهل الإسعاد والحظوة عندك برحمتك يا أرحم الراحمين إنك على كل شيء قدير

إلهي ليس لي وسيلة إليك إلا عواطف رأفتك ولا لي ذريعة لديك إلا رحمتك وشفاعة نبيك صلى الله عليه وآله نبي الرحمة ومنقذ الأمة من الغمة فاجعلهما لي سببا إلى نيل غفرانك وصيرهما لي وصلة إلى الفوز برضوانك وقد حل رجائي بحرم كرمك وحط طمعي بفناء جودك فحقق فيك أملي واختم بالخير عملي واجعلني من صفوتك الذين أحللتهم بحبوحة جنتك وبوأتهم دار كرامتك

وأقررت أعينهم بالنظر إليك يوم لقائك وأورثتهم منازل الصدق في جوارك يا من لا يفد الوافدون على أكرم منه ولا يجد القاصدون أرحم منه يا خير من خلا به وحيد ويا أعطف من أوى إليه طريد إلى سعة عفوك مددت يدي وبذيل كرمك أعلقت كفي فلا تولني الحرمان ولا تبتلني بالخيبة والخسران يا حنان يا منان برحمتك يا أرحم الراحمين

إلهي كسري لا يجبره إلا لطفك وحنانك وفقري لا يغنيه إلا عطفك وإحسانك وروعتي لا يسكنها إلا أمانك وذلتي لا يعزها إلا سلطانك وأمنيتي لا يبلغنيها إلا فضلك وخلتي لا يسدها إلا طولك وحاجتي إليك لا يقضيها غيرك وكربي لا يفرجه سوى رحمتك وضري لا يكشفه غير رأفتك وغلتي لا يبردها إلا وصلك ولوعتي لا يطفئها إلا لقاؤك وشوقي إليك لا يبله إلا النظر إلى وجهك

وقراری لا یقر دون دنوی منک ولهفتی لا یردها الا روحک وسقمی
لا یشفیه الا طبک وغمی لا یزیله الا قربک وجرحی لا یبرئه الا صفحک
ورین قلبی لا یجلوه الا عفوک ووسواس صدری لا یزیحه الا امرک
فیا منتهی امل الآملین ویا غایة سؤل السائلین ویا اقصی طلبة
الطالبین ویا اعلی رغبة الراغبین ویا ولی الصالحین ویا امان
الخائفین ویا مجیب المضطرین ویا ذخر المعدمین ویا کنز البائسین
ویا غیاث المستغیثین ویا قاضی حوائج الفقراء والمساکین ویا ارحم
الراحمین ویا اکرم الاکرمین لک تخضعی وسؤالی والیک تضرعی
وابتهالی اسئلک ان تنیلنی من روح رضوانک وتدیم علی نعم
امتنانک وها انا ذا بباب کرمک واقف ولنفحات برک متعرض
وبحبلک الشدید معتصم وبعروتک الوثقی متمسک الهی ارحم عبدک
الذلیل ذا اللسان الکلیل والعمل القلیل وامنن بطولک
الجزیل واکنفه تحت ظلک الظلیل یا عظیم یا جمیل یا ارحم الراحمین

تنیلنی

الهی

الهی قصرت الالسن عن بلوغ ثنائک کما یلیق بجلالک وعجزت
العقول عن ادراک کنه جمالک وانحسرت الابصار دون النظر
الی سبحات وجهک ولم تجعل للخلق طریقا الی معرفتک الا
بالعجز عن معرفتک الهی فاجعلنا من الذین ترسخت اشجار الشوق
الیک فی حدائق صدورهم واخذت لوعة محبتک بمجامع
قلوبهم فهم الی اوکار الافکار یاوون وفی ریاض القرب و
المکاشفة یرتعون ومن حیاض المحبة بکاس الملاطفة
یکرعون وشرایع المصافات یردون وقد کشف الغطاء
عن بصائرهم وانجلت ظلمة الریب عن عقائدهم فی ضمائرهم
وانتفت مخالجة الشک عن قلوبهم وسرائرهم وانشرحت بتحقیق
المعرفة صدورهم وعلت لسبق السعادة فی الزهادة همتهم
وعذب من معین المعاملة شربهم وطاب فی مجلس الانس
سرهم وامن فی موطن المخافة سربهم واطمانت بالرجوع

الى ربّ الارباب انفسهم وتيقّنت بالفوز والفلاح ارواحهم وقرّت
بالنظر الى محبوبهم ابصارهم واستقرّ بادراك السؤل ونيل المأمول
قرارهم وربحت في بيع الدنيا بالآخرة تجارتهم الهي ما ألذّ خواطر
الالهام بذكرك على القلوب وما احلى المسير اليك بالاوهام
في مسالك الغيوب وما اطيب طعم حبّك وما اعذب شرب
قربك فاعذنا من طردك وابعادك واجعلنا من اخصّ عارفيك
واصلح عبادك واصدق طائعيك واخلص عبادك يا عظيم
يا جليل يا كريم يا منيل برحمتك يا ارحم الراحمين

الهي لولا الواجب من قبول امرك لنزّهتك عن ذكري ايّاك
على انّ ذكري لك بقدري لا بقدرك وما عسى ان يبلغ مقداري
حتّى اجعل محلّاً لتقديسك ومن اعظم النعم علينا جريان ذكرك
على ألسنتنا واذنك لنا بدعائك وتنزيهك وتسبيحك الهي

فالهمنا

فالهمنا ذكرك في الملاء والخلاء والليل والنهار والاعلان
والاسرار وفي السرّاء والضرّاء وآنسنا بذكرك الخفيّ واستعملنا بالعمل
الزكيّ والسعي المرضيّ وجازنا بالميزان الوفيّ الهي بك هامت القلوب
الوالهة وعلى معرفتك جمعت العقول المتباينة فلا تطمئنّ
القلوب الّا بذكراك ولا تسكن النفوس الّا عند رؤياك
انت المسبّح في كلّ مكان والمعبود في كلّ زمان والموجود في
في كلّ اوان والمدعوّ بكلّ لسان والمعظّم في كلّ جنان فاستغفرك
من كلّ لذّة بغير ذكرك ومن كلّ راحة بغير انسك ومن كلّ سرور
بغير قربك ومن كلّ شغل بغير طاعتك الهي انت قلت وقولك
الحقّ يا ايّها الذين آمنوا اذكروا الله ذكراً كثيراً وسبّحوه بكرة
واصيلاً وقلت فاذكروني اذكركم وامرتنا بذكرك ووعدتنا
عليه ان تذكرنا تشريفاً واكراماً وتفخيماً واعظاماً وها نحن ذاكروك
كما امرتنا فانجز لنا ما وعدتنا يا ذاكر الذاكرين ويا ارحم الراحمين

اللهم يا ملاذ اللائذين ويا معاذ العائذين ويا منجي الهالكين ويا عاصم
البائسين ويا راحم المساكين ويا مجيب دعوة المضطرين
ويا كنز المفتقرين ويا جابر المنكسرين ويا مأوى المنقطعين ويا ناصر
المستضعفين ويا مجير الخائفين ويا مغيث المكروبين ويا حصن اللاجين
إن لم أعذ بعزتك فبمن أعوذ وإن لم ألذ بقدرتك فبمن ألوذ
وقد ألجأتني الذنوب إلى التشبث بأذيال عفوك وأحوجتني الخطايا
إلى استفتاح أبواب صفحك ودعتني الإساءة إلى الإناخة بفناء
عزك وحملتني المخافة من نقمتك على التمسك بعروة عطفك وما حق
من اعتصم بحبلك أن يخذل ولا يليق بمن استجار بعزك أن يسلم أو
يهمل إلهي فلا تخلنا من حمايتك ولا تعرنا من رعايتك وذدنا
عن موارد الهلكة فإنا بعينك وفي كنفك ولك أسألك بأهل خاصتك
من ملائكتك والصالحين من بريتك أن تجعل علينا واقية تنجينا

من الهلكات

من الهلكات وتجنبنا من الآفات وتكننا من دواهي المصيبات
وأن تنزل علينا من سكينتك وأن تغشي وجوهنا بأنوار محبتك
وأن تؤوينا إلى شديد ركنك وأن تحوينا في أكناف عصمتك برأفتك
ورحمتك يا أرحم الراحمين

إلهي أسكنتنا دارا حفرت لنا حفرة مكرها وعلقتنا بأيدي حبائل
غدرها فإليك نلتجئ من مكائد خدعها وبك نعتصم من الاغترار
بزخارف زينتها فإنها المهلكة طلابها المتلفة حلالها المفلقة
خطابها المحشوة بالآفات المشحونة بالنكبات إلهي فزهدنا فيها وسلمنا
منها بتوفيقك وعصمتك وانزع عنا جلابيب مخالفتك وتول
أمورنا بحسن كفايتك وأوفر مزيدنا من سعة رحمتك وأجمل
صلاتنا من فيض مواهبك واغرس في أفئدتنا أشجار محبتك
وأتمم لنا أنوار معرفتك وأذقنا حلاوة عفوك ولذة مغفرتك و

وَاقْرِرْ أَعْيُنَنَا يَوْمَ لِقَائِكَ بِرُؤْيَتِكَ وَاخْرِجْ حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قُلُوبِنَا كَمَا
و روشن کن دیدهای ما را روز ملاقات تو بدیدار تو و بیرون کن دوستی دنیا را از دلهای ما
فَعَلْتَ بِالصَّالِحِينَ مِنْ صَفْوَتِكَ وَالْأَبْرَارِ مِنْ خَاصَّتِكَ بِرَحْمَتِكَ
همچنانکه کردی با شایستگان از برگزیدگان و نیکوکاران از خاصان تو برحمت تو
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
ای رحم کننده‌تر از رحیمان

در بیان وصایا که جناب ختمی مآب ص بحضرت امیرالمؤمنین نموده و در فقه رب ...
از کتب معتبره مذکور است که یا علی هر که ... شب ... نماز شب ... روز ... شب ... بگوید
آنچه را که کرده است از گناه روز ... خداوند عالم ... نماز شب را ... فوت روز
کرده است حضرت ص فرمودند ... نماز کند ... خدا
خداوند که ... از حسنات بعدد آنچه ...
... که ... دارد

... آداب نماز شب هشت رکعت است

هر دو رکعت بیک سلام در رکعت اول حمد یکبار ... الحمد ...
در رکعت دوم حمد یکبار ... الله ... دو رکعت دیگر حمد ...
... بخواند مخیر است هر دو رکعت یک قنوت دارد بعد از آن دو رکعت نماز شفع است

سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ
منزه است از نقص خدا و هر حمدی مختص است نیست خدا مگر خدا و خدا بزرگتر است

اَللهُ أَكْبَرُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ جَلَّ جَلَالُهُ
بزرگتر است خدا شهادت میدهم اینکه نیست خدائی مگر خدا بزرگ است جلال او

أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
شهادت میدهم اینکه محمد فرستاده خدا است رحمت کرده خدا بر او و آل او و سلام فرستاد

أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَأَبْنَائَهُ حُجَجُ اللهِ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ
شهادت میدهم اینکه علی و پسران او حجتهای خدا اند رحمت خدا بر ایشان همه

حَيَّ عَلَى الصَّلٰوةِ حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ
بشتاب بر نماز بشتاب بر رستگاری بشتاب بر بهترین عمل

قَدْ قَامَتِ الصَّلٰوةُ اللهُ أَكْبَرُ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ
بتحقیق که برپا شد نماز بزرگتر است خدا نیست خدا مگر خدا

أَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
پناه میبرم بخدا از شیطان رانده شده

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين الرحمن الرحيم
مالك يوم الدين اياك نعبد واياك
نستعين اهدنا الصراط المستقيم
صراط الذين انعمت عليهم غير
المغضوب عليهم ولا الضالين

بسم الله الرحمن الرحيم

قل هو الله احد الله الصمد لم يلد
ولم يولد ولم يكن له كفوا احد

سبحان من دانت له السموات والارض بالعبودية
واقرت له بالوحدانية لا اله الا الله الحليم الكريم
لا اله الا الله العلي العظيم لا اله الا الله الملك
الحق المبين سبحان الله رب السموات السبع
ورب الارضين السبع وما فيهن وما بينهن
وهو رب العرش العظيم والحمد لله رب العالمين
الحمد لله اشهد ان لا اله الا الله وحده
لا شريك له واشهد ان محمدا عبده ورسوله
اللهم صل على محمد وآل محمد وتقبل شفاعته في امته

ولرفع درجته وقرّب وسيلته

و بلند كن درجه او را و نزديک گردان وسيله او را تا ظهور قائم او را

السّلام عليك ايّها النبيّ ورحمة الله

رحمت بر تو ای پيغمبر و درود خدا

وبركاته السّلام علينا وعلى عباد

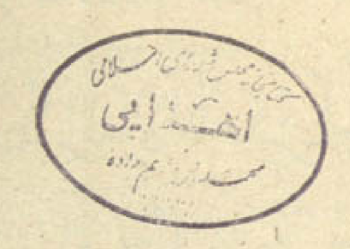
و بركتهای او رحمت بر ما و بر بندگان

الله الصّالحين السّلام عليكم ورحمة

خدا شايستگان رحمت بر شما و درود

الله وبركاته

خدا و بركتهای او



[illegible]

